

# استکبار ستیزی در قرآن، دشمنی چرا؟

در این کتاب می خوانیم



ابلیس تکبر کرد      نظام سلطه از نگاه قرآن

ویژگی های نظام سلطه      جهانی شدن سلطه استکباری      جهانی سازی در اسلام  
در برابر استکبار و نظام سلطه سکوت کرد      عبرت های تاریخی و جنگ حق و باطل

تسلیم خواسته های یهود و نصارا نشوید!      گفتمان اسلامی و جهانی شدن

حق کوتاه نمی آید      جنگ دائمی حق و باطل      به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید  
به اسلام آمریکایی و انگلیسی بدبین باشید      چرا مرگ بر آمریکا؟

سابقه دخالت ها و دشمنی های آمریکا با ایران      چرا آمریکا دشمن ماست؟!

انگیزه های دشمنی با آمریکا      آمریکا با استقلال، اسلام، عزت، دشمنند  
سیاست کاخ سفید بر پایه نقض حقوق انسان ها      نشانه های سقوط دولت آمریکا

جنايات ريز و درشت آمريكا طى ۶۰ سال اخير

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰      قیمت: ۶۵.۰۰۰ تومان      نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

آدرس نویسنده : [m5736z.blog.ir](http://m5736z.blog.ir)      لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: [zarepoorketab.blog.ir](http://zarepoorketab.blog.ir)

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

- بخش اول :** تکبر و خود پسندی
- بخش دوم :** شاخص های استکبار
- آثار و پیامدهای استکبار ورزی    استکبار و نشانه‌های مستکبران
- بخش سوم :** هویت و ملیت اسلامی    هویت اسلامی و نه ملی
- بخش چهارم :** نظام سلطه از نگاه قرآن    ویژگی‌های نظام سلطه
- بخش پنجم :** جهانی سازی بهانه ای برای زرسالاری و ابزارسالاری
- بخش ششم :** اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام و خط مقدم ناقضین
- بخش هفتم :** عبرت های تاریخی و جنگ حق و باطل
- روش های مقابله با استبداد در قرآن و دیدگاه امام خمینی
- سیره ائمه اطهار(علیهم السلام) کرامت انسانی همانند سیره ی انبیاء
- هتک حرمت شیوه ی استکبار و سابقه تاریخی آن
- استکبار خواهان اسلام آمریکایی و سرمایه‌داری، همانند شیوخ منطقه
- علل استهزاء مقدسات دین اسلام، توسط استکبار
- بخش هشتم :** چرایی دشمنی با آمریکا و اسرائیل از منظر قرآن
- بخش نهم :** اسرائیلی در فرهنگ قرآن و مطرح بودن قطب اسلام در مقابل قطب استکبار
- بخش دهم :** اقدامات استکبار بر علیه اسلام و مسلمانان
- بخش یازدهم :** جوانان غرب ، اسلام را بی‌واسطه بشناسید
- بخش دوازدهم :** برنامه های اجرایی صهیونیزم زدایی    جنایت مشهور صهیونیستی
- بخش سیزدهم :** قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران
- بخش چهاردهم :** چرا مرگ بر آمریکا ؟ ؟ ؟ ؟

## مقدمه نویسنده

منظور از استکبار در فرهنگ ما و در قرآن، ابلیس است و اولین مستکبر تاریخ می باشد. اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می کند. آمریکا ترجمه درست کلمه استکبار است. آمریکا یک نظام ضد اخلاقی است که به همان روح استکباری اش باز می گردد. این منش و روحیه را هم در کشورهای مختلف دنیا با تجاوز و مداخله و با قتل و کشتار به خوبی به نمایش گذاشته است.

ضدیت با استکبار از اصول اساسی اسلام است و گفتمان قرآن و تمام امامان معصوم تاکید بر ولایت الهیه و مبارزه با ظلم و طاغوت است. استکبار با امپراتوری رسانه ای خود تلاش می کند الگوهای توحیدی را در جوامع مسلمان تغییر دهد. ولی مومنان به پیروی از آیه سوم آیت الکرسی و انتخاب **الله** به عنوان سرپرست و اجتناب از **طاغوت** و رسیدن به روشنایی و هدایت به استکبار دست رد زده اند.

پیروی از ولایت و «استکبارستیزی» محور برجسته دعوت و آموزه های امامان (علیهم السلام) است. منظور از ولایت و محبت اهل بیت، ولایت و محبتی است که سرچشمه اش، معرفت باشد و منجر به اطاعت و تبعیت از آن حضرات و تبری از دشمنان شود. اسلام، هر نوع تهدید علیه جان بی گناهان و امنیت عمومی را مصداق «محرابه» و مستحق مجازات شدید می داند. اسلام، جهاد علیه اشغال گران را واجب و مایه عزت خوانده است ولی «جهاد» روش دارد. جهاد قرآنی، کشتار بی گناهان نیست. اسلام به دنبال پیروزی غیر اخلاقی، حتی بر دشمن بی اخلاق نیست. مبنا و هدف سیاست اسلامی، اخلاق و اخلاقی بودن است. همواره خشونت های مذهبی از حضور استکبار در مناطقی که تنوع مذاهب و نفوذ استعمار بیشتر است! رخ می دهد،

آموزه های اسلام که آخرین و کاملترین دین الهی است، بزرگترین مانع مستکبران جهان است. ایجاد فرقه های ضاله و داعش یکی از موثرترین راهکارهای آنها برای تبلیغ ضد اسلام است. اسلام در میان ادیان، بیشترین اهمیت را به حفظ جان و حرمت انسانها داده، چنانچه قتل یک نفر را مانند کشتن همه انسانها می داند و مجازات اقامت دائم در آتش که مخصوص کفار است را برای قاتل عمد در نظر گرفته است! آنها که برخلاف دستورات اسلام، در میان مسلمانان

خشونت و کشتار می کنند، مسلمان نیستند! گروه هایی مثل داعش و وهابی و ... ساخته پرداخته ی استکبار و صهیونیست است به اقرار خود بزرگان سیاستمداران آمریکا و ... و از طرفی باید بدانیم برخلاف تبلیغات جهانی، در طول تاریخ بیشترین جنایات و جنگها توسط مسیحیان و منتسبان آنها علیه خود مسیحیان یا سایر ادیان صورت گرفته، چند مثال:

خشونت مسیحیان تندرو در تاریخ و در کتاب مقدس!

جنگ جهانی اول با ۱۷ میلیون کشته!

جنگ جهانی دوم با ۵۰ تا ۷۰ میلیون کشته!

خشونت فرقه‌ای مسیحیان در ایرلند

قتل عام فرقه‌ای مسیحیان در هلند، فرانسه و...

آغاز جنگهای صلیبی علیه مسلمانان

مسلمانان در طول تاریخ همواره قربانی خشونت سایر ادیان و فرق بوده اند و امروزه نیز در میانمار، نیجریه، آفریقای مرکزی، هند، چین، و... مورد تعدی و کشتار واقع می شوند.

در این کتاب ابتدا به بحث کبر و خودخواهی سپس خصوصیات یک انسان متکبر و خودپسند را با توجه به آیات و روایات پرداخته و این صفت بد و زشت را به یک جامعه و کشور تطبیق داده و از این روحیه استکباری چه بلا و مصیبتی برای دیگران و جوامع و کشورهای ضعیف ایجاد کرده است و علت تاکید قرآن بر مبارزه با مستکبرین را بیان می کند. ضمناً ترجمه آیات به نظم آورده شده است.

مولف: محمود زارع پور



## بخش اول      تکبر و خود پسندی

انسان متکبر، کسی است که با زبان و رفتار، خودبرتربینی - خویش را به دیگران اعلام می کند. کبر آن است که در مقایسه خویش با دیگران برای خود، بزرگی قایل باشد، بدون اینکه آن را اظهار کند. عجب و خودپسندی و تکبر، دره های مهلک و خطرناکی هستند که با سقوط در آنها، هیچ موجودی سالم نمی ماند.

کتاب معراج السعاده : فرق عجب با کبر آن است که متکبر خود را بالاتر از غیر بداند و مرتبه خود را بیشتر شمارد و در عجب پای گیری در میان نیست. پس کبر آن است که به خود ببالد و از خود شاد باشد و خود را شخصی بداند و منعم را فراموش کند. ریشه بسیاری از گرفتاری های موجود، تکبر و خود خواهی متکبران و تحقیر و کوچک انگاری دیگران توسط آنهاست! قرآن کریم گزارش می دهد که **ابلیس** نمونه ی تکبر در عرصه آفرینش بود.

ابلیس از طایفه جن بود و به قول حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرده بود و در صفوف ملائکه از جایگاه ویژه و مقام بلندی برخوردار بود. اما وقتی در برابر فرمان الهی مخالفت و تکبر نمود، مطرود ابدی شد. خداوند سبحان در آیات ۱۷ تا ۳۸ سوره ص به جریان تکبر شیطان پرداخته است.

- نتیجه تکبر و حسادت، محرومیت از نعمت و لطف خداست.  
 - نژاد پرستی و خودبرتربینی، تفکر شیطانی است. - تحقیر شیطان هم  
 مکانی بود **فَأَخْرَجَ** هم مقامی **لَعْنَتِي**. حال ببینید که خدای متعال این  
 دشمن خود **ابلیس** را که پیشوای متعصبین و سلف مستکبران است،  
 چگونه به جرم تکبرش خوار و کوچک کرد و به جرم بلند پروازیش بی  
 مقدار ساخت، او را در دنیا طرد کرد. و در آخرت هم آتش افروخته  
 نصیبش ساخت و.. هدف از بیان این سرگذشت این که:

**اولا**، به انسان ها یادآوری شود که وجود آنها آن قدر با ارزش است که  
 تمامی فرشتگان برای جدشان آدم علیه السلام به سجده افتادند. انسانی با این  
 همه شخصیت، چگونه اسیر چنگال شیطان و هوای نفس می شود؟  
 چگونه ارزش وجودی خود را رها کرده، یا در برابر سنگ و چوبی سجده  
 میکند؟! و در این زمانه مرعوب متکبران عصر حاضر می شود.

**ثانیا**، لجاجت شیطان و غرور و تکبر و حسدش که سبب شد، برای  
 همیشه از اوج افتخار سقوط کند و در لجنزار فرو رود، می تواند برای  
 همه افراد لجوج و مغرور باشد، تا عبرت گیرند و رویه شیطان را رها کنند.

**ثالثا**، از وجود چنین دشمن بزرگی که سوگند برای اغوای انسانها یاد کرده،  
 خبر می دهد، تا همگان به هوش باشند و در دام او نیفتند.

**ابلیس تکبر کرد** ابلیس، تکبر ورزید و تمرد و طغیان نمود، و به همین دلیل از مقام (با عظمت خود) سقوط کرد و در صف کافران شد **إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ**. و بدترین بلای جان انسان نیز همین کبر و غرور است که پرده های تاریک جهل بر چشم بینای او می افکند، و او را از درک حقایق محروم می سازد او را به تمرد و سرکشی وا می دارد، و از صف مومنان که صف بندگان مطیع خداست بیرون می افکند، و در صف کافران که صف یاغیان و طاغیان است قرار میدهد.

**آتش کبر و غرور سرمایه انسان را می سوزاند** از مسائل فوق العاده حساسی که در ماجرای ابلیس و رانده شدن او از درگاه خدا، جلب توجه می کند، تأثیر عامل خودخواهی و غرور در سقوط و بدبختی انسان است، موجودی را که هم ردیف فرشتگان بزرگ آسمان بود، به پست ترین درکات شقاوت تنزل داد، و مستحق لعن ابدی خداوند نمود.

**تکبر امکان فهم حقیقت را می گیرد** خودخواهی و غرور، به انسان اجازه نمی دهد، چهره ی حقیقت را آن چنان که هست ببیند. خودخواهی، سرچشمه حسادت، و حسادت سرچشمه کینه توزی، و کینه توزی عامل خونریزی و جنایات دیگر است.

خودخواهی، انسان را به ادامه خطا و اشتباه وامی دارد، و به هنگام وجود عوامل بیدارکننده نیز آثار همه را خنثی می کند! خودخواهی و لجاجت،

فرصت توبه و جبران را از دست انسان می گیرد، و درهای نجات را به روی او می بندد، و چه زیبا علی (علیه السلام) فرموده اند: این دشمن خدا شیطان، پیشوای متعصبان و سلف مستکبران است که اساس تعصب، تکبر و خودخواهی را پی ریزی کرد، و با خداوند در مقام جبروتیش به ستیز و منازعه برخاست، لباس خودبزرگ بینی، برتن پوشانید، و پوشش تواضع و فروتنی را کنار گذاشت.

آیا نمی بینید چگونه خداوند، او را به خاطر تکبرش کوچک کرد؟ و بر اثر بلند پروازیش، پست و خوار گردانید؟ در دنیا مطرودش ساخت، و در آخرت آتش سوزان دوزخ را برای او آماده کرده است! (نهج البلاغه خ ۱۹۲)

**از رفتار خدا با ابلیس پند بگیریم!**

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در حدیث شریفی درباره نکوهش تکبر و مساوی بودن حکم خداوند برای اهل زمین و آسمان فرموده: **فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ،..... فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لِوَاحِدٍ؛** پند و عبرت گیرید به آنچه خداوند با ابلیس رفتار کرد، در آن هنگام که اعمال و عبادات طولانی و تلاش و کوشش های او به خاطر ساعتی تکبر ورزیدن بر باد داد، با این حال چه کسی بعد از ابلیس می تواند از کیفر خدا در برابر انجام همان معصیت مصون بماند؟

حضرت امام علی (علیه السلام)، **وَ خَلَعَ التَّكْبُرُ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ؛** حلقه های زنجیر



خودبزرگ‌بینی را از گردن باز کنید (خطبه ۱۹۲) وَ لَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ عَلَى ابْنِ أُمَّهِ... ؛ و شما همانند قابیل نباشید که بر برادرش تکبر کرد.. و شیطان باد کبر و غرور در دماغش دمید، سرانجام پشیمان شد، خداوند گناه قاتلان را تا روز قیامت برگردن او نهاد. فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ، وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ مَلَأَ الشَّنَّانِ، وَ مَنَافِحُ الشَّيْطَانِ، ... ؛ خدا را! خدا را! از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید که جایگاه بغض، کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است ... ضَعُ فَخْرَكَ وَ احْطُظْ كِبْرَكَ؛ فخر فروشی را واگذار و از مرکب تکبر فرود آی.

عَجَبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا حَيْفَةً؛ در شگفتم از متکبری که دیروز نطفه‌ای بی‌ارزش، و فردا مرداری گندیده خواهد بود (حکمت ۱۲۶) ممکن نیست خداوند، انسانی را به بهشت بفرستد، در برابر کاری که به خاطر آن فرشته‌ای را از بهشت رانده است. حکم خداوند در باره اهل آسمان و زمین یکی است.

**متکبران؛ محروم از رحمت الهی** وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان ۱۸).

به کبر و به ناز از کسی رو متاب      مزین گام روی زمین با عتاب

ندارد و را دوست یکتا خدا      کسی را که باشد به دل خودستا

کسانی که در برابر دعوت انبیاء الهی می ایستادند ، متکبران بودند.

## بخش دوم : شاخص های استکبار

در چندین آیه، از آیات قرآن، **استکبار** به عنوان یک صفت ویژه کفار به کار رفته، که منظور از آنها تکبر از قبول حق است.

نوح ۷ : **وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا**

بخواندم همه قوم را سوی تو به آمرزش و رحمت کوی تو

نهادند انگشت در گوش خویش ره کفر و عصیان گرفتند پیش

فکندند جامه به رخسار خود نمودند اصرار در کار خود

برفتند بر راه کبر و غرور به وادی نخوت بگشتند دور

منافقین ۵ : **وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ؛**

چو گویند برآن دورویان کیش که یک لحظه آید این سوی پیش

که پیغمبر حق نماید دعا طلب سازد آمرزش از کبریا

نیابند و پیچند زین گفته سر اگر هم بر ایشان نمائی نظر

ببینی که با نخوت و با غرور بگردند از پیشگاه تو دور

جائیه ۸ : یَسْمَعُ آيَاتِ اللّٰهِ تُتْلٰی عَلَیْهِ ثُمَّ یُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا کَانَ لَمْ یَسْمَعَهَا  
فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ

کسی کاو چو آیات یکتا خدا بخوانند بر وی نیوشد ورا

ولی باز باشد مُصر بر غرور نگردد ز کبر و منیت به دور

تو گوئی که بودست گوشش گران که نشنیده چیزی از آیات آن

خبر ده چنین شخص را بر عذاب که بس دردناکست بر او عقاب

و در حقیقت، بدترین استکبار، همان تکبر از قبول حق است، چرا که تمام راه های هدایت را به روی انسان می بندد، و تمام عمر در بدبختی و گناه و بی ایمانی می ماند.

**روشهای فریبکارانه و مکارانه مستکبران** استکبار همواره مکر می ورزد و چاره جویی و حيله می کند تا بر جهان و جهانیان سیطره و سلطه یابد و همه منابع مادی و انسانی را به خدمت خویش گیرد. خداوند در آیات بسیاری از قرآن به مساله مستکبران پرداخته است؛ چرا که نخستین طاغی در آفرینش، ابلیس مستکبری است که با طغیان خویش کوشید تا مسیر آفرینش را منحرف سازد. انحراف مستکبران از خط اصلی آفرینش، به سبب خودبرتربینی آنان است. آنان نه تنها خود فاسد هستند بلکه بر آن هستند تا فساد را در همه عرصه ها گسترش دهند و با هنجار شکنی

و تغییر ارزش ها بلکه خلقتها به تعبیر قرآن به اهداف پلید خویش دست یابند.

خداوند در آیه ۳۳ سوره سباء از تلاش شبانه روزی مستکبران برای گمراهی مستضعفان و انسانهای بی پناه که قدرت تفکر و تقابل را ندارند، سخن به میان می آورد و توضیح می دهد که چگونه آنان مکر شبانه روزی خویش را به کار گرفته اند تا جهان را مدیریت کنند. وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْدَاداً وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

دگرباره مستضعفان در جواب      نمایند بر ظالمان این خطاب

که از مکر و نیرنگ این روزگار      بگشتیم کافر به پروردگار

بخواندیم بر ایزد خود شریک      بگشتیم مشرک به یزدان نیک

چو روز قیامت به چشمان خویش      عذاب خدا را ببینند پیش

پشیمان بگردند بسیار سخت      چو خود را ببینند بس تیره بخت

چو زنجیرهایشان به گردن نهیم      بر ایشان بدین سان ندا می دهیم

جز اینست آیا که این سرنوشت      شما راست پاداش اعمال زشت

آنان وقتی عذاب دوزخ را می بینند پشیمان می شوند اما پشیمانی خود را پنهان می دارند، و ما در گردن کسانی که کفر ورزیده اند زنجیرها می نهیم. آیا جز به آنچه می کردند سزا داده می شوند؟ این زنجیرها که در عذابشان داشته همان اعمال آنان است. مکر، بر فریب و خدعه استوار است.

بر این اساس، مکار از هیچ چیزی برای رسیدن به هدف خویش فروگذار نمی کند. و حق و باطل را چنان در هم می آمیزد که انسان قدرت تشخیص حق و باطل را نیابد. البته کسانی که اهل ایمان هستند از نور الهی برخوردار بوده و فطرت سالم و عقل سلیم ایشان، آنان را نسبت به فریب و مکر مستکبران، بصیر می سازد؛ اما مستضعفان از این امکان برخوردار نیستند و به سادگی در دام فتنه و مکر آنان می افتند و خود به عنوان مزدوران و سربازان بی جیره و مواجب مستکبران عمل می کنند.

**مهم ترین ابزارهایی که مستکبران در فریفتن مردم از آن بهره می برند،**

۱. **نفاق و ریا** (نساء، ۱۴۲)، **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا**

**دورویان به نیرنگ کوشند نیک ببندد خداشان در حيله لیک**

**هرآنکه که آیند اندر نماز به بی میلی محض آیند باز**

**فقط بهر نیرنگ و روی و ریا بیایند بهر نماز و دعا**

کمی با ریا یاد یزدان کند سپس روح خود را پریشان کند

**۲. تهمت و بهتان و افتراست** (یوسف، ۲۵ و ۲۸) وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ

قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ الْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ  
سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسَجَّنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

دویدند هر دو نفر سوی در یکی به رفتن یکی بهر شر

خود از پشت پیراهنش را درید چو با دست او را به خود می کشید

در آن حال شوهر که بد بی خبر به منزل بیامد به نزدیک در

شتابان سوی شوهرش رفت زن به فریادخواهی به صد مکر و فن

بگفتا که خود چیست پاداش آن که بر همسر تو شود بدگمان

ببایست او را به زندان برند ورا سخت کیفر کنند و گزند

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

چو شوهر به یوسف فکندی نظر بدیدی بود پارگی پشت سر

بگفتا که این مکر، مکر شماست عظیم است مکر زنان آشناست

**۳. زشتی های خویش را تزئین کرده و به حق می آریند و باطل را حق**

**جلوه** می دهند. (رعد ۳۳) أَ فَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ

جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ

مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضِلِّ  
اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

نگهبان هر نفس، تنها خداست      جهان را حفاظت به یزدان سزاست  
چنین ایزدی هست پروردگار      شریک از چه دادند او را قرار؟  
رسان ای پیمبر بر ایشان پیام      خدایان خود را بگویند نام  
چه چیز است اندر زمین و زمان      که آن را نداند خدای جهان  
بخواهید آیا که آگه کنید      خدا را ز چیزی که نبود پدید  
و یا آنگه گویند بس ناروا      سخنهای سطحی بی محتوا  
به چشمان کفار خام و دغل      مزین بگشته است مکر و حیل  
بماندند دور از ره کردگار      نبردند راهی به پروردگار  
کسی را که گمراه سازد خدا      چه کس هست دیگر بر او رهنما؟

۴. **وسوسه و اغوای دیگران** (اعراف ۲۰ تا ۲۲)، فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ  
لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِمِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ  
الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ . وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا  
لَمِنَ النَّاصِحِينَ .

چو بودند در خوردنش ناشکیب      دو تن را همی داد شیطان فریب  
که اندام زشتی که بودی نهان      به ناگه شود فاش و گردد عیان

به آنها بگفتا، خدای بشر      شما را بکردست نهی از شجر

مبادا که همچون ملك در جهان      شود زندگانیتان جاودان

پس آنگاه سوگندها یاد کرد      برانگیخت از جان آن هر دو گرد

شما را کنون سوی خیر و صلاح      هدایت نمایم به سوی فلاح

۵. **تبلیغات فریبنده** (انعام ۱۱۲) **وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ**

**الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ**

**رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتُرُونَ**

خداوند بر هر نبی چند تن      ز شیطان انس و ز شیطان جن

برانگیخت بر ضد آیین او      که با وی بگشتند یکسر عدو

که گویند برخی به برخی دگر      سخنهای آراسته در نظر

بگویند با هم کلامی عجیب      سخنهای بسیار ظاهر فریب

اگر میل می داشت یکتا اله      چنین امر هرگز نشد هیچگاه

تو تسلیم حق باش ای خوش ضمیر      هرآنچه مشیت بود می پذیر

ولی کافران را به خود کن رها      که بینند فرجام این افترا

البتّه اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند. (ولی سنّت الهی بر

آزادی انسانها می باشد،) پس آنان را و آنچه به دروغ می سازند به خود

واگذار



۶. **ترور فیزیکی و شخصیتی** (انفال ۳۰ و آیات دیگر)، **وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**

به یاد آر کان کافران دغل	نمودند صدگونه مکر و حیل
که بازت بدارند از راه دین	بریزند خون تو را بر زمین
برانند بیرون ترا از وطن	تمسخر نمایند در انجمن
گر آنها نمایند مکر و حیل	خدا هم بر آنها کند این عمل
همانا که تدبیر یکتا خدا	بود برتر از هرکسی در قضا

۷. **خیانت های پنهانی و نهانی و ناموسی** (یوسف ۵۰ تا ۵۲) **وَ قَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ اِلَى رَبِّكَ فَسْئَلُهُ مَا بِالْ نَسْوَةِ الَّلَاتِي قَطَعْنَ اَيْدِيَهُنَّ اِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَظِيمٌ**

پس آن شخص با شاه تعبیر خواب	رسانید و بشنید این سان جواب
که او را بیارید نزدیک من	که ما راست با یوسف اکنون سخن
چو پیک ملک عزم یوسف بکرد	به او گفت یوسف کنون بازگرد
برو چونکه گشتی ورا روبرو	خود از جانب من به سلطان بگو
زنان را چه پیش آمد آیا که دست	بریدند و دلهایشان جمله خست

به مگری که کردند زنها روا همانا که آگاه باشد خدا

۸. اظهارات خیرخواهانه و نصیحت خواهی ظاهری (یوسف ۱۱ و ۱۲)،

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ

گرفتند تصمیم خود را دگر برفتند با هم به نزد پدر

بگفتند جانا ترا چیست بیم که ترسی به یوسف زبانی زنیم

بر اوئیم ما جملگی خیرخواه بگیریم او را همه در پناه

أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

تو او را به همراه ما در پگاه به صحرا فرست ای پدر صبحگاه

بچرخیم اندر مراتع و دشت بگردیم مشغول بازی و گشت

خود البته او را ز پیش و ز پس حفاظت نماییم همچون عسس

۹. صلح خواهی (انفال ۶۱ و ۶۲) وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ

عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .

اگر میل بر صلح دارد عدو تو هم راه صلح و صفا را بپو

توکل همی کن به پروردگار سمیع و علیم است آن کردگار

وَ إِن يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ

بِالْمُؤْمِنِينَ

چو خواهند آنان دهندت فریب      خدایت بود بس که، باشد قریب  
 خداوند با یاری خویشان      همین سان دگر مؤمنان وطن  
 ترا کرد پیروز اندر بلاد      بسی باب نصرت به رویت گشاد

۱۰. **دروغگویی و قسم دروغ** (نحل ۹۴)، وَ لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ  
 فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ  
 عَذَابٌ عَظِيمٌ

مبادا که بهر فریب و عناد      نمایید در عهد، سوگند یاد  
 که آن را که بودست ثابت قدم      فریید با این قرار و قسم  
 اگر خود ببندید راه خدا      به سختی بخواهید شد مبتلا  
 بیفتید اندر عذابی عظیم      که بسیار سخت است و باشد الیم

۱۱. **ادعای همدلی و همسویی** (توبه ۵۶) وَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَ مَا  
 هُمْ مِنْكُمْ وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ

دمادم به یزدان قسمها خورند      چه سوگندها بر زبان آورند  
 بگویند ما نیز هم مؤمنیم      در دوستی با شما می زنیم  
 عقیده ندارند در دل برآن      و لیکن بترسند آن کافران

منافقان به خدا قسم می خورند که همانا آنان از شمایند، در حالی که  
 (دروغ می گویند و) از شما نیستند، بلکه آنان گروهی هستند که (از شما)

می‌ترسند (یا میان دل و زبان و عملشان جدایی استاز مهمترین روش‌هایی است که مستکبران در مکرجویی از آن بهره می‌برند. مستکبران به سبب بیماردلی، حسادت و رفاه‌طلبی بسیار خود در مسیر شیطان و اهداف شیطانی قرار می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند تا مسیر واقعی و درست از سوی انسانها و جوامع بشری پیموده شود.

با نگاهی به رسانه‌های جهانی به خوبی می‌توان دریافت که چرا مستکبران از همه ابزارهای تبلیغاتی و شعارهای به ظاهر خیرخواهانه و بشردوستانه مانند مردم‌سالاری و صلح‌طلبی حقوق بشر بهره می‌گیرند و دریک فرآیندی زنان را به عنوان مهم‌ترین ابزار تاثیرگذار برای هنجارشکنی مورد استفاده قرار می‌دهند.

بسیاری از ادعاهای حقوق بشری و تساوی حقوق زن و مرد، تنها برای مکرری است که در آستین خویش چون ماری پرورانده اند تا جوامع بشری را از فطرت سالم دور سازند و زنان را به بهره‌کشی جنسی سوق دهند تا از طریق این عمل، اصالت خانه و خانواده از میان برود و بتوانند به اهداف هنجارشکنانه و استکباری خود دست یابند.

**اشراف، طبقه مخرب و مکار:** اشراف بعنوان طبقه‌ای مستکبر همواره در خدمت اهداف شیطانی بوده‌اند و در طول تاریخ علیه خط درست آفرینش که از سوی پیامبران مدیریت و هدایت می‌شد، قرار گرفته‌اند.

(انعام ۱۲۳ و ۱۲۴) وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا  
وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ

نهادیم در هر مکان و دیار      رئیسان بدخوی و ناراست کار

که با خلق خود مکر ورزند و رنگ      نمایند عرصه بر آن قوم تنگ

ولی در حقیقت به حق سخن      فقط مکر ورزند با خویشان

وزین نکته آگاه هم نیستند      که يك عمر در جهل خود زیستند

وَ إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ  
أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ  
عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ

بر آنها چو نازل بشد آیه ای      که بهر هدایت بود پایه ای

بگفتند ایمان نیاریم ما      نگردیم مؤمن به یکتا خدا

مگر آنکه همچون رسولان رب      به ما نیز وحی شود زین سبب

خدا نيك داند که اندر کجا      رسالت نماید به شخصی عطا

همه مجرمان را بزودی زود      خداوند تعذیب خواهد نمود

عذابی بر آنها فرستد شدید      سزاوار آن مکرهای پلید

آنان به عنوان بزرگ ترین مجرمان در هر جامعه ای چنان به فساد و افساد دامن می زنند که گروهی همانند ایشان را نمی توان در جوامع بشری به عنوان طبقات مخرب و مکار شناسایی و معرفی کرد.

در جامعه جهانی امروز به سادگی می توان مکر مستکبران را در همه عرصه های زندگی شناسایی کرد. با نگاهی گذرا به مجموعه تحرکات جهانی مستکبران از صلح دوستی و مردم خواهی و حمایت از حقوق زنان و استفاده ابزاری از این امور برای رسیدن به اهداف پلید می توان دریافت که چگونه مستضعفان در دام فریب این مکاران قرار می گیرند و خود بسان بردگان بی مزد و مواجب مستکبران عمل می کنند و اهداف آنان را در زمین جامه عمل می پوشانند.

تبلیغات شیطانی و رسانه های استکباری از اسلام و ولایت محوری، چیز دیگری را رقم میزنند. بعضی محققین تمام تیترهای روزنامه نیویورک تامیز از سال ۱۹۹۰ تا کنون را آنالیز کرده اند و به نتیجه عجیبی رسیده اند.

تیترهای این روزنامه در ۲۴ سال گذشته به گونه ای نوشته شده است که اسلام منفی تر از "کوکائین" یا "سرطان" جلوه داده شود!!! یعنی پس از آنالیز ۲۰۶ میلیون تیر در روزنامه، این تحقیق به این نتیجه رسیده است که انتخاب کلمات و نحوه نگارش اخبار به گونه ای انجام شده

است که منفی ترین حس نسبت به اسلام به خواننده القا شود حتی منفی تر از مواد مخدر.

همواره خشونت‌های مذهبی از حضور استکبار در مناطقی که تنوع مذاهب و نفوذ استعمار بیشتر است! رخ می دهد، تنها در سال ۲۰۱۴ بیش از ۸۰۰ مورد خشونت مذهبی در هند رخ داده است! اصول ادیان الهی یکی است و تفاوت در جزئیات می باشد، تضاد های امروزی بین ادیان ناشی از تحریف آنهاست.



## رهایی از مکر و نیرنگ مستکبران

۱. برای رهایی از مکر مستکبران تنها می بایست **به خداوند پناه برد**  
 (یوسف ۲۳) وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتْ الِأَبْوَابَ وَ  
 قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ  
 الظَّالِمُونَ

چو بانوی خانه به میلی که داشت      بنای هوس با مه نو گذاشت

همه دربها را ببست و سپس      به یوسف بگفتا مراد از هوس

بگفتا که بازآ، نشین در برم      که از بهرت آماده و مضطرم

بفرمود یوسف که از این گناه      به سوی خداوند آرم پناه

عزیزم مقامی نکو داده است      درِ نعمت خویش بگشاده است

ستم پیشگان را یکی کردگار      نخواهد کند مفلح و رستگار

۲. **و با تقوای الهی** (ال عمران، ۲۰) فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّٰهِ  
 وَ مَنْ اتَّبَعَنِ وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا  
 فَقَدْ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ اللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

اگر احتجاجت کند ای رسول      که آیین آنها نمایی قبول

تو می گو من و پیروانم تمام      بگشتیم مؤمن به رب کرام



به اهل کتاب و برآن اُمیان  
 پس آیا بیارید ایمان به دین  
 بگو گر که حق گشت اکنون عیان  
 بیایید در زمره مؤمنین ؟

اگر مؤمن آیند بر میل و خواست  
 هدایت بگردند بر راه راست  
 اگر هم که خود روی برتافتند  
 به عصیان و بر کفر بشتافتند  
 مبادا خوری غم به کاری چنین  
 که کار تو تنهاست تبلیغ دین  
 خدا هست آگه به حال عباد  
 به اندیشه و فکر و رای و نهاد

**۳. و دعا** (یوسف، ۳۳ و ۳۴) قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ  
 وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

چنین گفت یوسف به پروردگار  
 از این زشتکاری که زنه‌های خام  
 که زندان مرا، به ، از این گونه کار  
 تقاضا نمایند از من مدام  
 به لطف اگر ای خدای غفور  
 نسازی ز من مکر زنها تو دور  
 بر ایشان کنم میل و ورزم گناه  
 چو اهل شقاوت بگردم تباه

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

چو یزدان نیوشید از وی خطاب  
 دعای ورا کرد پس مستجاب  
 از او دور کرد آن دسائس تمام  
 که او را بخواندند بر خود مدام  
 همانا سمیع است پروردگار  
 علیم است بر بندگان کردگار

۴. و صبر پیشگی (آل عمران، ۱۲۰) إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

یهودان بگردند غمگین زیاد	الا مُسْلِمَانِ گر بگردید شاد
بگردند بسیار شاد و رضا	ولی گر زبانی رسد یا بلا
بمانید همواره پرهیزکار	اگر صبر سازید در روزگار
نبینید از شرّ ایشان ضرر	نشاید کند مکر آنها اثر
محیط است پروردگار وجود	که بر آنچه سازند قوم یهود

۵. و هوشیاری (اعراف ۲۷ نور ۱۱ تا ۱۶) يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

مبادا که مفتون شیطان شوید	الا ای بنی آدم این بشنوید
همان سان که شیطان به روزنخست	به نیرنگ خام و به تدبیر سست
ز فردوس یزدان براندی بدر	فریباند هم مادر و هم پدر
برون راند از باغ سبز خدا	به اغوا پدر مادر خلق را
نمودند عصیان به پروردگار	شد آنگاه عوراتشان آشکار

شما گرچه او را به چشمان خویش نبینید هرگز فراروی پیش

ولی اهرمن نیز یاران او شما را ببینند بی جستجو

هرآن کس که ایمان نیاورده است شیاطین بخواهند با او نشست

۶. و امدادخواهی از خداوند (انفال ۶۲) وَ إِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ

حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ

چو خواهند آنان دهندت فریب خدایت بود بس که، باشد قریب

خداوند با یاری خویشتن همین سان دگر مؤمنان وطن

ترا کرد پیروز اندر بلاد بسی باب نصرت به رویت گشاد

۷. و احسان (نحل ۱۲۷ و ۱۲۸) وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ

عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

کنون صبر می ساز ای مصطفی (ص) که در صبر باشد رضای خدا

تو غمگین نباشی، چو روی عناد نیارند ایمان به رب و معاد

که از مکر آن کافران عنود نگه داردت کردگار ودود

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

همانا که یاری دهد کردگار به پرهیزکاران نیکوی کار

از شر مکر دایم مستکبران در امان ماند.

## آثار و پیامدهای استکبار ورزی

خوی استکبار ورزی، در انسان و جامعه آثار و پیامدهای مخرب و زیانباری را در دو سطح فردی و جمعی به جا می‌گذارد. شناخت آثار و نشانه‌ها می‌تواند ما را به شناخت اشخاص و افرادی که از این بیماری فردی و یا اجتماعی رنج می‌برند کمک و یاری رساند. در حقیقت شناخت این آثار، شناخت مستکبر و یا جامعه استکباری است. قرآن نشانه‌ها و آثار آن را چنین گزارش می‌کند:

**۱- پیمان شکنی:** انسان‌ها و جوامع استکباری به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند و به جهت خود برتر بینی حاضر نمی‌شوند که با دیگران برخورد مشابه داشته باشند. در آیاتی از قرآن، به خوی و خصلت یهودیان اشاره می‌شود. گفته شده است که یکی از عوامل پیدایش استکبار، خود برتر بینی است

یهودیان از آنجایی که به گزارش قرآن خود را ابناء الله (فرزندان خدا) می‌شمارند بر این باورند که از دیگر نژادها و اقوام بشری، برتری دارند. در برخی از گزارش‌های توراتی آمده است که آنان از فرزندان آدم و حوا و فرشتگانی هستند که به عقد زناشویی فرزندان آدم درآمده‌اند و دیگر انسان‌ها از فرزندان افراد پستی بودند که فرزندان آدم با آنان زناشویی کرده و نسل را افزایش داده‌اند.

این نوع نگرش در آفرینش خود، چنانکه ابلیس دچار شد و خود را برتر از آدم دانست و گفت که من از او برترم چون از آتش پدیدار شده‌ام عاملی است که دیگران را از آدمی دور می‌سازد و با هم‌گرایی و جامعه‌پذیری در تضاد می‌باشد.

برآیند این تفکر و بینش و گرایش و حتی منش، آن است که نسبت به پیمان‌هایی که با (دیگران) می‌بندند وفادار نباشند. در قرآن گزارش می‌شود که یهود به جهت خوی استکباری خود برترینی اگر دیناری را به وام و امانت از (دیگری) به دست داشته باشند آن را پس نمی‌دهند. **وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ** (آل عمران/۷۵)

گروهی شناسیم ز اهل کتاب	که هرگز نیچند روی از صواب
چو مالی سپاری، دهندت درست	گروهی دگر آن چنان نادرست
که دیناری ار خود گذاری گرو	دگر پس نیارند آن را به تو
مگر آنکه باشی تو بس سختگیر	که آن مال گردد ترا دستگیر
از این رو که گویند قوم یهود	کسی کوز تورات پیرو نبود
اگر مال او را خوری عیب نیست	که نادان خبردار از غیب نیست

## بدانند، لیکن به یکتا خدا      بدین حرفها می زند افترا

این عدم وفا به قوانین و اصول ابتدایی و پیمان شکنی از آن روست که خوی و منش استکباری دارند. بنابراین یکی از نشانه‌ها و نیز آثار استکبارورزی، عدم وفا به پیمان‌ها و عهد و قانون است

چنانکه قرآن به پیامبران نسبت به مستکبران هشدار می‌دهد که: به خدا سوگندهای سخت خوردند که اگر بیم دهنده‌ای بیاید بهتر از هر امتی هدایت یابند، ولی چون بیم‌دهنده‌ای آمد جز نفرت و بیزاریشان نیفزود؛ زیرا آنان قصد و نیت سرکشی و استکبارورزی در زمین و نیرنگ‌های بد و زشت را دارند، هر چند که این نیرنگشان جز نیرنگبازان و اهل آن را در بر نمی‌گیرد و أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا \* اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر ۴۲ و ۴۳)

عربهای مشرک به یزدان راد	بکردند بسیار سوگند یاد
رسولی گر آید ز یکتا خدا	بر آنها شود هر نفس رهنما
نکوتر ز ترسا و قوم یهود	نمایند بر درگه حق سجود

ولی چونکه آمد بر آنها رسول  
 نکردند هرگز پیامش قبول  
 فزودند تنها به عصیان خویش  
 ره ذل و خواری گرفتند پیش  
 نمودند روی زمین سرکشی  
 تکبر فزودند و گردنکشی  
 بکردند تدبیرها و حیل کند  
 صاحبش را هلاک این عمل  
 توقع چه دارند الا که هم  
 بمیرند مانند دیگر اُمم  
 چنین است سنت ز یزدان جود  
 که تغییر هرگز نخواهد نمود

به صراحت بیان شده است که علت پیمان شکنی با آن همه سوگند، جز  
 خوی و خصلت استکباری و نیرنگ ورزی آنان نبوده.

**۲. اتهام دروغ به دیگران بستن:** از دیگر نشانه‌های خصلت  
 استکبارورزی آن است که خود را تنها راستگویان و درستکاران می‌دانند و  
 دیگران را دروغگو قلمداد می‌کنند. از این رو اگر از زبان دیگری مطالب  
 حق و درستی را بشنوند و با آنکه آن را حق و درست و راست می‌یابند ولی  
 چون جز به خود باور نداشته و دیگران را کس نمی‌شمارند آنان را متهم  
 به دروغگویی می‌کنند و به تکذیب ایشان می‌پردازند

قرآن گزارش می‌کند که این خصلت مستکبران موجب شد که نه تنها  
 زمینه برای پذیرش حق در آنها فراهم نشود بلکه به دروغگویی اهل حق  
 اقدام کنند و آنان را به عنوان دروغگویان از خود برانند. قرآن می‌فرماید:

هنگامی که آیات ما بر ایشان خوانده شود، با خود برترینی و خودپسندی روی برمی گردانند. وَإِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلِي مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (لقمان ۷)

چو خوانده شود بر وی آیات ما چنان با تکبر نماید ابا

تو گوئی که نشنیده آن را بگوش و یا اینکه گوئی کرسست از دو گوش

خبرها ده او را به قعر جحیم که آنجا ببیند عذابی الیم

**۳. کشتن مخالفان و دعوت گران به حق** قرآن این روش آنان را به خاطر

پیروی از هوا و هوس دانسته می فرماید: أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى

أَنْفُسِكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (بقره ۸۷)

همانا که تورات گشته عطا به موسی بن عمران، زیکتا خدا

رسولان دیگر زرب نکو فرستاده گشتند از بعد او

به عیسی ابن مریم بسی بینات پیامد ز یزدان این کائنات

به روح القدس یافت زو اقتدار توانا بگردید در روزگار

چرا هر رسولی که خلف شما بیاورد وحیی زیکتا خدا

نمودید سرپیچی از امر وی ره کفر و تکذیب کردید طی

گروهی از آن رهبران را کلام دروغین بخواندید اندر مرام

گروهی دگر را بکشتید نیز بکردید با راه برحق ستیز



خوی استکباری انسان موجب می‌شود تا اهل حق و دعوت‌کنندگان آن را تنها به جهت آنکه برخلاف هوا و هوس آنها عمل می‌کنند، می‌کشند. این خصلتی است که در جهان امروز، مستکبران در پیش گرفته‌اند و هر آن کس که مخالف هوا و هوس و خواسته‌های آنان رفتار نمایند به اشکال مختلف از صحنه اجتماع خارج می‌کنند.

تخریب شخصیت یا ترور فیزیکی شخص یا ترور شخصیت او از روش‌هایی است که مستکبران بدان تمسک می‌جویند تکذیب و اتهام دروغ‌گویی و خلاف‌گویی، روشی است که در راستای کنار نهادن اجتماعی و از میان بردن وجه اجتماعی دعوت‌گران حق و حقیقت انجام می‌شود. اگر این روش، ناکارآمد بود و نتیجه مطلوب نداشت اقدام به ترور شخص و از میان بردن فیزیکی او می‌کنند.

**۴- مخالفت با حق :** از دیگر آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی خصلت استکباری آن است که با حق و حقیقت به مخالفت می‌پردازند. هر چیزی که برخاسته و یا نمادی از حق باشد، در نظر ایشان امری باطل است که باید به شدت با آن مبارزه کرد و اجازه فعالیت و رشد و بالندگی به آن نداد. اگر با توحید به عنوان یک امر معقول و حق ثابت عقلانی مبارزه می‌کنند و یا با نمادهای عبادتی و مناسک مرتبط به آن به مخالفت می‌پردازند در این راستاست. قرآن تاکید می‌کند که مستکبران به جهت

همین خصلت استکباری از توحید و عبادت خدای یگانه سرباز می‌زنند؛ زیرا آن را مخالف هوا و هوس خود می‌بینند. وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر ۶۰) و (صافات ۳۵ و ۳۶ نساء ۱۷۲)

خدای شما گفت وقت دعا به اخلاص خوانید حقا مرا

که تا آن دعا را کنم مستجاب نیاز شما را بگویم جواب

هرآن کس کند سرکشی از دعا عبادت نورزد به یکتا خدا

به خواری و ذلت به دوزخ شود به خفت به قعر سقر می رود

**۵- درخواست‌های نامعقول:** از دیگر پیامدهای روحیه استکبارورزی، درخواست‌های نامعقول از دیگران است. نگرش جامعه غربی در مسئله افکار و اندیشه‌ها در جامعه معاصر بیانگر این خصلت استکباری آنان است. آنها بر این باورند که اندیشه و عقل غربی کامل‌ترین اندیشه و تمدن و عقلی است که انسان به آن رسیده است.

**نظریه پایان تاریخ فوکویاما:** اندیشه لیبرال دموکراسی غربی بهترین و برترین اندیشه‌ای است که انسان بدان رسیده و می‌بایست با این اندیشه پایان تاریخ اندیشه‌ای انسان را در این زمینه اعلام کرد، برآیندی از همین تفکر و خصلت استکباری انسان و جامعه غربی است. قرآن در این باره با اشاره به مثالی می‌فرماید: آنان که امیدی به دیدار ما ندارند می‌گویند که

چرا بر ما فرشتگان نازل نمی‌شوند و یا چرا ما خدایی را که پروردگار ماست نمی‌بینیم؛ این درخواست از آن روست که آنان خودشان را بزرگ و برتر می‌بینند و تکبر می‌ورزند و برتری شگفتی در خود می‌جویند وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (فرقان ۲۱)

**بگویند آن منکران لقاء به ما يك فرشته نیاید، چرا؟**

**چرا ما خدا را به چشمان خویش نبینیم هرگز فراروی پیش**

**تکبر نمودند و گردنکشی فزون تر نمودند آن سرکشی**

**۶. لجاجت و حق‌ناپذیری** نتیجه طبیعی خودبرتر بینی این است که

انسان از جاده حق و حقیقت دور شود و در برابر حق به لجاجت پردازد. کسی که برای دیگری ارزش انسانی و یا اجتماعی قائل نیست و

دیگری را در حد و اندازه‌های خود نمی‌داند، هرگز سخن دیگری را نمی‌پذیرد و با او از سر گفتگو وارد نمی‌شود. اصل لجاجت و یکدندگی

امری طبیعی برای مستکبران است

مستکبر چه شخص و چه جامعه وقتی خود را قوی‌تر و برتر و داناتر و تواناتر از دیگری دانست و یا بر این باور بود نمی‌تواند از دیگری چیزی به نام حق را بپذیرد؛ باور ندارد که دیگری بر عقل و روش معقولی باشد و یا بهتر از او بفهمد و درک کند. بنابراین یافته‌های دیگری هر چه باشد

امری غیرمعقول و نادرست و باطل است و می‌بایست با آن مبارزه و مخالفت ورزید.

همین روحیه مستکبری و زمینه‌های آن موجب می‌شود تا با حقی که در نزد دیگری است به لجاجت پردازد و آن را نپذیرد تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ وَيَلُّ لَكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (جائیه ۶ تا ۸) و ....

چنین است آیات یکتا خدا      که بر تو بخوانیم ای مصطفی  
 اگر بعد از این گفته‌های خدا      چنین روشن آیات آن کبریا  
 نیارند ایمان، دگر با چه رای      توان کردشان معتقد بر خدای ؟  
 بسی وای برآنکه ناراست گوشت      برآنکس که بدباطن و زشت خوست  
 کسی کاو چو آیات یکتا خدا      بخوانند بر وی نیوشد ورا  
 ولی باز باشد مُصر بر غرور      نگردد ز کبر و منیت به دور  
 تو گوئی که بودست گوشش گران      که نشنیده چیزی از آیات آن  
 خبر ده چنین شخص را بر عذاب      که بس دردناکست بر او عقاب

**۷- احساس غرور و قدرت:** چنین شخصی یا چنین کشوری در خود احساس غرور و قدرت می‌کند و کسی را در جهان بنده نیست. روحیه

خود برتر بینی در آفرینش و عقل و هوش و خرد موجب می‌شود که خود را چنان پندارد که بر همه موجودات و یا هموعان سرآمد است و دیگران به جهت فقدان عقل و خرد و کاهش آن، باید سر به آستان او بمانند. این احساس غرور و قدرت، وی را از پذیرش دیگری و هم‌ردیف بودن باز می‌دارد و جامعه‌پذیری و هم‌گرایی را با بحران مواجه می‌سازد

کسی که از چنین روحیه و خویی برخوردار است هرگز با دیگری خود را در یک سطح نمی‌بیند و خواهان اطاعت دیگری از خود است **فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ** (فصلت ۱۵)

بگفتند با سرکشی قوم عاد      که برتر ز ما کس ندارد به یاد

ندانند آیا خداوند جود      که داده بر آنها حیات و وجود

تواناترستی از آنان بسی      که بر قدرت رب نبوده کسی

علی رغم آیات بس آشکار      بکردند انکار پروردگار

**۸- استبداد و خودکامگی:** برآیند طبیعی چنین بینش (جهان‌بینی) و نگرش (نظریه عملی) و گرایش (رویکرد عملی) رفتاری استکباری در جامعه است. افراد و یا جوامع استکباری که به چنین نگرش و رویکردی رسیده‌اند در نهایت آن را به شکل استبداد و خودکامگی نشان می‌دهند. اجبار دیگران به پذیرش دیدگاه‌ها و رفتار از نتایج طبیعی چنین تفکر و

رویگردی است. مستکبر در این هنگام دیگری را نمی‌پذیرد و می‌کوشد تا دیگری را به هر شکلی تحت سلطه خود درآورد. این خوی اختصاص به حوزه عمل نداشته و حتی دیگر حوزه‌های انسانی را درمی‌گیرد مستکبران و یا جوامع استکباری خواهان تسلط بر افکار و اندیشه و عقاید دیگران هستند.

با هر فکر و عقیده مخالف، به شدت مبارزه می‌کنند و می‌کوشند تا دیگران در حوزه افکار و اندیشه نیز تحت سلطه و سیادت آنان قرار گیرند. قرآن از این خوی استکباری در اعراف آیه ۸۸: رؤسا و گردنکشان قوم او گفتند: ای شعیب ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می‌کنیم مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت: اگر چه با این نفرت که ما از آیین شما داریم (باز هم به آن بازگردیم). قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ .

ز قوم شعیب عده ای نابکار	نبردند فرمان ز پروردگار
بگفتند سازیم حقا برون	تو و هرکه یار تو باشد کنون
مگر آنکه جوئید آیین ما	همی بازگردید بر دین ما
پس آنکه شعیب نبی در جواب	چنین راند بر قوم کافر خطاب
محالست از ما که دین خدا	به هرزه نماییم آسان رها

## استکبار و نشانه‌های مستکبران

خوی و منش استکباری، یکی از زشت‌ترین خصلت‌هایی است که آدمی را از هم‌گرایی و جامعه‌پذیری باز می‌دارد. به این معنا که این منش به عنوان عامل بازدارنده‌ای عمل می‌کند که بحران جامعه‌پذیری را پدید می‌آورد و نمی‌گذارد تا زمینه‌های هم‌گرایی در انسان تقویت شود و رشد کند. جامعه‌پذیری، مسئله و نیاز دولت‌ها و جوامع بشری است. اگر در فرآیند جامعه‌پذیری افراد، اختلال پدید آید، واگرایی، تضادها، درگیری‌ها و جنگ‌های فردی و اجتماعی، جامعه انسانی را از هم می‌پاشاند و دچار اختلال و بحران‌های نابودساز می‌سازد. از این‌رو شناخت نشانه‌های مستکبران و آثار و پیامدهای آن برای مقابله و مبارزه با این خوی و خصلت نابودگر از منابع معرفتی مفید و سازنده است

## عوامل ایجادی منش و پدیده استکباری

۱. **مال و ثروت :** (یونس ۸۸) وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

چنین گفت موسی به یکتا خدا      بگفتا و بگشود دست دعا  
به فرعون و فرعونیان در بلاد      بدادی زر و مال و ملک زیاد

که گمراه سازند از راست راه همه بندگان تو را ای اله  
 خدایا تو نابود کن تاج و تخت از ایشان ستان جان و اموال، سخت  
 تو تا وقت مرگ و زمان هلاک که تعذیب گردند بس دردناک  
 به دلهایشان مهر می زن تمام که مؤمن نگشتند این قوم خام

**۲. قدرت نظامی و موقعیت سیاسی** (زخرف ۵۱) وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ  
 قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَآ  
 تُبْصِرُونَ

چو فرعون در بین قومش ندا برآورد و بر مردمان زد صدا  
 چنین گفت بر ضد موسی سخن که این مصر آیا نباشد ز من  
 مگر زیر قصری که هستم در آن کنون نیست جوئی ز آب روان ؟  
 نبینید آیا شکوه و جلال که دارم من اکنون بدین وصف و حال

**۳. فقر فرهنگی و عدم استقلال فکری** (زخرف ۵۴، غافر ۴۷) فَاسْتَخَفَّ  
 قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

بدین گونه گفتار بس بی دلیل همی داشت قومش زبون و ذلیل  
 مطیعش بگشتند آن قوم خوار که بودند بس فاسق و نابکار

**۴. توهم برتری در آفرینش** (ص ۷۵ اعراف ۷) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ  
 تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ



پس آنگاه یزدان به شیطان بگفت چه نیکو نگر دُرّ گفتار سفت  
 چه چیزی تو را مانع کار بود که هرگز نکردی بر انسان سجود  
 به دست توانای خود جان و جسم بدادم بشر را به نیکوی قسم  
 تکبر نمودی تو ای خودپسند مگر رتبه ات بود چندان بلند  
**۵. کفر** (بقره ۳۴) **وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى  
 وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ**

پس آنگاه خداوند دستور داد به جمع ملائک چنین حکم راند  
 همه سجده سازید بر آدمی تا مل نورزید حتی دمی  
 ملائک نهادند سر بر سجود جز ابلیس آن خیره چشم عنود  
 تکبر بورزید شیطان پست بگردید با کافران هم نشست  
**۶. هوای نفس و خودپرستی** (بقره ۸۷) **وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَّيْنَا  
 مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ  
 أَ فَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ  
 فَرِيقًا تَقْتُلُونَ**

همانا که تورات گشته عطا به موسی بن عمران، زیکتا خدا  
 رسولان دیگر زرب نکو فرستاده گشتند از بعد او  
 به عیسی ابن مریم بسی بینات بیامد ز یزدان این کائنات

به روح القدس یافت زو اقتدار  
توانا بگردید در روزگار  
چرا هر رسولی که خلف شما  
بیاورد وحیی ز یکتا خدا  
نمودید سرپیچی از امر وی  
ره کفر و تکذیب کردید طی  
گروهی از آن رهبران را کلام  
دروغین بخواندید اندر مرام  
گروهی دگر را بکشتید نیز  
بکردید با راه برحق ستیز

**۷. گناه و جرم پیشگی** (جائیه ۳۱ و یونس ۷۵) **وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَ فَلَمْ تَكُنْ**  
**آیاتی تَتْلَىٰ عَلَيْنَا فَاستَكْبَرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ**

ولی آن کسانی که کافر شدند  
که بر دین الله کافر بُدند  
چو نالند از شدت آن عذاب  
خروشدند از ازدیاد عقاب  
بگوئیم آیا مگر بر شما  
تلاوت نکردند آیات ما  
ولی راه نخوت گرفتید پیش  
که بدکار بودید و ظالم به خویش

**۸. غفلت از قدرت خداوند** (قصص ۷۸, فصلت ۱۵) **قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ**  
**عِلْمٍ عِنْدِي أ وَ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ**  
**أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ**

بگفتا که این مال و ثروت که هست  
به تدبیر خود دارم اکنون به دست  
ندانست آیا کز او پیشتر  
قبائل بُدندی به فر بیشتر  
به جمعیت و قدر از او فزون  
بمردند و خاکند یکسر کنون

## سؤالی نپرسند ز آنها دگر که یکسر بیفتند اندر سقر

در برخی از نوشته‌ها و فیلم‌های مستند و حتی تخیلی که در برخی از جوامع استکباری پدید می‌آید می‌توان عاملی چون قدرت نظامی، برتری در آفرینش مانند رنگ پوست و حجم جمجمه و یا کفر و گناه را ردگیری کرد

## راهکارهای مبارزه با نظام سلطه استکباری

در آیات قرآنی یکی از برنامه‌های مهم مؤمنان، مبارزه با نظام سلطه استکباری است و خداوند وعده داده است که در نهایت این نظام ضد سلطه و عدالت محور است که بر جهان حاکمیت می‌یابد و جامعه جهانی را مدیریت می‌کند و به عنوان وارثان صالح زمین حکومت جهانی را ایجاد می‌کند وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص ۵)

اراده نمودیم، منت نهیم به مستضعفین پیشوایی دهیم

بگردند روی زمین جانشین بگردند خود وارث آن زمین

و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم.

ولی دستیابی به این مهم زمانی شدنی است که بندگانی مؤمن که جز

خداوند برای هیچ کس و هیچ چیزی بنده نیستند، به میان آیند. اینان به سبب خودسازی به مقام بندگی الهی رسیده‌اند و متصف به عبادنا شده‌اند. در مقام عمل چنان به هدف خویش باور دارند که از هیچ سختی و تلاشی کوتاه نمی‌آیند و بسیار استوار و ثابت قدم در حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی و نظامی گام برمی‌دارند و برای دستیابی به هدف خویش به یکایک خانه‌ها و آبادی‌ها وارد می‌شوند و کار فرهنگی و نظامی می‌کنند و نیروهای نظام سلطه را کنار می‌زنند و از آنجا بیرون می‌رانند. **فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (اسراء ۵)**

شود وقت خونخواهی و انتقام

چو آن قتل اول بگردد تمام

علیه شما برکند کردگار

یکی بنده جنگجو و استوار

بیابند در بیت و کاشانه‌ها

شما را بجویند در خانه‌ها

که این وعده حتمی است از کردگار      ببینند آن را سرانجام کار

البته از آنجایی که نظام سلطه همواره در قالب دین توراتی و در شکل یهودی خود را نشان می‌دهد مؤمنان باید به این مهم توجه یابند و در هر اجتماع عبادی به آنان یادآور شوند که یهودی‌نمایی و یهودی‌سازی جهان در برنامه نظام سلطه است تا این‌گونه به نام یهودیت بر جهان سلطه یابند و از نام دین باطل خویش سود برند.

گروه دومی که نظام سلطه در میان مؤمنان می‌فرستد و آنان را به کار می‌گیرد منافقین هستند. از این رو در نماز جمعه که همایش هفتگی عبادی سیاسی است مستحب موکد است تا سوره‌های جمعه و منافقون خوانده شود تا مؤمنان با دو دشمن اصلی خود یعنی یهودنمایان و منافقان آشنا شوند. نظام ضدسلطه استکباری برای مبارزه با نظام سلطه استکباری افزون بر مبارزه فرهنگی، باید مبارزه نظامی را در دستور کار خویش قرار دهد؛ زیرا نظام سلطه اجازه نمی‌دهد تا نظام فرهنگی عدالت محور بر جامعه مسلط شود و به عنوان گفتمان غالب و چیره رفتار هنجاری مردم را تبیین نماید.

از این رو خداوند در آیه ۷۵ نساء از مؤمنان خواسته است تا شهادت‌طلبی را به عنوان یک راهکار مبارزه مورد توجه قرار دهند و مقاتله و کشتن و کشته شدن را در این راه بپذیرند تا این‌گونه مستضعفان از زیر سلطه نظام استکباری بیرون آیند وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند).

نسازید هرگز جهاد و قتال

کنون پس چرا در ره ذوالجلال

ز مرد و زن و کودکان صغیر

اگرچه که هستند جمعی اسیر

## بخش سوم      هویت و ملیت اسلامی

جامعه اسلامی باید دارای یک هویت خاص برای خود باشد. این هویت خاص را مجموعه ای از آیات و احادیث و نمادها و آداب و سنت های آیینی شکل می دهد. بخشی از تلاش های اسلامی در راستای هویت بخشی به جامعه اسلامی انجام گرفته است. مسجدسازی و انتخاب کعبه به عنوان قبله از نمونه های برجسته این هویت بخشی است. که در راستای ملت سازی انجام گرفته تا ملت اسلام از ملت مسیحی و یهودی بازشناخته شود **مَلَّةٌ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا (حج ۷۸)**

همانند آیین و دین خلیل      که جد شما بود مرد جلیل

از این پیشترها، یگانه خدا      مسلمان بخواندست نام شما

زیرا هیچ دین و آیینی بهتر و شایسته پیروی همچون ملت ابراهیم نیست که آیین حنیف است **وَ مَنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا وَ اتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا (نساء ۱۲۵)**

چه دینی است بهتر از اینکه شما      بگردید تسلیم یکتا خدا

نکوکار باشند خلق و عقیف      درآیند مردم به دین حنیف

به دین خلیلی که پروردگار      بخواندست او را وفادار یار

و پیروی از آن واجب شده ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا  
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل ۱۲۳)

تو را وحی کردیم آنکه چنین که آیین او را بجویی به دین

چرا که نمی خواند آن مرد نیک برای یگانه خدایش شریک

و بیزاری و عدم رغبت در این ملت و آیین ابراهیمی به معنای سفاهت و نادانی حقیقی دانسته شده وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (بقره ۱۳۰)

بلی دین پاک خلیل رسول فقط بر سفیهان نیامد قبول

گزیدیم او را به دار الفنا بکردیم بر او رسالت عطا

خود از صالحان است در رستخیز به درگاه یزدان بود بس عزیز

چرا که ملت ابراهیمی همان دین قیم و ارزشی است که می بایست پیروی شود قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا  
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (انعام ۱۶۱)

بگو آن خدائی که کان سخاست شده رهنمایم بر آیین راست

به دینی که باشد بسی استوار برآن پاک آیین حق آشکار

به دین خلیل آن رسول حنیف که از شرك پاکیزه بود و عقیف

بنابراین یک مسلمان باید پیرو دین حنیف ابراهیمی باشد که ایشان عنوان اسلام و مسلمانی را بر مؤمنان نهاده است **قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** (آل عمران ۹۵)

**بگو ای پیامبر که قول خدا درست است نی ادعای شما**  
**بباید اطاعت کنیم از خلیل که دینش شریف ست و باشد جلیل**  
**نبودست از مشرکان هیچگاه ندارد در آئین او شرك راه**

و راه وی غیر از راه یهودیت و مسیحیت است که خود ملتی جداگانه هستند و **قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** (بقره ۱۳۵)

**بگفتند قوم یهود و نصار نمایند آئین ما اختیار**  
**بدارید آیین ما را نکو تو هم ای پیامبر بر آنها بگو**  
**که ما می پرستیم دین خلیل نبودی وی از مشرکان ذلیل**

از نظر آموزه های قرآنی، ملت اسلام همان ملت حنیف ابراهیمی است که تفاوت های جدی با ملت های یهودی و نصرانی دارد (همان) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مأمور به پیروی از این ملت بودند (نحل ۱۲۳) اگر کسی مؤمن واقعی باشد، تنها ملت ابراهیم (علیه السلام) را شایسته سرمشق و پیروی می داند و بدان می آویزد، چنان که پیامبران خدا پس از حضرت ابراهیم بدان آویخته و از آن پیروی می کردند.



## بحران هویت

**درد جهان سوم بحران هویت اجتماعی است** که نسلی مقلد و بریده از تمدن و شخصیت فرهنگی خود و سرگردان در دنیای روز، به بار آمده است. اکنون رسالت روشنفکر و مصلح اجتماعی چیست و چه وظیفه ای نسبت به نسلهای آینده و معاصر دارد؟ او باید از کدامین ضعف جامعه خود سخن بگوید؟ از ضعف اقتصادی و وابستگی غربی بودن سران دولتها و یا نفوذ استعمار نو در میان توده ها، یا از «بحران هویت» و یا مسئله بازیابی ارزشها و بازگشت به خویشن فرهنگی و اصالت خود؟

این سخن اساسی است که همه رهبران روشن بین مسلمان در بانگ بیدار باش خود به آن هشدار می دهند و دقیقاً نکته ای است که امام خمینی(ره) در نهضت اسلامی خود دست روی آن گذاشته و جهان اسلام و نسل معاصر را نسبت به آن هشدار می داد. اکنون ضرورت دارد به مسئله «هویت» بیشتر پردازیم و مشخص کنیم که منظور از «هویت اجتماعی» چیست، سپس این سؤال را مطرح نماییم که «هویت اجتماعی انسان مسلمان چیست»؟ و اگر هویت او هویت اسلامی است کدام اسلام؟ و چرا امام خمینی(ره) از میان مفاهیم مختلف «هویت اجتماعی» روی «هویت اسلامی» تاکید داشت و برآن اصرار می کرد؟

**نقش رسالت پیامبران در احیای خودی:** در عرف اسلام و قرآن کریم سخن از نوعی «خودی» است که انسان دارای آن است و آنهایی که ذات شریف خویش را احیا نکرده اند به نوعی خسارت و از دست دادن سرمایه ذات گرفتار آمده اند. آیه قرآن کریم این حقیقت را بیان می کند: آیه ۱۵ سوره زمر و ۴۵ سوره شوری. هر دو به یک عبارت آمده اند: **فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ**

شما هم پرستید بر میل خویش      ره هر که خواهید گیرید پیش

بگو تا زیانکار آن عده اند      که خود را بدین کار افکنده اند

که خود را به همراه اهل سرا      به دوزخ درآرند روز جزا

بلی این زیانیست بس آشکار      که خواهند دیدن سرانجام کار

قطعاً کافران و انسانهای غافل و سهل انگار که زندگی را به هیچ می انگارند و از ارزشهای والای انسانی بی بهره اند، ابتدا اصالت انسانیت (خودی) خود را از دست می دهند، آنگاه سرمایه «ذات» را نابود می کنند و در نتیجه به یک خسارت دائمی مبتلا می شوند. کار مهم انبیای عظام آن است که ذات حقیقی انسان و سرمایه اصیل او را احیا نمایند و ذات انسان را به خود او بشناسانند و یادآور فطرت او باشند.

شهید مرتضی مطهری: پیامبر می کاود که نیروهای فطری بشر را بیدار کند، شعور مرموز و عشق پنهان وجود انسانها را مشتعل سازد. پیامبر خود را مدگر (بیدار کننده) می خواند. حساسیتی در برابر کل زندگی و هستی در انسان می آفریند، خودآگاهی خود را به کل هستی به مردم خود منتقل می سازد. اما روشنفکر حداکثر شعور اجتماعی افراد را بیدار و آنها را به مصالح ملی یا طبقاتی شان آگاه می نماید.

وقتی ابراهیم (علیه السلام) جامعه خود را «خودباخته» یافت و دید که انسان باهوش در برابر بت جامد سر فرود می آورد و گوهر ذات خود را گم کرده است، با عمل اجتماعی خود، آنجا که بتها را شکست و در مقام پرس و جو، تقصیر را به گردن بت بزرگ انداخت، با یک ضربت آگاهی ساز خود جامعه را بیدار کرد و آنها را در تردید اضطراب آور فکری قرار داد که سرانجام خود «خویش» را پیدا کردند و بیدار شدند. **فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ** (انبیاء ۶۴).

**بکردند اندیشه با خویشان براندند در قلب خود این سخن**

**که ظالم شما یید کز چوب و سنگ اطاعت نمایید و جوید ننگ**

اگر ابراهیم (علیه السلام) خود فردی و خداجویی جامعه خود را احیا کرد، موسی (علیه السلام) خود جمعی و فردی قوم اسرائیل را زنده ساخت و از جامعه ای خود باخته و پراکنده ملتی زنده و واحد و مستقل به وجود آورد که

بعدها دولت توحیدی داود(علیه السلام) بر پایه های همان خود توحیدی بود. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران نیز امت مفلوک خودباخته جاهلی را با اعطای ایدئولوژی الهی و احیای انسانیت مغفول به جامعه ای زنده و پویا تبدیل کرد که توانستند پیام توحیدی و وحدت ساز طاغوت برانداز او را تا اقصی نقاط دنیای آن روز برسانند. رسالت انبیا، احیای انسانها و جامعه ها و زدودن خرافات از ذهن انسانها و اعطای نشاط و شور به دلهای مرده و تجمیع جامعه پراکنده و ایجاد وحدت جمعی است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ** انفال ۱۹

**الا مؤمنان چون رسول و اله شما را بخوانند بر راست راه**

**اجابت نماید آنچه بود که یابید عمر و حیات ابد**

**خدا بین انسان و قلبش درست بگردیده حائل ز روز نخست**

**چو ایام گیتی بر انسان گذشت نماید سوی خدا بازگشت**

کار مهم امام خمینی و دیگر مصلحان اجتماعی مسلمان نیز در روند همان کار انبیاست. نقش آنها نقش انبیا و کارشان پیامبرگونه است و دلها و جامعه ها را توامان احیا می کنند.

**هویت اسلامی و نه ملی:** از همین رهگذر است که اقبال لاهوری و امام خمینی، از موضع فهم عمیق مکتب، هویت اجتماعی انسان مسلمان را در «هویت دینی» او می دیدند و نه هویت ملی.

هویت ملی، یعنی خودآگاهی به خود در رابطه با مردمی که با آنها پیوند قومی و نژادی دارد. انسان در اثر زندگی مشترک با گروهی از مردم، با قانون مشترک، آداب و رسوم مشترک، تاریخ مشترک، پیروزیها و شکستهای تاریخی مشترک، زبان مشترک، ادبیان مشترک، بالاخره فرهنگ مشترک، نوعی یگانگی پیدا می کند، بلکه همانطور که یک فرد دارای یک «خود» است، یک قوم و یک ملت نیز به علت داشتن فرهنگ، یک خود «ملی» پیدا می کند. هم فرهنگی از هم نژادی، شباهت و وحدت بیشتری میان افراد ایجاد می کند و از «من» ها یک «ما» می سازد

و انسان از پیروزی «ما» احساس غرور و از شکست آن احساس سرافکنندگی می کند. ناسیونالیسم که بویژه در قرن ۱۹ میلادی رواج فراوان یافت و هنوز هم کم و بیش تبلیغ می شود، براین فلسفه استوار است. «خودآگاهی ملی، از مقوله «خودخواهی» بیرون نیست، از همین خانواده است و تمام عوارض خودخواهی را از «تعصب»، حس جانبداری، ندیدن عیب خود، عجب و خودپسندی دارد و در نتیجه فاقد جنبه اخلاقی است

شاید امام خمینی (ره) با تأثر از فرهنگهای معاصر که در ذهنیت آن روز وجود داشت، تز اسلام ناب محمدی را در برابر اسلام آمریکایی مطرح می‌کند و با تأکید بر حاکمیت اسلام ناب، با تفکر حاکمیت و طرفداران اسلام آمریکایی مبارزه بی‌امانی را آغاز می‌کند که این مبارزه هنوز هم ادامه دارد.

### اسلام ناب ویژگیهایی دارد

- ۱ - به محتوا و روح اسلام توجه دارد.
- ۲ - به تعقل و تفکر اهمیت می‌دهد.
- ۳ - علوم عقلی و استدلالی در قلمرو آن جاری است.
- ۴ - روح اجتهاد با ضوابط علمی در آن حاکم است.
- ۵ - جامع الاطراف است و به تمام ابعاد عقیدتی، سیاسی، عرفانی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی توجه دارد.
- ۶ - حکومت و سیاست در متن آن جاری است.
- ۷ - مردم را به عزت و قدرت و استقلال اسلامی می‌خواند و به امور عامه و مردم و مصالح مسلمین اهمیت می‌دهد.
- ۸ - امر به معروف و نهی از منکر در متن آن جاری است.
- ۹ - سلطه پذیر نیست و در برابر ستمگران داخلی و خارجی پرخاشگر.
- ۱۰ - پویاست و با اوضاع و احوال جهان به پیش می‌رود و هرگز به بن بست نمی‌رسد.
- ۱۱ - از روند سیاست جهانی با خبر و مراقب آن است.

۱۲- به نظم و انضباط و تشکیلات پایبند است.

۱۳ - در راه وحدت و الفت و آشتی مسلمانان کوشاست و از تعصب

بیزار است

۱۴ - در برابر مخالفان، مقاوم و در برابر دوستان ملایم است.

۱۵ - مکتب رنج و صبر و نثار و ایثار و فداکاری و شهادت است.

همه این مشخصات، همان ویژگیهای انسان پویا و فعال است که در تعریف روانشناسانه انسان سالم آمده است. طبیعی است که دمیدن روح چنین اسلام ناب در کالبد بی رمق جامعه اسلامی و جهان سوّم، از آدم بی نشاط، انسانی فعّال و پویا به وجود می آورد، ترس موهوم و بی فرهنگی و خود کم بینی را نابود می کند، شجاعت بازسازی، روح استقلال طلبی و تلاش برای زندگی بهتر و شرافتمند ایجاد می کند.

و در نتیجه با تمام عوامل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مبارزه می نماید، و از جامعه کهنه، نظام نوین به وجود می آورد که نه تنها بابازسازی خود، اندیشه و تفکر دینی و اجتماعی را احیا می کند، بلکه چنان امید و روح و هویتی در میان مسلمین و مردمان دنیای سوّم ایجاد می نماید که نهضت اسلامی به پیروی حضرت امام خمینی جریان ساز می شود و آثار آن در جهان اسلام به چشم می خورد

## بخش چهارم : نظام سلطه از نگاه قرآن

نظام سلطه استکباری، نظامی است که در طول تاریخ در برابر جریان عدالت خواه پیامبران قرار گرفته است. این جریان شیطانی همان خوی استکباری ابلیس را با خود همراه دارد، زیرا انسان هایی که در این جریان تاریخی قرار گرفته اند همواره از دوستان ابلیس بودند و در چارچوب ولایت او قرار داشته و عمل می کردند. نظام سلطه استکباری به عنوان نظام رقیب در برابر نظام ولایی الهی، با تحریف حقایق، خود را ساخته و زنده نگه می دارد.

این نظام در بسیاری از موارد از دین به عنوان پوشش مناسب سود می جوید. در این میان تحریف گران یهودی سرآمد یاران شیطان هستند و او را در ایجاد نظام سلطه باطل استکباری یاری می رسانند. در برخی از روایات آمده که یاران و ابزارهای نظام سلطه استکباری شیطانی، یهودیان منحرف و تحریف گر، زنان بی حیایی که عفت از ایشان سلب شده و اعرابی یعنی بیابانگردان بی فرهنگ و بی تمدن هستند که در دین تفقه نمی کنند و خود را متخلق به آداب دینی نکرده و در فرهنگ بدوی به سر می برند

در روایات : **نظام سلطه استکباری در آخرالزمان فتنه ای بزرگ و جهانی را برای بشریت رقم می زند که کمتر کسی از آن رهایی می یابد** در این فتنه که با رهبری انسانی متضاد و متناقض به نام مسیح دجال صورت می گیرد،



مردمان گرفتار تضادی سخت و تفکیک ناپذیر می شوند؛ زیرا در پیوند دروغین شخصی میان منجی بشریت و سلطه استکباری جمع می کند

چرا که مسیح انسان منجی بشریت است تا آدمی را به سوی حق و عدالت رهنمون کند و جهان را از ظلم و جور و بی عدالتی رهایی بخشد، درحالی که این موجود خود سلطه گری جهانی است و به عنوان یک پدیده همه زمین را می پوشاند زیرا دجال، به فردی گفته می شود که همه سطح چیزی را بپوشاند

**دجال**، نظام سلطه استکباری است که همه سطح زمین را می پوشاند و در بر می گیرد. با نگاهی به نظام کنونی رسانه و جهانی شدن به سادگی می توان مفهوم دجال را دریافت که چگونه همه سطح زمین را پوشانیده است و با اخبار و اطلاعات دروغین، مردم را در مسیر استضعاف خود پیش می برد تا به نظام سلطه استکباری خویش شکل تثبیت شده بخشد.

**تضاد اجتماعی نظام های سلطه و ضد سلطه** براین اساس نظام سلطه همواره درگیر با نظام ضد سلطه است. نظام ضد سلطه با اندک توانایی خویش می بایست در برابر نظام سلطه ای قرار گیرد که از همه امکانات و منابع مادی و انسانی برخوردار است

زیرا چنان که قرآن تبیین کرده بیشتر مردم به سوی نظام باطل گرایش می یابند زیرا که ظاهراً جذاب است و کمتر کسی است که در مسیر

سخت و سنگلاخی اسلام و عدالت و حقیقت گام بردارد و شکرگزار نعمت‌های الهی باشد.

خداوند در آیات قرآنی همواره استکبار را در برابر استضعاف نهاده است. این بدان معناست که حیات استکبار به وجود استضعاف است و هر جایی که استکباری هست استضعافی نیز وجود دارد. انسان‌های متکبر و مغرور، به سبب تکبری که خلق و خوی ایشان است در عمل اجتماعی به آنچه دارند بسنده نمی‌کنند و با تزییع حقوق دیگران می‌کوشند تا منابع بیشتری در اختیار گیرند و شهوات و خواسته نفسانی خویش را برآورده سازند

نظام سلطه استکباری برای دستیابی به هدف خویش نیازمند آن است که حقوق مردمان را در همه حوزه‌ها تزییع و تباه سازد و در اختیار گیرد. این نظام سلطه خود را در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و حتی دینی گسترش می‌دهد و افرادی را از هر حوزه در اختیار اهداف خود می‌گیرد. بر این اساس همواره نظام سلطه همراهانی از اشراف و قدرتمندان ظالم، ثروتمندان و مرفهان بی‌درد، نظامیان و سربازان مطیع، جادوگران و ساحران فسونگر، روحانیون و احبار و عالمان دینی تحریف‌گر را در اختیار دارد (۳۸ و ۳۹ غافر ۲۴ و ۳۶ اعراف ۱۰۹ و ۱۲۷ و ۱۷۶ مائده ۱۳ و ۴۱)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۱۰۹

گروهی ز درباریان بر خطا به فرعون گفتند این نکته را

که موسی بود ساحری چیره دست چه بسیار در کار خود ماهرست

و قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ  
يَذَرِكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ  
قَاهِرُونَ ۱۲۷

گروهی از اشراف دربار شاه به فرعون گفتند حرفی تباه

که موسی و قوم ورا در زمین تو آیا رها می نمائی چنین

که همواره با خیرگی در بلاد بورزند گردنکشی و فساد

تو و ایزدان تو را هم رها نمایند و خوانند یکتا خدا

بگفتا که امروز من هم به تیغ پسرهایشان را کشم بی دریغ

تمام زنان را نمایم اسیر که هستم بر این کار چست و دلیر

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ

الْكَلْبِ إِذَا تَحَمَلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

بآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۱۷۶

اگر میل می داشت یکتا خدا بر او نعمتی خاص می شد عطا

و لیکن فروماند از این مقام که از نفس خود راه جستی مدام

بود در مثل همچو يك سگ که گر      نمائی تو تعقیب او در گذر  
و یا واگذاریش بر حال خویش      به هر حال عوعو کند کم و بیش  
بلی این مثل حال آن مردم است      که بر کذب آیات یازند دست  
بر ایشان بخوانید این داستان      فزاید مگر عبرتی نو از آن

خداوند با گزارشی از نظام سلطه استکباری که با مدیریت فرعون شکل گرفته است به این سلطه همه جانبه و همراهی افراد شاخص از هر جریان و طبقه اجتماعی اشاره می کند. لذا هامان سیاستمدار از طبقه اشراف، در کنار قارون از طبقه ثروتمندان و مرفهان بی درد، همراه با ساحران فسونگر، با بهره گیری از بلعم باعورا از طبقه روحانیون دین فروش و جنود قبطیان و خودفروشان یهود، در خدمت فرعون می باشند و موسی (علیه السلام) در برابر این نظام سلطه در تنهایی و غربت قرار می گیرد و سالیان سال نمی تواند با همه معجزات کاری از پیش برد و توده های مردم خودش را نیز همراه کند.

و نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَحْذَرُونَ قصص ۶ و ۸

به آنان تمکن بدادیم باز      بگشتند روی زمین سرفراز  
به فرعون و هامان و کل سپاه      که بودند غرق غرور و گناه

نماییم چیزی که از آن مدام      بترسیده بودند در دل تمام  
 فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ  
 جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

پس آسیه بگرفت او را زیم      که این ثبت بودی به تقدیر هم  
 که با آل فرعون گردد عدو      شود مایه غصه و رنج او  
 که فرعون و هامان و کل سپاه      ستمکار بودند و غرق گناه

**ویژگی‌های نظام سلطه** نظام سلطه استکباری دارای ویژگی‌های چندی است که از همه مهم تر بهره‌گیری از فرصت‌های درست و نادرست برای رسیدن به اهداف است. از این رو هدف، وسیله را برای او توجیه می‌کند و از هیچ ظلم و ستمی باز نمی‌ایستد. بر این اساس می‌کوشد تا با تحریف‌گری و شبهه‌سازی باطل، نظام سلطه خویش را زیبا جلوه دهد و در قالب دینداری و حفاظت از آیین‌ها و سنت‌های مردمی، توده‌های مردم را مسحور و همراه خویش گرداند؛ چنان که فرعون به صراحت در مقابله با حضرت موسی (علیه السلام) آن حضرت را متهم به سلب آرامش و آسایش و دینداری مردم می‌کند و می‌گوید که تمامی تلاش نظام فرعونی برای حفاظت از آیین‌های نیاکان و دینداری مردمان صورت می‌گیرد

به درباریان گفت فرعون خام غافر ۲۶ گذارید تا این زمان من بکام

ره قتل موسی بگیرم به پیش      به یاری طلب سازد او رب خویش  
 بترسم اگر زنده ماند چنین      دگرگون کند مسلك و راه و دین  
 بترسم اگر زنده ماند زیاد      نماید به روی زمین بس فساد  
 نظام سلطه در تحریف‌گری از بهترین استادان در این حوزه بهره می‌گیرد.  
 بطوری که از یهودیان، این استادان تحریف در دین سود می‌برد تا باطل  
 را حقیقت بنمایاند و حقایق را زشت جلوه دهد. این گونه است که ارزش  
 به ضدارزش و امر نابهنجار به هنجار تبدیل می‌شود (نساء ۴۶ مائده ۱۳ و ۴۱)

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا  
 وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْنًا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا  
 سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ  
 بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۴۶

گروهی یهودان پی ریشخند      لغت را دگرگون تلفظ کنند  
 بگویند فرمان رب بشر      شنیدیم لیکن پیچیم سر  
 بگویند آن قوم غرق عناد      که ای کاشکی ایزدت کر کناد  
 تو را چون ببینند ای مصطفی      به زشتی بگویند که راعنا  
 (به ظاهر بود معنی راعنا      که یعنی تو ما را رعایت نما  
 به عبری زبان هست معنای آن که      هستی تو از بدترین مردمان)

بدین گونه آن قوم باطل پسند	نبی را تمسخر نمودند چند
هرآنچه برانند روی زبان	تمسخر به دین است اندر بیان
ولی گر که با عزت و احترام	بگفتند این گونه اندر کلام
که گفتار حق را شنیدیم پس	ترا جمله فرمان برانیم و بس
تو بشنو سخنهای ما ای کریم	به ما مهلتی ده، تفکر کنیم
بر آنها هرآینه بُد نیک تر	به حق بود این نکته نزدیک تر
و لیکن چو کافر شدند آن یهود	خداوندشان نیز لعنت نمود
از آنان بجز عده ای کم شمار	نیارند ایمان به پروردگار

از دیگر ویژگی‌های نظام سلطه آن است که از رسانه‌های دجالی که فراگیر و مردم‌پسند است بهره می‌گیرند تا چشمان را مسحور و دل‌ها را با خود همراه سازند. لذا ساحران در هر عصر و زمانه را به کار می‌گیرند تا مردم را به اموری دروغین و باطل مشغول دارند (اعراف ۱۱۶ و ۱۱۷) **قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا**

**أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاؤُ بِسِحْرِ عَظِيمٍ**

بفرمود اول شما افکنید	ز سحری که دارید دم برزنید
چو بر سحر کردن پرداختند	بساطی ز جادو بینداختند
ز مردم ببستند چشم بصر	که حیران نمودند برآن نظر
یکی سخت سحری برانگیختند	که جادو به هم اندر آمیختند

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

به موسی نمودیم وحی این سخن که اکنون عصای خودت را فکن

بشد ازدهایی که از هر کران ببلعید سحر همه ساحران

ایجاد جنگ و کشتن کودکان و مردان از دیگر ویژگی‌های نظام سلطه استکباری است. در این راه با جدا نمودن طبقات اجتماعی از یکدیگر، یا ایجاد تفرقه در ملت‌ها و قبایل با عناوین دروغین، آنان را به جان هم می‌اندازند و با شکار مستضعفان به بهره‌کشی می‌پردازند. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص ۴)

همانا که فرعون با دست زور همی کرد گردنکشی و غرور

میان خلائق فکند اختلاف بیوپید بر راه ظلم و خلاف

یکی قوم نامش بنی اسریل بگرداند خوار و ضعیف و ذلیل

پسرهایشان را همی زد به تیغ از این کار هرگز نبودش دریغ

زنان را در آن قوم زنده گذاشت که فاسد بُد و طبع بدکار داشت

ایجاد مذاهب دروغین زیبا و فریبنده چون بهائیت و وهابیت، احمدیه و قادیانه و پروتستانیزم و کاتولیک و ارتدوکس و جنگ هفتاد و دو ملت،



کاری می‌کند تا زنان زنده بمانند و از آنان برای مقاصد جنسی و شهوانی خویش و تحکیم سلطه جهانی استکباری سود برند.

اینکه خداوند رفتار فرعون را نسبت به زنان استحياء می‌داند از آن‌روست که زنان را زنده نگه می‌داشت و حياء و عفت را از ایشان سلب می‌کرد و به کارهای جنسی می‌گماشت تا توده‌های مستضعف سرگرم مسایل شهوانی شوند و از تفکر و تفقه در مسایل هستی بازمانند  
 وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ  
 وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره ۴۹) و  
 (اعراف ۱۴۱ ابراهیم ۶)

ز چنگال فرعونتان در حیات	به خاطر بیارید دادم نجات
کشیدید بسیار زجر و عتاب	از ایشان بدیدید یکسر عذاب
زنان را همی داشتندی نگاه	بگشتند ابنائتان بی گناه
بدان رنجها و بلا آزمود	شما را خداوند صاحب سجود

نظام سلطه برای دست یابی به این مقاصد، از رسانه‌ها و شهوت‌جنسی در سطح جهانی سود می‌برد تا مردم به لهو و لعب مشغول شوند. این‌گونه است که دجال رسانه همه زمین را پوشش می‌دهد و به نام مسیح، نجات را در شهوت و سرگرمی تعریف و تبیین می‌کند.

## بخش پنجم : جهانی سازی بهانه ای برای زرسالاری و ابزارسالاری

جهانی سازی (globalization) واژه ای است که از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است و این اصطلاح برای توصیف تغییراتی است که در سه عرصه فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهانی بر اثر افزایش روزافزون روابط و مبادلات بین المللی به وجود می آیند

چون امروزه ابزارهای قدرت و تبلیغات در دست سرمایه داری است، بنابراین جهانی شدن را باید پیروزی زرسالاری و ابزارسالاری در جهان دانست. در حوزه اقتصاد جهانی سازی یعنی گسترش نظام سرمایه داری لیبرال در سراسر جهان، در حوزه سیاست است جهانی سازی به این مفهوم، عبارت است از جهانی سازی سلطه سیاسی بر کشورهای جهان سوم و استقرار دموکراسی های لیبرال.

سلطه استکباری، جهانی سازی را به عنوان یک برنامه و پروژه برای نظام سلطه تعریف کرده است؛ در این راه کلیسا به عنوان ابزاری در دست نظام سلطه استکباری قرار گرفته است که به نام یهود فعالیت می کند. این کلیسا نه وفادار به آیین مسیح است و نه معتقد به باورهای یهودی تورات، بلکه تنها هم و غم خود را سلطه بر جهان قرار داده است تا انسانها را مسحور خود سازد. تشکیل انجمن، تشکل های حمایت از ... سازمان یونسکو و یونیسف و .... دقیقا در برنامه علاوه بر فعالیت های

مفید در اصل در راتای خواسته های استکبار گام بر می دارند و کلاه بزرگی بر سر ملت ها می گذارند.

از آنجایی که طبیعت آدمی به سوی عدالت، معنویت، آزادگی و مانند آن گرایش دارد، ساحران دجال رسانه در جهان، منادی این امور می شوند و مردمان را با این اشکال زیبا مسحور می کنند و به استضعاف می کشند

**وسایل ارتباط جمعی** است که در سراسر جهان به فعالیت در جهان اهداف آمریکا و اسرائیل می پردازند و با پخش انواع موسیقی ها و شوهای مبتذل، افراد منافق و کفار را به دور خود جمع می کنند. این رسانه ها همانند الاغی که در خدمت ارباب خود است، همواره در جهت خدمت به اربابان خود (آمریکا، اسرائیل و بقیه کشورهای ماسونی) گام برمی دارند.

این فتنه آخرالزمانی (به اسم جهانی سازی) آنچنان بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) دشوار آمده است که به خداوند پناه می برد و می فرماید: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ** انی أعوذ بک من شر فتنه المسیح الدجال. و از گرفتاری دنیا و آخرت و عذاب آتش جهنم به تو پناه می برم. (بحار الأنوار علامه مجلسی (۱۱۱۱هـ) ج ۲۱، ص ۲۹۴ و نیز بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۰)

**فرهنگی لیاقت جهانی شدن را داشته باشد که :** در عرصه فرهنگ به دنبال کشف حقیقت و سعادت دنیا و عقبای بشر است و به انسان ها به چشم مخلوقات خدا بنگرد، نه با نگاه ابزاری و در عرصه اقتصاد هم به سیستم اقتصادی معتقد است که نه ربا و بی عدالتی موجود باشد و نه اسراف. و در عرصه سیاسی نیز اعتقاد به برقراری حکومت هایی دارد که ضمن تناسب داشتن با شرایط فرهنگی و تاریخی هر کشور به معنویت و اخلاق و ایمان به غیب و آخرت در عین بهره مندی مردم از رفاه دنیوی و حق تعیین سرنوشت خویش بها داده شود. بنابراین حقیقت آن است که تنها تفکر پیامبران الهی و ادیان توحیدی که در راس آنها پیامبر اسلام و دین اسلام است می تواند جهانی باشد و اساسا مفهوم خاتمیت نیز جز این نیست.

### **جهانی شدن اسلام ناب**

**ایده جهانی سازی اسلام** آموزه های قرآنی می گوید که این اسلام است که به عنوان حق بر جهان حاکمیت می یابد. **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** (توبه ۳۳؛ صف ۹؛ نور ۵۵؛ انبیاء ۱۰۵)

هدایت بدو داد و دینی سزا

فرستاد پیغمبرش را خدا

که بر کل ادیان دهد برتری

به او دین حق داد و پیغمبری

## اگرچند از این عمل مشرکان      کراهت بورزند از عمق جان

این حاکمیت در همه جنبه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و مانند آنها است؛ زیرا حاکمیت دین اسلام به معنای حاکمیت فلسفه و سبک زندگی اسلامی است که همه ابعاد زندگی بشر را تحت تاثیر مستقیم خود قرار می‌دهد.

بر این اساس، راهبردها و سیاست‌های و برنامه‌های نظام اسلامی می‌بایست جهانی‌سازی و جهانی شدن اسلام باشد؛ یعنی اگر جبر تاریخی و فلسفه تاریخ به سمت جهانی شدن اسلام است، برنامه و طرح نظام اسلامی باید اعمال قوت برای جهانی‌سازی باشد.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ  
 كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ  
 لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ  
 بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ نور ۵۵

به نیکو خصالان فرخنده پی

خدا بر شما مؤمنان به وی

بخواهید شد حاکم و جانشین

بدادست وعده که روی زمین

بگشتند خود جانشینان خاک

که اقوام بسیار ناپاک و پاک

تسلط ببخشد، فزاید بقا

به آیین اسلام، یکتا خدا

همه مؤمنان را پس از خوف و بیم دلی ایمن از مکر دشمن دهیم  
 که من را بخوانند یکتا اله بتان را بخوانند پست و تباه  
 پس از این چو کافر شود کس به من بود فاسق و اندر آن نیست ظن  
 در حوزه اصول دین و کلام اسلامی این امر فراتر از علم فقه به اثبات  
 رسیده است که هیچ سلطه و راه نفوذی برای کافران بر مسلمانان و  
 مومنان نیست: **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا** و خداوند  
 هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.  
 (نساء، ۱۴۱)

که در هیچ هنگامه و هیچگاه نکرده رهی باز یکتا اله  
 که تا چیره گردند کفار دین بر افراد مؤمن به روی زمین  
 این بدان معناست که قوای اسلامی می‌بایست به گونه‌ای مورد  
 بهره‌برداری قرار گیرد که سلطه و نفوذی برای کافران بر مسلمانان و  
 مومنان فراهم نشود و راه را بر آنان سد کند.  
 خداوند شرط اصلی برتری را در قاعده مطرح آیه ۱۳۹ آل عمران دانسته.  
**وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** شما هرگز سستی  
 نکنید و (از فوت متاع دنیا) اندوهناک نشوید، زیرا شما فیروزمندترین و  
 بلندترین ملل دنیایید اگر در ایمان ثابت قدم باشید.

الا مسلمین هیچ گاه بعد از این نوزید سستی در آیین دین  
 گر از دست دادید مال جهان مبادا که باشید غمگین از آن  
 بمانید خود برترین اُمم در ایمان چو گردید ثابت قدم

در حقیقت اتصال شخص و دولت به حق و محور قرار دادن آن قوت و عزت می آورد و راه را بر دشمنان سد می کند و اجازه نمی دهد تا باطل چیره شود و اعمال قدرت کند.

بر اساس آموزه های قرآنی، قوت و عزت تنها با اتصال به قوت و عزت الهی به دست می آید و هرگونه چرخشی در این مدار، شدنی است؛ چرا که لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ است و خداوند بارها عزت و قوت را به خود نسبت داده الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء ۱۳۹)

کسانی که با کافران به دین بگشتند هم صحبت و همنشین  
 بکردند خود، مؤمنان را راه از آن حلقه مهر گشته جدا  
 بجویند آیا ز کفار خوار کنون عزت و رتبت و اقتدار  
 ندانند کاین راه آنان خطاست ؟ که عزت فقط نزد یکتا خداست

و هرگونه تبدل و تغییری را بر مدار آن قرار داده است. از نظر قرآن در جهان، دو جریان سلطه وجود دارد که یکی حق و دیگری باطل است؛

یک جریان سلطه، معطوف به پرستش خدای متعال است که بر محور پیامبران است و دیگری جریان سلطه‌ای است که باطل آن را مدیریت می‌کند و فرعونیان و طاغوتیان و مستکبران و ظالمان و کافران آن را به کار می‌گیرند. در حقیقت، قوت در جامعه بشری در قالب ملک و سلطه می‌تواند معطوف به حق یا باطل باشد. اگر بخواهیم قوت حق را در سلطه سیاسی در درون و بیرون مرزها به نمایش گذاریم می‌بایست نخست به اصل اولی ایمان توجه و تاکید داشته باشیم. این یعنی اینکه ما در برابر هیچ سلطه دیگری جز ملک حق تعالی سرفرود نمی‌آوریم و زیر بار هیچ قوت دیگری نمی‌رویم و به حول و قوت الهی، جهان را مدیریت و از خود دفاع می‌کنیم.

**اسلام تجرید شده از فرهنگها** اما اسلامی که می‌بایست برای جهانی شدن مورد توجه باشد، نوعی اسلام تجریدی از فرهنگ هاست. البته این بدان معنا نیست که اسلام فرهنگ‌ها را نمی‌پذیرد، بلکه به این معناست که اسلام، فرهنگ‌ها را با نگاهی انتقادی مورد توجه قرار می‌دهد. به این معنا که فرهنگ‌ها را در چارچوب و قالب خاصی قرار می‌دهد تا هر آنچه در این چارچوب و ملاک قرار می‌گیرد، پذیرفته یا تعدیل و یا رد کند. توجه به فرهنگ‌ها از آن روست که فرهنگ باتوجه به نیازهای منطقه‌ای و محیط زیستی سامان می‌یابد.



## ضرورت جهانی شدن اصل اسلام

**اسلام ناب محمدی، فریاد گر است و بیدار کننده** امام راحل : نمی‌توان از اسلام انتظار داشت که راه خود را از سیاست جدا کند و از پیروان خود تنها انتظار داشته باشد در حوزه فردی به اعمال عبادی خود مشغول باشند و به مسائل و اتفاقات اجتماع خویش بی‌تفاوت باشند. آموزه‌های اسلامی مباحثی چون عدم سازشکاری با مستکبران، رسوا کردن ظالم و فرهنگ جهاد و شهادت نیز به چشم می‌خورد. البته لازم به ذکر است موارد فوق ناخود آگاه مسئله تشکیل حکومت اسلامی به رهبری عالمان دینی را برای جامعه اسلامی به ذهن تبادر می‌کند که در مدل حکومتی امام خمینی (ره) با عنوان ولایت فقیه از آن یاد می‌شود که ستون اصلی گفتمان اسلام ناب محمدی ایشان است.

**ما و جهانی سازی** امام راحل (ره) : این واقعیت و حقیقت را بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. در واقع اقدامات غرب در به راه انداختن گفتمان ایران هراسی و هجمه گسترده به مسلمانان و یکسان سازی دین اسلام با خشونت و جنگ در ذهن افکار عمومی جهان را می‌توان نمونه های تام و تمامی از دخالت موضع منجی گری در سیاست های آمریکا دانست.

در فرهنگ اسلامی مسئله جهانی شدن و حکومت واحد جهانی قدمتی هزار و چهار صد ساله دارد. موضوع تشکیل حکومت جهانی واحد برای حاکمیت عدل و برقراری قسط و نابودسازی ظلم و ستم به رهبری منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عجل الله نعال فرجه) در صدر اسلام و در کلام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مطرح شد و قرآن کریم در آیات فراوان، به طور مستمر نوید نابودی مستکبران و حاکمیت متقین و مستضعفین را برای اجرای عدالت در کره زمین مکرراً وعده داده است. بنابراین مسئله جهانی شدن اگرچه در غرب قدمتی بیش از ده سال دارد، ولی در اسلام از قدمتی طولانی برخوردار است.

مفهوم جهانی سازی با واژه جهانی شدن کاملاً مغایر است. جهانی سازی به معنی سوءاستفاده قدرت های سلطه گر و ظالم جهانی برای دست یابی به تسلط مطلق بر جهان و طراحی استراتژی نظام های استعمارگر برای بهره برداری و سوءاستفاده از رشد تکنولوژی و توسعه فن آوری های پیشرفته برای دست یابی به اهداف سلطه گرانه و حاکمیت بر ملت های مظلوم است. به عبارت دیگر به معنی زمینه سازی برای حاکمیت و تسلط بر کل جهان است.

اما مکتبی که خواهان حکومت واحد جهانی به رهبری منجی عالم بشریت و برقرار کننده عدل و قسط است، هیچ گاه مشروعیت سلطه گران و صاحبان قدرت و پیروان فریب و نیرنگ را نمی پذیرد. اسلام همچون

خاری در چشم برای غرب می باشد. به همین دلیل تحریف اسلام ناب و مقابله با آن محور اصلی خط مشی های استکبار جهانی و صهیونیسم بین المللی است.

**گفتمان اسلامی به سمت و سوی جهانی شدن دارد** براساس آیاتی از جمله ۲۵ حدید و مانند آن، جامعه اسلامی می باید برنامه ای برای جهانی شدن داشته باشد. جهانی شدن و سلطه گفتمان اسلامی و از میان رفتن گفتمان استکباری نه تنها یک پروسه طبیعی براساس فلسفه تاریخی است بلکه باید به عنوان یک برنامه و پروژه مورد توجه قرار گیرد و در این راستا جامعه اسلامی فعالیت کند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (مائده ۴۸؛ توبه ۳۳؛ فتح ۲۸؛ صف ۹؛ حدید ۲۵)

خداى تو پيکى فرستاده است	بلى اوست پيغمبرى داده است
هدايت نمايد که راهى سزاىست	که تا مردمان را به آيين راست
بر اديان ديگر بدور زمان	که پيروز گردد بدون گمان
نيايد خوشايند اين نيك راه	اگرچند بر مشرکان هيچگاه

در مقابل، گفتمان استکباری تحت مدیریت و رهبریت ابلیس نیز گفتمانی جهانی است و می‌خواهد همه بشریت را (جز افراد خاصی که بیرون از توان تسلط بر ایشان است) گمراه سازد.

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ  
إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (حجر ۴۰، ۳۹)

پس از آن بگفتا به یکتا خدا      چو گمراه کردی ز راهت مرا  
همه چیزها را به روی زمین دهم      جلوه در چشم آدم چنین  
که گمراهشان سازم از راه راست      بجز مخلصی را که عبد خداست  
دشمنان گفتمان اسلامی از همه امکانات بهره می‌گیرند تا به این هدف برسند. آنان از طریق شبهه‌افکنی، تزیین امور دنیا و ایجاد گرایش‌های مادیگرایانه مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ برای هدایت مردم، و نیز کتاب جداکننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد.

که تا مردمان را به راه درست      هدایت نماید ز روز نخست  
برای جدائی حق از خطا      فرستاد قرآن خود را خدا  
همانا کسانی که منکر شدند      بر آیات الله کافر شدند  
بر آنها عذابی بود بس شدید      که خواهند اندر قیامت چشید

## عزیزست یزدان عالی مقام      کشد از ستم پیشگان انتقام

همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است. (آل عمران ۷ و ۴) می خواهند مردم را به دنیا سرگرم کنند و از حق و حقیقت و عدالت دور سازند

**تضاد گفتمان اسلام و استکبار** نظامی که اکنون بر جامعه جهانی حکمفرما است با دلایل و شواهد گوناگون یک نظام استکباری ستمگر است که به هیچ اصلی جز اصل قدرت پایبند نیست. براساس این اصل که همان قانون جنگل است، قدرت است که حق می سازد و برای افراد و دولت ها مشروعیت می آورد تا هر طور که بخواهند در جهان عمل کنند. نخستین و ساده ترین شاهد بر این مدعا همان «حق وتو» است که در سازمان ملل برای پنج کشور پیروز در جنگ جهانی دوم تصویب شده و بیش از چندین دهه است که اعمال می شود. براساس این حق، دولت های استکباری بدون هیچ اما و اگر و تنها برای منافع ملی خود می توانند قطعنامه های ظالمانه ای را در شورای امنیت برای حفظ منافع دولت های خودشان به تصویب برسانند و در صورت تضاد با منافع جمعی و یا حتی ملی یک کشور، آن را وتو کنند.

**نظام استکباری یک ضدانسانی است** هر چند که داعیه حقوق بشر داشته و در ظاهر چیزی را در قالب حقوق بشر به تصویب و اجرا درآورده

باشد؛ زیرا مواد قانونی که در مجموعه سازمان‌های وابسته به سازمان ملل تصویب و اجرا می‌شود از جمله همین قانون حقوق بشر، تنها تامین کننده منافع، مقاصد و اهداف پنج کشور دائم عضو شورای امنیت است.

گفتمان که از آن به گفتمان استکباری یاد می‌شود، ضدگفتمان اسلامی است که اصل عدالت به عنوان مهم‌ترین هدف و فلسفه بعثت پیامبران و انزال کتب الهی و دعوت اولیای الهی در آن تعیین و معرفی شده لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ (حدید ۲۵)

فرستاد با معجزاتی عیان	رسولان خود را خدای جهان
که مردم گرایند یکسر به داد	کتابی عطا کرد و میزان نهاد
که دارد خطر نیز باشد مفید	یگانه خدا خلق کرده حدید



## بخش ششم: اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام

**علامه جعفری** مباحث عمیق و بدیعی را درباره اعلامیه حقوق بشر از دو دیدگاه اسلام و غرب مطرح کرده اند. علامه پیش از ورود به مباحث چهار مقدمه را به طور مختصر متذکر می شوند که به نظر ایشان مقدماتی لازم جهت آمادگی برای مطالعه نظرات و دیدگاههای مختلف و از جمله دیدگاههای ایشان در باب مبانی اعلامیه های حقوق بشر از دو دیدگاه اسلام و غرب است.

**مقدمه اول:** ایشان به وجود ریشه ای فراوان برای تساوی و هماهنگی و اتحاد های قابل توجه در میان افراد بشر اشاره می کنند و معتقدند این نظریه علی رغم آن است که همه افراد بشر دارای اختلافات گوناگون در ابعاد جسمانی و روانی و فعالیت های مغزی و همچنین استعداد ها و محیط های طبیعی و فرهنگی مختلف هستند که البته این نظر دارای تاریخی بس طولانی است.

**مقدمه دوم:** ایشان متذکر می شوند که علی رغم گذشتن هر دو اعلامیه حقوق بشر (حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب) از تصویب صاحب نظران هر دو نظام حقوقی بر خلاف نظر برخی بحث و تحقیق و انتقاد در باره این دو نظام حقوقی به پایان رسیده بلکه کار دشوار و اساسی درباره این دو نظام از هم اکنون شروع می

شود و نخستین شرط به ثمر رسیدن این کار حقیقت طلبی و درک اهمیت تعیین حقوق و تکالیف و آزادی‌ها برای جوامع انسانی است که این امر نیز کار انسان‌های رشد یافته‌ای است که همه جوانب و ابعاد انسانی را بشناسند و از شهوات دور بوده و به فکر سعادت بشر باشند.

**مقدمه سوم:** اگر عالی‌ترین و باشکوه‌ترین کاخ دنیا را در دامنه کوه آتشفشان بسازیم، مضحکه همه مردم می‌شویم. حال این مثال را می‌توانید به کاخ‌های مجلل حقوقی تشبیه کنید که روی قله‌های آتشفشان درون هوی پرستان و خود کامگان و قدرت طلبان سلطه جو بنا می‌شود. لذا ایشان در نهایت معتقدند که تا تعلیم و تربیت صحیح بر مبنای اصول عالی انسان، آتشفشان‌های درون مردم خود محور و سود پرست و لذت‌گرا را خاموش نسازد و آنها را مبدل به زمین قابل کشت اصول حقوق انسان ساز نکند، محال است که این نظام‌های حقوقی بتوانند انسان را وارد در حیاتی معقول نمایند. لذا ایشان تعلیم و تربیت صحیح انسانی و الهی را زمینه بروز نظام‌های حقوقی کامل و کارآمد و حقوق بشر جامع و حقیقی می‌دانند.

**مقدمه چهارم: ریشه اول:** اصول اولیه حقوق طبیعی در آن هنگام که بشر به مختصات حیاتی و روانی مشترک میان افراد هم‌نوع خود علم پیدا کرده و ضرورت زندگی اجتماعی را به خوبی درک نموده است، به اصول



اولیه حقوق طبیعی خود (حقوق فطری به معنای حقیقی آن) پی برده است. ملاک اصول اولیه حقوق طبیعی عبارت است از: صیانت و تنظیم حیات انسانی در دو بعد اساسی آن: بعد یکم، حیات طبیعی محض و بعد دوم، حیات مطلوب. حیات مطلوب دارای چهار اصل اساسی حقوق طبیعی است که عبارتند از: حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولان و حق مساوات در مقابل قوانین.

**ریشه دوم:** ادیان حقه الهی علامه جعفری معتقدند که خداوند اصول اولیه حقوق فطری را به وسیله ادیان به همه مردم ابلاغ فرموده است. چرا که اصولا مبنای ادیان حقه الهی نایل ساختن نفوس انسانی به رشد و کمال در زمینه فطرت پاک انسانی است.

لذا تمام اصول حقوق طبیعی (اصول پنجگانه) به وضوح در منابع اسلامی موجود بوده و به اثبات می رسد. به گونه ای که پذیرش و عمل به اصول حقوق طبیعی با وجدان آزاد و نه اجبار، از دیدگاه ادیان عامل رشد و کمال انسانی است.

**ریشه سوم:** به عقیده علامه جعفری حقوق طبیعی آنچنان با طبیعت و فطرت بشر و از طرفی با تعالیم ادیان و زندگی مردم و متفکران در هم آمیخته و متحد است، به گونه ای که کاملا طبیعی این اصول حقوق

طبیعی خود را در مغز متفکران و قوانین و فرهنگ بشری نمایان می کند و حتی ادیان الهی هم در این باره موید بوده و آنها را تصدیق می کند.

ایشان این نظر را حتی با استناد به فرهنگ و عقاید باستانی و معاصر نمایان می کنند

بدین معنی که از قدیمی ترین دورانها تا کنون در اشکال گوناگون اخلاقی، حقوقی و فرهنگی در جوامع (تا حدودی متمدن) چهره جهانی انسان و اشتراک افراد و اصناف او به طور عموم در آلام و خواسته ها و علل اصلی حقوق طبیعی آشکار شده و موجب به وجود آمدن جملات ادبی در فرهنگ ها و اصول اخلاقی و مواد حقوقی در جوامع انسانی گشته است.

### **حقوق بشر غربی بر اساس جاهلیت مدرن تدوین شده است**

حقوق بشر هیچ صبغه علمی ندارد و این چند قانونی که سازمان ملل را می گرداند بر اساس جاهلیت مدرن تدوین شده است. حقوق بشر که سازمان ملل آن را مطرح می کند هیچ پایه علمی ندارد، به خاطر اینکه کشورهای که به فقه تکیه نکرده اند قانونشان بنیه علمی ندارد.

زیرا به عنوان نمونه این مواد حقوق بشر که سازمان ملل با او اداره می شود یک سلسله مواد حقوقی است که از برخی مبانی نظیر استقلال، امنیت،

عدالت، رعایت زندگی مسالمت آمیز، فضای سالم و... گرفته شده که اینها اصول و مبانی تدوین آنهاست.

عدل بالاترین و مهمترین حرف را در این امور می‌زند، یعنی سایر امور زیر مجموعه عدل هستند. مفهوم عدل هر چیزی در جای خودش قراردادن و دست عهده‌داران تدوین حقوق بشر خالی است، غربی‌ها تمامی مبانی را از روی میل و هدف و رسومات ملی می‌گیرند، این قانون که صبغه علمی ندارد.

آنکه این مثلث، یعنی جهان، انسان و پیوند انسان و جهان را آفرید و وحی فرستاد و مشخص می‌کند جای مواد و اشخاص و اشیاء کجاست.

اگر آنها مقاومت حزب‌الله را تروریست معرفی کردند تعجب نکنید زیرا عدل را چیزی می‌دانند که خودشان تفسیر کرده‌اند. حقوق بشر هیچ صبغه علمی ندارد و این چند قانونی که سازمان ملل می‌گرداند بر اساس جاهلیت مدرن است. خطر دوم ما مسلمانان را تهدید می‌کند و آن این است که ما مواد حقوقی را از مبانی و مبانی را از منابع می‌گیریم و منابع ما مستقیماً وحی خداست.

آیا چشم بیداری می‌خواهد که این قانون را ببیند یا نه؟ این چشم بینا همان عقل است. (آیت الله جوادی آملی)

## آمریکا در خط مقدم ناقضین حقوق بشر

طبق اعلامیه حقوق بشر هیچ کس را نمی توان مورد آزار و شکنجه قرار داد در حالی که بیش از ۳۸۰ هزار تبعه خارج در ۳۰۰ بازداشت مخفی و غیرمخفی در داخل و خارج آمریکا شکنجه می شوند. در حمله آمریکا به عراق نیز ۲۸۵ هزار کشته و زخمی شدند که بیش از ۶۰ درصد این کشته ها زنان و سالخورده ها بودند (به بهانه موهوم از بین بردن سلاح های کشتار جمعی)

سومین سند جنایت کمیسر حقوق بشر در سازمان ملل از نقض گسترده حقوق بشر در آمریکا از جمله شکنجه زندانیان، خشونت پلیس و تبعیض نژادی ابراز نگرانی کرده که این گزارش معلوم می کند که چه کسی در صدر ناقضین حقوق بشر قرار دارد

آمریکا در تاریخ از کدام دیکتاتور تا کنون حمایت نکرده است. این اواخر نیز از قذافی، بن علی، نامبارک چه دولتی حمایت کرد؟ آیا اینها نقض حقوق بشر نیست؟ حکام بحرین با کدام چراغ سبزی این جنایات را انجام می دهند آیا جز با چراغ سبز دولت مستکبری آمریکا؟ ۱۷۶مورد نقض حقوق بشر در بحرین توسط سازمان ملل به ثبت رسیده است. ارسال سلاح به سوریه و حمایت از مخالفین هم پیمان با داعش را از دیگر جنایات های آمریکا: این جنایات به حمایت چه کسی انجام می شود؟

نهمین سند جنایت آمریکا را تحریم تحمیلی علیه ایران: آنان در این تحریم چه کسی را هدف قرار دادند جز مردم ایران؟ تحریم دارویی به چه منظوری است؟ آنها دارند از ملت ایران انتقام می‌گیرند چرا که این ملت دست آنان را از این کشور کوتاه و از این غارتگری اخراج کرده است. دهمین سند جنایت حقوق بشری آمریکا را برخورد با معترضین داخلی خودشان.

### آمریکا شیطان بزرگ است

رهبر جنبش تجزیه طلبان ایالت ورمونت آمریکا، با اشاره به اعتراضات اخیر در وال استریت، حکومت آمریکا را «شیطان بزرگ» خطاب کرد. بر خلاف باور عموم، نیویورک بزرگترین شهر در جهان انسانها نیست، بلکه وال استریت، خانه شیطان بزرگ است. دولت ما تحت اداره و مالکیت وال استریت و شرکت های آمریکایی است، این امپراتوری رو به افول است.

تجزیه طلبان و هواداران افزایش اختیارات ایالت های آمریکا در عرصه های سیاسی این کشور حضور گسترده دارند و پیشینه فعالیت هایشان به پیش از انتخاب اوباما برمی گردد. اعتراضات مختلف به موضوعاتی همچون نبرد جهانی با تروریسم، سرکوب آزادی های مدنی، طمع ورزی شرکتهای بزرگ، گرم شدن کره زمین، تسلط طیف قدرتمند و فرهنگ

فریب، همه می توانند در جنبش وال استریت پیگیری شوند  
تظاهرکنندگان آمریکایی این نکته را دریافتند، و صرف نظر از تلاش های  
رسانه های جریان اصلی برای سرکوب اعتراض وال استریت، بقیه جهان  
هم بزودی از واقعیت آگاه می شود.

### **سیاه و سفید موش آزمایشگاهی اربابان قدرت**

جایگاه اخلاق انسانی کجاست؟ دولت آمریکا سال ها به بهانه های  
گونگون از جمله حفظ امنیت ملی، ده ها تجربه پزشکی و دارویی بر روی  
سیاهپوستان، معلولان ذهنی، زندانیان، کودکان بی سرپرست و به طور  
کلی، قشر ضعیف جامعه خود و جوامع فقیر جهان سوم به انجام رسانده  
و در راستای پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، حتی به  
نظامیان این کشور نیز رحم نکرده است

و این آزمایش ها عمدتاً به یاری پزشکانی که کلیه اصول اخلاقی را زیر پا  
نهادند و یا آن که از طریق شرکت های دارویی سودجو که در تملک  
اربابان قدرت قرار دارند، انجام پذیرفته است. اما، این برگ حقیقتاً سیاه  
از تاریخ ایالات متحده آمریکا در قرن شانزدهم شکل نگرفته است، بلکه  
طی ۷۰ سال گذشته نگاشته شده و فجایع بی شماری را در خود پنهان  
دارد. و نه فقط در آمریکا! که این فجایع برگ برگ تاریخ دیگر کشورهای  
قدرتمند صنعتی را نیز پر ساخته اند...

این رسوایی عظیم البته هنگامی آشکار گردید که دولت آمریکا مجبور شد بابت تجارب پزشکی خود در گواتمالا در سال های دهه ۱۹۵۰، از دولت و مردم این کشور رسماً عذرخواهی کند.

بسیاری از پژوهشگران معتبر وقت بر این باور بودند که انجام این آزمایش ها بر روی اشخاصی که از داشتن حقوق کامل انسانی در جامعه محرومند (زندانیان، بیماران روانی، سیاهپوستان فقیر، کودکان بی سرپرست، ...) امری کاملاً قانونی است

بیش از این چه می توان گفت؟ جز آن که، دموکراسی، اخلاق، نوع دوستی، و... واژه هایی بیش نیستند که تنها به کار پرکردن لغت نامه ها و منفعت طلبی اربابان قدرت و دولت ها و لابی ها و چندملیتی های تحت امرشان می آیند؟

**دشمنی که هدفش این است** که دولتها و ملتها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه های مختلفی توسل میجوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف میزنند؛ میگوید شما بیا در نقشه ی من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین میکند.

شما بیا این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، و او یک نقشه ای دارد؛

**نظام استکباری و شیطانی تلاش می کند که به هر شکلی شده، مردم را به زیر سلطه خود درآورد إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (کهف ۲۰)**

**گر اینجا بر آنان شود آشکار      بگیرند و سازندتان سنگسار**  
**به اجبار در دین خود آورند      که این قوم دون سخت ناباورند**  
**هرآنچه که پیش آید از این دو کار      نخواهید گشتن دگر رستگار**

و کسانی را که در برابر او قرار می گیرند به قتل می رساند یا شکنجه کرده و به زندان می افکند یا سنگسار کرده و یا از جامعه طرد و یا تابعیت او را لغو می کند این برنامه های فشار و تهدید و شکنجه و قتل و مانند آن تا زمانی که مردم به آئین آنها باز نگردند ادامه خواهد یافت.

تعبیر قرآنی «ملت» به معنای آئینی است که دارای فلسفه و سبک خاصی از زندگی است. در حقیقت یک آئین و سبک زندگی است که دارای فلسفه خاصی باشد. ملت ابراهیم به معنای فلسفه و آئین زندگی است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) آن را داشت و دیگران را بدان دعوت می کرد.

**نظام استکباری نیز به عنوان یک ملت دارای فلسفه زندگی و سبک خاص زیست است** نظام استکباری مردم را به افکار و رفتار خاصی دعوت می کند، نظام استکباری و گفتمان استکباری شیطانی تمام راهها را



به کار خواهد بست تا ملت خودش را بر جهان مسلط سازد و مردم را به همان فلسفه و سبک زیست خود دعوت کند. نظام سلطه استکباری آمریکا، بارها بیان کرده که همه گزینه‌ها از جمله تحریم‌ها و حمله نظامی روی میز است. همه گزینه‌های استکباری شامل بهره‌گیری از شبهات و جنگ نرم، جنگ روانی، جنگ علمی و اعتقادی، جنگ رسانه‌ای از راه فیلم‌های هالیوودی، اخبار رسانه‌های سمعی و بصری و جنگ اقتصادی، تهاجم فرهنگی، تحریم و تهدید نظامی و مانند آن است. خداوند می‌فرماید دشمنان زمانی دست از جنگ و تهدید برمی‌دارند که نظام سلطه آنان را بپذیرید و آئین آنان را قبول کنید، زیرا جز به این رضایت نمی‌دهند: وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره، ۱۲۰)

بدان ای پیمبر نصار و یهود	ز کارت نخواهند خشنود بود
مگر آنکه زان دین کنی پیروی	که ایشان نمایند زان رهروی
بگو ای پیمبر که آیین راست	به تنهایی آئین یکتا خداست
پس از آنکه حق شد ترا آشکار	خداوند دیگر ترا نیست یار
گر از دین آنها اطاعت کنی	هواهای ایشان اجابت کنی

**دشمن استکباری هرگز با عقب‌نشینی‌های امت اسلام** در مسایلی چون حقوق هسته‌ای و مقاومت اسلامی، کوتاه نمی‌آید و نمی‌توان گفت که این کارها موجب اعتمادسازی است، زیرا زمانی اعتماد مستکبران به دست می‌آید و آنان راضی می‌شوند دست از دشمنی بر دارند که هم کیش و آئین آنان شوید. لذا دولت استکباری و شیطانی آمریکا به صراحت اعلام می‌کند که عقب‌نشینی در همه اصول انقلاب اسلامی است که امکان بازگشت ایران اسلامی را به جامعه جهانی (همان نظام سلطه استکباری و شیطانی) فراهم می‌آورد.

اینکه گمان کنیم دشمنی ایران اسلامی و نظام استکباری پایانی خواهد داشت، تصویری ساده اندیشانه است؛ زیرا این دوستی و صلح تنها زمانی تحقق خواهد یافت که یکی از دو نظام و گفتمان اسلامی و استکباری، ماهیت خود را تغییر دهد و به آئین و کیش دیگری درآید.

**حق کوتاه نمی‌آید** براساس آموزه‌های اسلامی حتی اگر کفر و باطل کوتاه بیاید و بخواهد صلح کند، حق کوتاه نمی‌آید: زیرا خواهان عدالت جهانی نسبت به همگان است و هر جا فریادرسی کمک خواهد لازم است برای رفع ظلم و رهایی اهل استضعاف از دست استکبار قیام کرده و به جنگ و جهاد پرداخت. خداوند به صراحت در آیه ۷۵ نساء ضمن توبیخ مسلمانان می‌فرماید: **وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ**

مِنَ الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ  
الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا

کنون پس چرا در ره ذوالجلال      نسازید هرگز جهاد و قتال  
اگرچه که هستند جمعی اسیر      ز مرد و زن و کودکان صغیر  
که در مکه در چنگ کفار خوار      اسیرند و گویند ای کردگار  
رها ساز ما را از این قید و بند      ز شهری که مردان آن ظالمند  
کسی را به یاری ما کن گسیل      که این سان نمانیم خوار و ذلیل

**نمی‌توان در برابر استکبار و نظام سلطه سکوت کرد** و تنها رهایی خود  
را خواست بلکه واجب و تکلیفی شرعی و الهی است که به داد هر  
فریادری رسید و به او یاری کرد؛ چرا که عدالت جهانی برای همگان از  
هر نژاد و قوم و مذهب و آئینی از وظایف و تکالیف اسلامی است.  
(حدید ۲۵)

به هر حال، جنگ حق و باطل و عدالت و ظلم جنگ دایمی است و  
هیچ‌یک در این راه کوتاه نمی‌آید و صلح و صفایی میان آنان برقرار  
نخواهد شد، مگر از باب سیاست مقاومتی در گفتمان اسلامی؛ به این  
معنا که برای تقویت و تحکیم مواضع، عقب‌نشینی تاکتیکی انجام می‌گیرد  
ولی هم، این عقب‌نشینی موقت است و هم ماهیت تجاوزطلب دشمن

را برای همه برملا می‌کند. به تعبیر دیگر تنها برای یارگیری و تقویت برای حمله سهمگین‌تر عقب‌نشینی صورت می‌گیرد. پس پای هیچ پیمان و قرارداد دایمی را امضا نمی‌کند که حقوقش را سلب کند؛ بلکه تنها یک آتش‌بس موقت است **وَ مَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بُئْسَ الْمَصِيرُ**

**هرآن کس که در گیرودار نبرد انفال ۱۶ گریزان شد و بر غزا پشت کرد**

**بجز آنکه از آن گریزان شدن      نفس تازه سازه کند زنده تن**

**و یا اینکه خواهد به یاران خویش      بپیوندد و حمله سازند بیش**

**بگشتست با خشم حق روبروی      جهنم بر او هست مأوا و کوی**

**که بدتر از آن منزلی هیچ نیست      بود بدترین جای از بهر زیست**

**دولت اسلامی باید بگونه‌ای عمل کند که هر تهدیدی را به فرصت**

**تبدیل کند** به عنوان نمونه باید تحریم‌های اقتصادی را به عنوان یک

فرصت، شناسایی کرده و آن را برای تقویت اقتصاد مقاومتی به کار گیرد

تا جامعه به جای وابستگی اقتصادی به بیرون بر اقتصاد داخلی و مستقل

پا گیرد **قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ**

**أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ**

**إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ**

**اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ توبه ۲۴**

بگو ای پیمبر شما گر پدر      برادر، زن و خویش و قوم و پسر

چه مال التجاره چه مال گران      که دارید بیم از کسادی

آنچه آن خانه ها که بدان دل خوشید      شراب رضایت از آن درکشید

به دل دوست دارید بیش از خدا      ز پیغمبر و کارزار و غزا

کنون پس بمانید در انتظار      بیاید فرود امر پروردگار

که افراد بدکار را هیچگاه      هدایت نسازد یگانه اله

و در آیه ۲۸ توبه درباره آثار اقتصاد مقاومتی و امدادهای الهی به ملت

مقاوم اسلام می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا

يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بدانید ای مؤمنان بعد از این      پلیدست هر مشرکی در زمین

پس از این نباید گذارند گام      دگر مشرکان سوی بیت الحرام

گر از تنگدستی شما راست بیم      به فضل خودش کردگار کریم

شما را به لطفش کند بی نیاز      علیم و حکیم است یزدان ز راز

**فشار و تهدید تا پذیرش آیین استکباری** دو گفتمان اسلامی و استکباری

در دو جبهه حق و باطل و عدالت و ظلم، صف‌آرایی کرده‌اند. این دو

هرگز نمی‌توانند با هم کنار آیند؛ زیرا میانه و وسطی برای این دو گفتمان

نیست که بتواند به عنوان قدر مشترک مورد توافق قرار گیرد و دو گفتمان در سایه صلح و عدالت با هم کنار بیایند و همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند.

اگر سخن از صلح و دوستی و آرامش میان این دو گفتمان و نمادهای آن در جهان امروز می‌شود، تنها از باب فریب و خریدن زمان است. از این رو خداوند می‌فرماید هرگاه حق آمد باطل رفت. **وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا** (اسراء ۸۱)

**بگو خود رسولی ز حق آمدست که باطل از او گشته نابود و پست**

**چو باطل بُود راه ناراستی سزاوار محوست بی کاستی**

بر اساس فلسفه تاریخی که آموزه‌های قرآنی بیان کرده‌اند، نهایت جامعه انسانی به اینجا ختم می‌شود که عدالت جهانی در سایه حکومت صالحان ایجاد خواهد شد و زمین به ایشان به ارث می‌رسد.

**وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**  
(انبیاء ۱۰۵)

**خود از بعد تورات، اندر زبور بدادست وعده خدای غفور**

**که شایسته مردان دارای دین تصرف نمایند ملک زمین**

## بخش هفتم: عبرت های تاریخی و جنگ حق و باطل

آموزه های اسلامی بر محور و مدار چیزی سامان یافته است در آزمون و ابتلاء و امتحان الهی، حق پویان و باطل گرایان در برابر هم قرار می گیرند و به جنگ علیه یکدیگر می پردازند. از زمانی که ابلیس نماد ارشد جنیان در برابر خداوند قرار گرفت و در ساحت قدس الهی در ملأ اعلا، خلافت آدمی را نپذیرفت و خود را برتر از آدم دانست و استکبار و عصیان ورزید، شیطنت استکباری به عنوان نماد باطل رقم خورد.

خداوند در گزارش های تاریخی بر آن است تا وضعیت دو جبهه حق و باطل را تبیین کرده و توانایی و امکانات هر جبهه را روشن و معلوم دارد و رویه ها و افکار و اندیشه ها و رفتارهای هر یک را تحلیل و تبیین نماید و به فراخور و نیاز، توصیه هایی را به مومنان و اهل حق ارایه دهد.

از این رو آموزه های تاریخی قرآن حاوی اصول اساسی برای مواجهه با جبهه باطل است و عبرت های بسیاری را به مومنان ارایه می دهد تا از آن درس گرفته و زندگی خویش را به سامان رسانند و اجازه ندهند تا جبهه باطل چیره و پیروز شود.

**جنگ دائمی حق و باطل** براساس آموزه های قرآنی، جنگ میان و باطل یک جنگ دائمی و همیشگی است ابلیس در مقام شیطنت استکباری

خودش تا روز معلوم که گویی ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است باقی است و مشغول توطئه علیه جنیان و انسان ها می باشد تا آنان را به جرگه حزب شیطان درآورد و گمراه کرده و از حق دور سازد.

البته خداوند گزارش می کند که این جنگ با پیروزی حق علیه باطل در همین جهان به پایان خواهد رسید و انسان ها پس از کشته شدن ابلیس این شیطان مستکبر از جنگ بیرونی در امان خواهند بود مگر جنگ درونی (جهاد با نفس) که میان عقل و وحی از سویی و هواهای نفسانی از سوی دیگر خواهد بود. البته از آنجایی که دشمن بیرونی و وسوسه گر حذف شده است این جنگ دیگر چنان سخت و سفاکانه نخواهد بود و نوعی امنیت فراگیر و غالب بر جامعه بشری برقرار خواهد شد؛ ولی این به معنای پایان جنگ حق و باطل در درون نخواهد بود

**جنگ حق و باطل، عدالت و ظلم** فلسفه بعثت پیامبران را ایجاد آمادگی برای قیام عمومی مردم برای عدالت بیان می کند. توده های مردم با آشنایی با حقوق خود، خواهان حق خود شده و بخواهند در جامعه به دور از تفاوت های جنسیتی، مذهبی، قومی و نژادی و مانند آن، عدالت را برپا دارند و قسط را اجرا نمایند. بنابراین تضاد میان گفتمان اسلامی و استکباری شیطانی، تقابل در حوزه حق و باطل و عدالت و ظلم است



**قرآن کریم: تسلیم خواسته های یهود و نصارا نشوید!** برای دفاع از حق و رسیدن به حقوق خود و جامعه طبق دستور قرآن نباید کوتاه آمد و مرعوب دشمن شد چراکه او کوتاه نمی آید و اگر احساس کند که شما یک قدم به عقب رفته اید چند قدم به جلو خواهد آمد. هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، تا (بطور کامل، تسلیم خواسته هایشان شوی، و) از آئین (تحریف شده) آنها، پیروی کنی. (به آنها) بگو: هدایت الهی، تنها هدایت (واقعی) است.

و اگر از هوی و هوس های آنها پیروی کنی، بعد از آنکه (از دین کامل اسلام) آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوى خدا برایت نخواهد بود (بقره ۱۲۰) **وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ** این آیه در عین این که خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، خطاب به همه مسلمانان در طول تاریخ نیز هست که هرگز یهود و نصاری از شما راضی نخواهند شد، مگر آنکه تسلیم بی چون و چرای آنان شوید و از اصول و ارزشهای الهی کناره بگیرید. ولی شما باید با قاطعیت دست رد به سینه ی آنها بزنید و بدانید تنها راه سعادت، راه وحی است نه پیروی از تمایلات این و آن.

**توجه:** استکبار با دست کاری در ویروسی قصد داشته ۳ کشور بزرگ چین، روس و ایران را درگیر کرونا کند و مقدمات آخرالزمانی را مانع شود. لذا مردم ضعیف را از بین می برد و دنیا را سرگرم می کند و در پی اهداف شوم خود برای شگرد دیگری باشد.

### ناسازگاری قرآن کریم با استبداد

**مفهوم شناسی استبداد** رأی یا تصمیم خودسرانه یک فرد بدون در نظر گرفتن دیدگاه های دیگران. در قرآن کریم بیانگر خودکامگی اشخاص است. آموزه توحید و خداپرستی قرآن به هیچ وجه با استبداد و خودکامگی سازگار نیست بلکه در سراسر قرآن ناسازگاری با استبداد و خودسری مشاهده می شود:

۱. قرآن کریم هدف رسالت انبیاء را اقامه عدل معرفی و آنها را به حکم به حق دستور داده است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ؛ (حدید ۲۵)

فرستاد با معجزاتی عیان

رسولان خود را خدای جهان

که مردم گرایند یکسر به داد

کتابی عطا کرد و میزان نهاد

چنان که خداوند پس از آنکه به حضرت داوود (علیه السلام) حکومت داد حکم نمودن به حق را وظیفه او قرار داد يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ۖ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ (ص ۲۶)

تو داود این را بدان که خدا      خلیفه نمودست اینک تو را  
 که روی زمین حکم رانی به داد      چو در بین مردم نزاعی فتاد  
 نیوئی بدنبال نفس و هوی      که دورت نماید ز راه خدا

۲. قرآن کریم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را نیز به شور و مشورت با مسلمین  
 فرا خوانده تا مردم را در امور حکومتی داخل گرداند و از محصولات  
 فکری و تجربی همه شهروندان بهره ببرد وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ آل عمران ۱۵۹  
 وَ أَمْرُهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ (شوری ۳۸)

بکن مشورت در امور همچنین      به یزدان توکل کن و پیش از این  
 در اعمال خود در همه مرتبت      نمایند با یکدیگر مشورت

۳. خداوند مؤمنین را از هرگونه ذلت و خواری و تعظیم در برابر غیرخدا  
 بر حذر داشته است. در فرهنگ غنی قرآن عزت متعلق به خدا و رسول  
 و مؤمنان است: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون ۸)

عزت بود خاص پیغمبر و مؤمنین      که گشتند مؤمن به اسلام و دین  
 و هیچ کافری بر هیچ مؤمنی ولایت و تقدم ندارد: وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ  
 لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء ۱۴۱)

که در هیچ هنگامه و هیچگاه      نکرده رهی باز یکتا اله  
 که تا چیره گردند کفار دین      بر افراد مؤمن به روی زمین

خداوند بلند مرتبگی و آزادی و حریت را برای انسان می خواهد و هیچ عبودیت و ذلتی را در برابر مستکبران و زیاده خواهان نمی پذیرد نساء ۷۹

۴. قرآن اطاعت و ولایت را از آن خداوند و اولیای الهی می داند أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء ۵۹)

پس ای مؤمنان با رضا و قبول اطاعت کنید از خدا و رسول

همین گونه با رغبت و با رضا اطاعت نمایید اولی الامر را

۵. از دیدگاه قرآن کریم هیچ کس را بر دیگری برتری نیست و همه در خلقت و انسانیت مساوی هستند یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات ۱۳)

الا مردمان از یکی مرد و زن خدا خلقتان کرد بی شك و ظن

پس آنگاه بر شعبه ها و فرق پراکنده گشتید از سوی حق

که هم را شناسید اندر حیات نمائید بر کار هم التفات

همانا گرامی ترین شما فقط متقین اند نزد خدا

که بسیار داناست پروردگار خیرست و آگاه باشد ز کار

۶. در فرهنگ متعالی قرآن ظلم کردن و ظلم پذیری مذموم می باشد و

به پرهیز از هر دو فرمان داده. لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ (بقره ۲۷۹)

## کسی را نراندید هرگز ستم ستم نیز از کس ندیدید هم

۷. نقش پیامبران در مبارزه با استبداد و اختناق و درگیری با مظاهر طغیان، از اساسی ترین نقش ها است. قرآن کریم استبداد و طاغوت را از بزرگترین موانع در راه هدایت و سعادت انسان معرفی نموده و ازمقابله و برخورد انبیاء عظام با آن گزارش داده است

قرآن بر این نقش پیامبران تأکید فراوان دارد. مأموریت مهم و خطیر همه پیامبران الهی درافتادن و مبارزه با طواغیت زمان خود بوده است. ابراهیم (علیه السلام) با نمرود، موسی (علیه السلام) با فرعون، داوود (علیه السلام) با جالوت، و...

## روش های مقابله با استبداد در قرآن و دیدگاه امام خمینی

۱. آگاهی بخشی عمومی امروزه نقش افکار عمومی در تصمیم گیری دولت مردان و ایجاد یا گسترش جنبش های اجتماعی و سیاسی مهم و اساسی است

هر اندازه که آگاهی سیاسی در جامعه بالاتر باشد قدرت و عزت بیشتری برای اهل آن جامعه به همراه می آورد. قرآن به عنصر هدایت گری و بیداری مردم توجه ویژه ای نموده؛ اَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل ۱۲۵)

به برهان و حکمت به پند و سخن بخوان بندگان را به آیین من

به نیکوترین سبک و راه و نسق      بکن بحث و گفتار در باب حق

همچنین قرآن کریم موسی (علیه السلام) را به سلاح «کتاب» مجهز نمود تا سبب هدایت جامعه گردد وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (سجده ۲۳)

به موسی نمودیم تورات عطا      مکن شک که او بود پیکی ز ما

بدادیم او را مسبب قرار      که قوم یهودان کند رستگار

۲. امر به معروف و نهی از منکر مستبدین برای اصلاح فرد و جامعه، مؤمنان و مصلحان موظف به تلاش برای رفع موانع هدایت اند؛ وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۰۴)

ز بین شما مردم اهل دین      کسانی که هستند داناترین

سزد مردمان را همی بر صلاح      نمایند دعوت به خیر و فلاح

کنند امر بر کار نیک و دگر      بدارند از کار بد برحذر

همانا که این مردمان مفلحند      که این گونه اندر جهان مصلحند

حضرت علی (علیه السلام): امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که اشرار شما بر شما حاکم خواهند شد که آنگاه دعا کنید و از شما پذیرفته نگردد.

امر به معروف و نهی از منکر هم مانع شکل‌گیری استبداد است و هم روشی برای اصلاح استبداد.

**حضرت موسی (علیه السلام) نیز با حفظ مراتب و شگردهای لازم به سوی**

**فرعون رفت** و با زبانی گشاده و بیانی قابل فهم او را به سوی رستگاری

دعوت نمود و سپس به اقامه برهان و دلیل منطقی پرداخت **إِذْهَبَا إِلَى**

**فِرْعَوْنَ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى** (طه ۴۳-۴۴)

روید این زمان سوی فرعون پست که او بر ره کفر و طغیان زدست

نمایید با او به نرمی خطاب امیدست بیدار گردد ز خواب

پذیرد مگر پند پروردگار بود آنکه ترسد خود از کردگار

پس از آنکه فرعون و همراهانش قانع نشدند معجزات الهی خود را

آشکار ساخت.

**۳. جهاد** اگر افراد و گروه‌های مفسد در جامعه، به دلیل منافع نامشروع

خویش، حاضر به دست برداشتن از اقدامات فسادانگیز خود نباشند و

مرتباً فساد را گسترش دهند و علاوه بر خود، مسیر جامعه انسانی را دچار

اختلال کنند؛ این جا است که راه اصلاح جامعه منوط به حذف این

موانع فساد با برخوردهای عملی و قهرآمیز می‌گردد.

آیات قرآن کریم به صراحت از ضرورت به کارگیری این روش در اصلاح

استبداد و مفساد تأکید دارد دستور به مقاتله با سران استبداد و کفر در همین راستا صادر شده **وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ** توبه ۱۲

هرآنکه که سوگند را بشکنند به آئینتان نیز طعنه زنند

در این حال با کافران بلاد بیائید در جنگ و اندر جهاد

که سوگندشان نیستی استوار نباشند بر عهد خود پایدار

امیدست از ترس شمشیرزن بگردند نادم ز طعنه زدن

**دستور جهاد با کفار و منافقان** که در صدد تخریب پایه های ایمانی و عقیدتی صحیح در جامعه اند و با حکومت دینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) درگیر می شوند. **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ** توبه ۷۳

تو با کافران و دوریان خوار بکن ای پیمبر کنون کارزار

بر آن قوم جاهل کنون سخت گیر مدارا مکن بیش از این ای بشیر

**۴. تهاجمی بودن** یکی دیگر از شاخصه های قابل توجه در گفتمان

استکبارستیزی، تهاجمی بودن آن است. برای مقابله با استکبار جهانی

باید طرح ریزی کرد و همه راه ها و ایده ها را مورد بررسی قرار داد. شیوه

مبارزه انفعالی و آرایش دفاعی در برابر استکبار نه تنها مناسب نیست



(روشی که دولت فعلی پیش گرفته)، بلکه اندیشه ای که نابودی استکبار را در سر می پروراند، حتما نیازمند اتخاذ استراتژی تهاجمی است.

با همین نگاه **حضرت امام(ره)** از شکل گیری هسته مقاومت در جهان چنین سخن می گوید: بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد.

**امام خمینی (ره)** : برانداختن طاغوت، یعنی قدرت های سیاسی ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است، وظیفه همه ماست... خداوند متعال در قرآن اطاعت از طاغوت و قدرت های سیاسی را نهی فرموده است؛... و موسی را به قیام علیه سلاطین وا داشته است.

**امام خمینی(ره)** نیز با همین شگرد سیاسی وارد عرصه اصلاح استبداد و طاغوت شد و فرمود: باید توجه کنید وظیفه دینی ما اقتضا می کند که در قدم اول با زبان ملایم، با زبان پند و اندرز با افراد مواجه شویم، خواه شاه باشد یا شبان .

وظیفه علما در قدم اول ارشاد است و در این وظیفه نباید میان انسان ها، از نظر مقام، موقعیت و منصب فرق بگذارند... اما وقتی تنبه پذیر نیست احساس تکلیف کردم که در برابر او شاه بایستم.

### اصول محوری در مبارزه با استبداد

۱. **ایمان و توکل** حضرت موسی (علیه السلام) قوم خود را در راه مبارزه و ایستادگی در برابر استبداد فرعون در ضمن ایمان و اسلام به توکل بر خدا فرامی خواند و به آنها می فرماید **وَ قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ** (یونس ۸۴)

چنین گفت موسی به یاران خود      به قومی که فرعون آزرده بُد

اگر مؤمنانید بر راستی      اگر مُسْلِمانید بی کاستی

توکل نمایید بر کردگار      بجوید یاری ز پروردگار

یعنی علاوه بر ایمان حقیقی و تسلیم در برابر اوامر الهی، توکل بر خداوند از لوازم اصلی برای مبارزه با استبداد و طاغوت است. انسان مؤمن می داند که همه امور به دست خداوند متعال است و او سبب حقیقی و مدبر امور است و باید کار خود را تسلیم خدا کند و از اعتماد بر ظاهر اسباب اجتناب ورزد و همه کارش را به خدا ارجاع دهد و بر او توکل نماید.

۲. **استقامت و صبر** قرآن کریم به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ (احقاف-۳۵)

تو هم ای پیامبر صبوری نما      چو دیگر اولی العزمها بر سزا

تو تعجیل هرگز مساز و شتاب      که قوم ترا زود آید عذاب

صبر پیشه کن چنانکه پیامبران اولوالعزم (پیش از تو) صبر کردند  
همچنین ثبات قدم و استواری در راه را برای رسیدن به پیروزی در صبر و  
سعه صدر معرفی می کند: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا  
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره-۲۵۰)

بگفتند پروردگارا به ما      صبوری و طاقت عنایت نما

نگه دار خود عزم ما استوار      که مغلوب سازیم کفارِ خوار

از این رو حضرت موسی (علیه السلام) در برابر استبداد از خداوند سعه صدر  
طلب می نماید و همراهان خویش را به استقامت و صبر فرا می خواند.

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ  
مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف-۱۲۸)

به قومش چنین گفت موسای راد      بخواهید یاری ز رب معاد

صبوری نمائید کاری سزااست      که خاک زمین جمله ملك خداست

کند وارث سرزمین و بلاد      کسی را که خواهد ز خیل عباد

سرانجام هم نصرت پایدار      بود خاص مردان پرهیزکار

امام خمینی (ره) مبارزان استبداد را به تاسی از سیره انبیا (علیهم السلام) این گونه توصیه می کند: هرکس قیام کرد برای اقامه عدل سیلی خورد. ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) چون قیام کرد برای عدالت، سیلی خورد و او را به آتش انداختند، از صدر عالم تا حالا تاوان این چیزهایی که برای عدالت، برای حکومت عدل بوده است، این تاوان را پرداخته اند و باید هم پردازند و هروقت به یک نحو... (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۴۰)

**۳. کسب توانایی های لازم** قرآن : پس از آنکه موسی (علیه السلام) به مقام

نبوت رسید خداوند به او فرمود: **إِذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ**

کنون سوی فرعون می شو روان      که او سخت طغیان نموده گران

موسی (علیه السلام) از چنین مأموریت سنگینی شانه خالی نکرد **إِذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي وَ لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي** (اکنون) تو و برادرت با (معجزات و) آیاتی که من به شما داده‌ام بروید و دریاد (و رسالت) من سستی نکنید (طه ۴۲)

کنون با همه معجزاتی که هست      کز ایزد بیامد شما را بدست

تو و آن برادر کنون می روید      مبادا که غافل زیادم شوید

و توانایی‌ها و وسائل لازم برای پیروزی در این مأموریت را از خداوند تعال  
 چنین درخواست نمود : **قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي** (موسی) گفت:  
 پروردگارا! (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برایم  
 گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفز) **وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي** و کارم را برایم  
 آسان فرما **وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي** و گره از زبانم باز نما **يَفْقَهُوا قَوْلِي** تا  
 (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند و وزیری از خاندانم برای من قرار بده؛  
 برادرم هارون را به وسیله او پشتم را محکم کن و او را در کار من شریک  
 گردان. تا تو را بسیار تسبیح گوئیم؛ و تو را بسیار یاد کنیم؛ چراکه تو  
 همیشه از حال ما آگاه بوده ای (طه ۲۵ تا ۳۵)

چنین گفت موسی به یکتا خدا      خدایا بکن صبر بر من عطا

بکن سهل کار مرا و روان      تو بگشای عقده مرا از زبان

که دانند مردم سخنهای من      پذیرند از من چو گویم سخن

یکی مرد از اهل بیتم، دلیر      مقرر بفرما برایم وزیر

کنون این برادر که هارون بود      چه نیکوست گر خود وزیرم شود

از این درخواست روشن می شود برای مقابله با استبداد به امکانات و  
 وسایل ویژه ای نیاز است که بدون آن‌ها نمی توان اقدام نمود.

**۴. اعتماد به نفس و راه ندادن ترس و ضعف** یکی از اصول پایه ای و

شرایط لازم برای جهاد و قیام علیه استبداد و طاغوت اعتماد به نفس و

راه ندادن ترس و ضعف در خود است. درحقیقت آن چیزی که ستمگران و زورمندان را نسبت به ناتوانان و افراد جامعه جری می کند، همان ضعف و ناتوانی و عدم اعتماد به نفس افراد جامعه است.

بنابراین مؤمنین و یاوران موسی (علیه السلام) پس از آنکه توکل کردند و از خداوند درخواست نمودند که نتیجه ضعف را که همان فتنه است و باعث ذلت آنها می شود از ایشان سلب کند **فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** (یونس ۸۵)

**بگفتند قومش که از این سپس به یزدان توکل نماییم و بس**

**خدایا تو از فتنه ظالمان نگه دار ما را به دور زمان**

و همچنین خداوند متعال به مادر موسی (علیه السلام) امر فرمود که کودک خود را به دریا افکن و دیگر ترس و ناراحتی به خود راه مده و **أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي** (قصص ۷) زیرا امور زمین و آسمان در دست قادر متعال است.

**چو بر مادر موسی آمد ندا بر او وحی فرمود یکتا خدا**

**کنون ده به طفلت تو از شیر خویش و گر هم گزندی بیامد به پیش**

**تو خود کودکت را به دریا فکن دگر وحشت و ترس از دل بکن**

۵. **تلاش و کوشش جهت تغییر سرنوشت** از دیدگاه قرآن کریم وقتی به ملت و جامعه ای خیر یا شری می رسد که افراد آن جامعه خود خواهان آن نعمت و سعادت یا شر و ضلالت باشند **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد ۱۱)

خداوند احوال هیچ امتی دگرگون نخواهد کند مدتی

مگر اینکه آن قوم احوال خویش بخواهد دگرگون نماید ز پیش

خدا حال هیچ قومی را تغییر نخواهد داد تا زمانی خود آن قوم حالشان را تغییر دهند یعنی خدا هیچ نعمت و سعادت را از هیچ ملت و جامعه ای نمی ستاند مگر آنکه آنان در حفظ و حراست آن کوتاهی کنند

و همچنین هیچ مصیبت و مشکلی را بدون تلاش و کوشش همان قوم مرتفع نمی سازد. **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** این (عذاب) از آن جهت است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند، و خدا شنوا و داناست. (انفال ۵۳)

چو نعمت به قومی نماید عطا نه آن را دگرگون نماید خدا

مگر آنکه آن قوم احوال خود دگرگون نمایند از آنچه بُد

همانا سمیع است پروردگار علیم است همواره آن کردگار

ذکر این آیه در خلال جریان فرعون و قیام موسی علیه او حاوی این نکته مهم است که تسلط استبداد و طاغوت بر سرنوشت یک کشور و ملت، نتیجه اعمال و رفتار خود آن جامعه است و دفع آن نیز مستلزم تلاش همان جامعه است تا به صلاح و رستگاری برسند.

**۶. هجرت** و در نهایت اگر برای افراد جامعه، نافرمانی و قیام علیه طاغوت میسر نشد، آن ها مأمور به هجرت و ترک دیار کفر هستند و نباید به دلیل اینکه طاغوت حاکم است تن به ذلت دهند؛ بلکه باید با هجرت خویش نوعی مبارزه سلبی داشته باشد که مسیر زندگی و سرنوشت آنها تحت حکومت باطل به سقوط کشیده نشود (نساء ۹۷)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

از آن ظالمی کاو به وقت ممات	به حال ستم ترك گوید حیات
ملائک پیرسند خود از شما	چه کردید آیا به دار الفنا
پس آنگاه آن ظالمان در جواب	چنین می گشایند لب بر خطاب
که بودیم ما ناتوان و فقیر	به چنگال ظلم پلیدان اسیر
ملائک گشایند آنگه زبان	فراخی ندیدید در این جهان ؟



نه آیا زمین خدای بشر همه داشت وسعت ز پهنا و بر؟  
(که هجرت گزینید از آن بلاد؟ به جایی که در آن نباشد فساد)

بر ایشان جهنم بود جایگاه که بد جایگاهیست آن پایگاه

میگویند: ما در این سرزمین تحت سیطره کفر و شرک ناتوان شمرده شده بودیم. فرشتگان می گویند: مگر زمین خدا گسترده نبود که در آن هجرت کنید و به سرزمینی بروید که بتوانید دین خود را نگه دارید؟ از این رو آنان جایگاهشان دوزخ است و آن بدبازگشتگاهی است. کسانی که با پشت سرافکندن معارف الهی و احکام دین بر خود ستم کرده اند، هنگامی که فرشتگان جانیشان را می گیرند به آنان می گویند: در چه حال بودید؟ چرا به دین الهی پای بند نبودید؟

**سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) کرامت انسانی همانند سیره ی انبیاء**

سیره ائمه اطهار سراسر نفی و طرد اقدامات ناجوانمردانه و نهی عملیات تروریستی بوده است. در اسلام و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) کرامت انسان، ارزش های الهی و اخلاقی، ارزشمندتر از کسب پیروزی از طریق استفاده از وسایل نامشروع است.

در اسلام و تعالیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و در سیره حضرت علی (علیه السلام) هر کس عادل تر است، قدرتمندتر است. به عبارت دیگر عدالت،

صداقت و حق پذیری و حق باوری منبع اقتدار و قدرت است، اما در منطق استکبار و رهبران آمریکا و رژیم صهیونیستی حق از آن کسی است که قدرت بیشتری دارد.

این دو نگرش نشان دهنده فاصله میان دو بعد حیوانی و الهی انسان است. این منطق در مسیر تکاملی خود به **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** ختم می شود، زیرا تفرعن و فرعونیت یک مکتب است که نقطه شروع ورود به این مکتب دستیابی به قدرت بدون تزکیه است. مشکل تروریسم کل بشریت را تهدید می کند و برای حل ریشه ای این مشکل می بایست منطق را به جای زور و عدالت را به جای ظلم و مساوات را به جای تبعیض حاکم کرد و از سوء استفاده های ابزاری در مبارزه با تروریسم ممانعت کرد.

قدرت های سلطه گر و استکبار جهانی با تحریف مفهوم تروریسم از جوامع بشری و کشورهای غیرصنعتی می خواهند که رهبری طاغوت به جهان را بپذیرند حال آنکه اسلام، سکوت در برابر ظلم و ستم ستمگران و راضی شدن به زندگی تحت حاکمیت طاغوت را به شدت نفی و طرد کرده است. **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ** اصحاب النار هم فيها خالدون (بقره ۲۵۷ حج ۳۸-۳۹)

**خداوند با مؤمنین است یار بود یاور مؤمنان کردگار**

کند مؤمنان را ز ظلمت برون      سوی روشنائی شود رهنمون  
 کسانی که گشتند کافر به دین      بود دیو و شیطانشان همنشین  
 که خارج نماید کسان را ز نور      دراندازد ایشان به ظلمات دور  
 از اصحاب نارند ایشان تمام      بسوزند در آتش آن مدام

امروزه رشد اسلام در جامعه آمریکا تهدیدی جدی برای سردمداران نظام سرمایه داری است. تلاش های وسیع و سرمایه گذاری های کلان رهبران آمریکا از طریق مافیای امپریالیسم خبری برای ارائه چهره ای زشت و خشن از اسلام و مسلمانان، به منظور مقابله با گرایش به اسلام در جامعه آمریکا صورت می گیرد. انتساب عملیات تروریستی به مسلمانان برای مترادف ساختن نام اسلام با تروریسم صورت می پذیرد. بنابراین مقابله با رشد اسلام در جامعه آمریکا از طریق ارائه چهره خشن از اسلام در افکار عمومی و مترادف ساختن آن با تروریسم یکی از اهداف فرافکنی با نشانه گرفتن انگشت اتهام بسوی مسلمانان است.

استعمارگران با تمسک به رویکرد نظامی و با ارباب، تهدید و تابع سازی حکومت ها به دنبال کنترل نهضت های مردمی و جلوگیری از ظهور انقلاب های مردمی هستند، زیرا بقای نظام سلطه با استمرار استعمار ملت ها پیوندی ناگسستنی دارد.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم در آیات مختلف به تبیین روش های سلطه طاغوت های مستکبر و فرعون ها در تمام اعصار تاریخ پرداخته است. روشی که طی دو دهه گذشته از سوی استکبار جهانی به رهبری آمریکا و صهیونیسم علیه مسلمانان و جهان اسلام بکار گرفته شده،

در آیات مختلف از جمله آیه ۴ سوره قصص افشا شده است. آنجا که می فرماید إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

همانا که فرعون با دست زور همی کرد گردنکشی و غرور

میان خلائق فکند اختلاف بیوید بر راه ظلم و خلاف

یکی قوم نامش بنی اسریل بگرداند خوار و ضعیف و ذلیل

پسرهایشان را همی زد به تیغ از این کار هرگز نبودش دریغ

زنان را در آن قوم زنده گذاشت که فاسد بُد و طبع بدکار داشت

### هتک حرمت شیوه ی استکبار و سابقه تاریخی آن

اهانت به ساحت مقدس انبیاء الهی ریشه ای تاریخی دارد. چنانکه با مرور اجمالی بر احوالات انبیاء الهی در می یابیم که همه آنها مورد اهانت و هتک حرمت واقع شده اند. وقتی کفار خود را از مقابله با ایشان ناتوان می دیدند دست به تخریب شخصیت ایشان می زدند و نسبتهای ناروایی

را به ایشان می دادند تا جایی که می گفتند که این فرستادگان الهی ساحر و مجنون هستند

قرآن کریم: **كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ** (ذاریات ۵۲)

همین سان که حرف ترا ای رسول نکردند کفار مشرک قبول  
همین گونه هم نیز اندر عمل رسولی نیامد به دیگر ملل  
مگر آنکه گفتند قوم زبون که او ساحرست و دچار جنون

**۱- سوره کوثر** هنگامی که عبدالله بن محمد (صلی الله علیه و آله) که از خدیجه بود از دنیا رفت. (پدر عمرو عاص) پیامبر اکرم را به ابتر لقب داد. پاسخ این اهانت به ساحت مقدس نبوی را قرآن کریم به زیبایی بیان می دارد و به صورتی اعجازگونه می فرماید: **إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ** چنان که می بینیم در این گونه اهانت‌های لفظی خداوند خود عهده دار پاسخگویی می شود و جواب دشمنان را می دهد. ناگفته نماند که این وعده یک اعجاز است که اکنون مشاهده می شود وعده خدا عملی شده، اسلام گسترش پیدا کرده و نسل آن حضرت از فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همه جا را پر کرده است

**۲- سوره همزه** در شأن نزول این سوره مبارکه آمده است که این سوره درباره برخی سران قریش نازل شده است که به عیب جویی از پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان می پرداختند. در این سوره به صراحت بیان می گردد

که آتش عذاب برای عیب جوینان ابتدا در دل‌های ایشان افکنده می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم این سوره تنبیه و توبیخ عیب جوینان است و عبارت همزه لمزه اشاره به این موضوع دارد.

**۳- سوره حجرات** در آیات سوره حجرات ادب حضور در محضر نبوی به مسلمانان یادآوری می‌شود و آنان را از هرگونه بی‌احترامی برحذر می‌دارد. در مورد شأن نزول آیه دوم از سوره حجرات گفته اند که: گروهی از طایفه بنی تمیم و اشراف آنها وارد مدینه شدند هنگامی که داخل مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) شدند صدا را بلند کرده و از پشت حجره‌هایی که منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود فریاد زدند: **یا محمد اخرج الینا!** این سر و صدا و تعبیرات غیر مؤدبانانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ناراحت کرد. تقدم نیافتن بر خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دوم در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سر و صدا و قال و غوغا راه نینداختن و عدم رعایت ادب در حضور نبی اکرم را از علل حبط اعمال بر می‌شمارد یعنی رعایت ادب در برابر ساحت مقدس نبوی آن قدر مهم است که هرگونه بی‌احترامی باعث حبط اعمال می‌گردد.

و در مقابل نیز بیان می‌دارد که آنهایی که ادب را در محضر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) رعایت می‌کنند خداوند قلوبشان را برای تقوا خالص و گسترده ساخته و برای آنها آمرزش و پاداش عظیمی را فراهم ساخته است.

## تأثیر هتک حرمت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اذهان عمومی

استکبار و دنیای غرب برای استحکام بخشیدن به جایگاه صهیونیست در جهان نیاز به تخریب چهره واقعی اسلام دارد لذا از هر وسیله ای برای تخریب استفاده می کند اما در میان آنچه مهم است اینکه این اهانت ها و تخریبها هیچ گونه اثر سوئی در اذهان عمومی نداشته است بلکه مردم را به سوی اسلام بیشتر تشویق و ترغیب نموده است چنان که در سال گذشته قرآن کریم پرفروش ترین کتاب سال فرانسه بوده است

## هتک حرمت ها با هر نیت پلیدی باشد به فرجام خود نرسید

این پروژه باعث چشمگیرترین نمایش وحدت مسلمانان در سراسر جهان بود. حتی مسلمانان کشورهایی با حکومتهای سکولار و لائیک نیز نشان دادند که این وحدت عمیق در پاسداشت حرمت مقدسات از عمق جان برمی خیزد. این وحدت نه فقط وحدتی اسلامی که وحدتی توحیدی بود. اینکه اهانت به پیامبر اکرم در اذهان عمومی هیچ تأثیری نداشته و نخواهد

داشت وعده ای است الهی **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**

## چو قرآن خود را فرستاد حق حفاظت نماید خودش ز آن ورق

به پیامبرش وعده می دهد که ما تو را در مقابل مسخره کنندگان کفایت خواهیم کرد. قرآن کریم خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ** و به راستی آیا عدم تاثیرگذاری بر اذهان عمومی

مردم جهان کفایت الهی نیست؟!

**ترا دور داریم از هرگزند      چو خواهند بر تو تمسخر کنند**

آنها که در این میان کم آوردند و از قافله ملت جاماندند و شعار لا طاقه لنا الیوم (امروز قدرت مواجهه نداریم) سر دادند، همان رجال و محافل سیاسی بودند که پیش از این در آزمون های گوناگون لغزیده بودند.

و آنها که به لوازم آزمون های الهی پایبند نباشند و از حرمت ها عبور کنند، چگونه می توانند مؤمنانه اعلام کنند، چه بسیار گروه های کوچکی که به اذن خدا بر گروه های عظیمی پیروز شدند **كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَرَبُّنَا أَعْرَضَ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؟!**

**چه بسیار بوده که اندک قشون      به یاری حق بر سپاهی فزون**

**بگشتند پیروز در کارزار      خداوند با صابران است یار**

اطاعت، مقدمه مقاومت و پایداری است و عبور از حدود الهی آدمی را به کجی و انحراف و گمراهی میکشاند (بقره) قرآن کریم در ماجرای خالی کردن میدان جنگ احد از سوی گروهی از مسلمانان، خبر از سنتی الهی می دهد. **إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا (آل عمران ۱۵۵)**



کسانی که بر جنگ کردند پشت      بگشتند مغلوب ریز و درشت  
 به لغزش درافکند شیطانان      شکستند آن عهد و پیمانان  
 گذشت از گناهانشان کردگار      غفور و رحیم است پروردگار

کسانی از شما که در روز برخورد دو گروه (مسلمان و کافر در جنگ احد) پشت کردند و فراری شدند شیطان آنها را به سبب نافرمانی و بدکرداریشان به لغزش افکند، جز این نبود که شیطان پای آنها را به خاطر برخی از رفتارهای گذشته شان لغزاند و نتوانستند پایداری کنند به تعبیر مقتدای حکیم انقلاب عمل بد، به عدم استقامت در میدان منتهی می شود. عمل بد به تغییر باورها منتهی می شود ...

### استکبار خواهان اسلام آمریکایی سرمایه‌داری، همانند شیوخ منطقه

حضرت امام (رضوان الله) اسلام آمریکایی را چگونه معرفی می کردند؟ اسلام منافقین، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان، اسلام مرفهین بی درد. و در یک کلمه، **اسلام آمریکایی**. اما آن روزها عملکرد برخی روشنفکران، لیبرال‌ها، ساکت‌ها و حتی برخی از روحانیون مرتجع که به سمت غرب گرایش داشتند، سبب شدند تا حضرت امام (ره) بیایند و در دهه آخر عمرشان این مباحث را بر زبان شریفشان جاری کنند.

اما اینکه آیا الآن هم این زمینه وجود دارد یا خیر، بله! این نکته اتفاقاً بسیار مهم است و باید گفت الان هم همان افراد وجود دارند. البته لیبرال‌ها با حنای کم‌رنگ‌تر ولی روشنفکران غربزده به دنبال همان مسائل هستند.

در نگاه حضرت امام(ره) مسئله دیگری که بسیار مهم و مورد توجه بود اینکه اجرای اسلام ناب راه طولانی در پیش دارد. درد آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته‌اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند. امام(ره) نسبت به پیچیدگی مبارزه با اسلام آمریکایی هشدار دادند راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد. که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است.

**اسلام آمریکایی معتقد است** هم می‌توان داعیه دینداری داشت و هم با سناتورهای کاخ سفید دور یک میز نشست؛ می‌توان حج ابراهیمی بجا آورد و در قبال فاجعه انسانی در غزه تنها نقش یک تماشاگر را برعهده داشت. و جالب است کسانی که تا دیروز بهانه می‌آوردند این گفتمان ما

را در جهان منزوی کرده و منافع ملی ما را به خطر انداخته و باعث عقب ماندگی ما شده است.

با چشمانی باز باید نظاره گر حرکت بیداری دنیای اسلام در مقابل دیکتاتورهای آمریکایی باشند زیرا بهترین گواه بر آن است که سیاست‌های اسلام آمریکایی در منطقه خاورمیانه با شکست مواجه شده و با نه بزرگی از سوی مسلمانان منطقه که افتخارشان مقلدی امام خمینی (ره) است مواجه شده است.

**کم کاری های جهان اسلام در مقابل بی احترامی های دشمن :** از جمله مسائلی که قرآن به آن اهمیت خاص می دهد وظیفه جامعه اسلامی در برابر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است برخی از این وظایف مربوط به صدر اسلام و در زمان حضور نبی مکرم اسلام است و برخی نیز شامل همه افراد و در همه زمانها می شود.

۱- اطاعت از پیامبر: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**  
اطاعت از فرامین نبوی اطاعت از امر الهی است.

۲- احترام به پیامبر: **قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ**

اطاعت نمایند از دین من      نیوشید پیوسته از من سخن  
مگر دوست گیرد شما را خدا      ببخشاید آن کارهای خطا

تکریم بزرگان و ارج نهادن شخصیت های الهی با اعتقاد به عبودیت و بندگی آنها، تعظیم خداوند سبحان است هرگونه بی احترامی به ساحت مقدس بزرگان الهی، علی الخصوص نبی مکرم اسلام، نعوذ بالله بی احترامی به سات مقدس ربوبی است. به طو کلی آیاتی که در خصوص احترام به پیامبر بحث می کنند دو دسته هستند (آل عمران ۳۱)

۳- ممنوعیت و حرام بودن مجادله و مناقشه با حضرت **يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ** مقصود از آن همان مرء و تعصب بر باطل می باشد در آن حکم کان هست از کردگار **اگرچه بود روشن و آشکار** نمایند با تو همیشه جدل **عنادی بورزند اندر عمل**

۴- ایذاء و آزار پیامبر حرام است **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا** احزاب ۵۷

هرآن کس که آزرده رب ودود **رسول خدا را اذیت نمود**  
 به دنیا و عقبی به هر دو سرا **فرستاد لعنت بر ایشان خدا**  
 بر آنها مهیاست روز حساب **به خواری و ذلت عذاب و عقاب**  
 البته شایان ذکر است که در دین اسلام آزار مسلمانان به هیچ عنوان جایز نیست. ناراحتی های روحی که برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درست می کردند، اتهاماتی که به حضرتش می زدند و بسیاری دیگر از موارد در حیطه آزار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار می گیرد که قرآن کریم آنها را بیان می کند. اهانت های امروز جاهلان نسبت به پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) نوعی آزار و

ایذاء به شمار می رود و حرام است و مسلمانان موظف اند که در قبال این گونه حرکات واکنش مناسبی نشان دهند.

۵- درود بر پیامبر **إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا** احزاب ۵۶ صلوات از وظایف قطعی که بر عهده مسلمانان می باشد و کم کاری در این زمینه گناهی نابخشودنی است.

**خدا و ملکهای او بس سلام بر احمد (ص) فرستند هر صبح و شام**

**شما نیز ای مؤمنان به رب درودش فرستید هر صبح و شب**

**به تعظیم گوئید بر او سلام سلامش نمایید با احترام**

۶- خیانت بر پیامبر اکیدا حرام است **لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ** (انفال ۲۷) خیانت بر مردم هم حرام است

**الا مؤمنان با رسول و خدا خیانت نورزید هرگز شما**

**میان امانت، خیانت خطاست بدانید، پرهیز از آن سزاست**

وظیفه هر مسلمان آنست که در برابر خیانت به نبی مکرم اسلام واکنش نشان دهد

در خصوص وظایف ذکر شده همه مسلمانان موظف به انجام فرامین الهی هستند. کم کاری های جامعه اسلامی خودمان نیز متأسفانه قابل

بررسی است که چرا به نسلهای امروزی شناخت جامعی از پیامبر (صلی الله علیه

وآله) نداده ایم. آیا در برابر انواع هتک حرمتها کاری شایسته و قابل عرضه

به دنیای امروز ارائه کردیم؟ آیا کتابی در حد جهانی نوشته ایم؟ آیا فیلمی دنیا پسند ساخته ایم تا در آن واقعیت‌های دین اسلام را به تصویر بکشیم؟

**نتیجه گیری :** اعطای نشان عالی پیامبر اعظم یا نشان رحمت للعالمین به عنوان نشان درجه ۱ جهان اسلام در سطح جهان می تواند راهبردی جدی از سوی جهان اسلام در معرفی پیامبر عظیم الشان اسلام بویژه معرفی جنبه های رحمانی آن حضرت در تقابل با اقدامات غرب و سلفی های تکفیری باشد و زمینه ساز همگرایی عملی در جهان اسلام تلقی گردد.

جهت احیای نام نبی مکرم حضرت محمد در صیانت از آن حضرت در قبال اهانت های انجام شده می باشد .

### **علل استهزاء مقدسات دین اسلام، توسط استکبار**

- برای شکستن ابهت پیامبران و متفرق ساختن افراد حق جو و حق طلب از گرد آنان.
- برای ضعف و ناتوانی شان در مقابل منطق نیرومند رسولان الهی، چون نمی توانستند پاسخی به دلایل دندان شکن آنان بدهند.
- برای اینکه دین اسلام سنت شکن بوده و با وضع نابسامان محیط به مبارزه بر می خیزد، اما جاهلان متعصب که قدرت و سنت های غلط خود را جاودانی و ابدی می پندارند.
- برای اینکه بسیاری از پیامبران و پیروان آنها زندگی شان بسیار ساده بوده

و هست، آنها که شخصیت را بر اثر کوردلی در ثروت و زندگانی مجلل، می دانند، تعجب می کنند که انسان های ساده زیست ممکن است رهبر و راهنمای جوامع شوند و لذا به استهزاء بر می خیزند.

همان گونه که اکنون ایرانیان مسلمان خصوصاً جوانان بی مدعا و دل بریده از ظواهر فریبنده و تجملات دنیایی، با تلاش علمی و پژوهشی خود، یکی پس از دیگری قله های دانش و اعتلا را فتح میکنند و هر روز محصول جدیدی از مطالعات و ابتکارات مستمر خویش را به جهانیان ارائه میدهند.

**مقابله با اهل استهزاء** راهی جز استهزاء مکتبی که چنین جوانانی را پرورش داده، برای جاهلان سلطه جو باقی نمانده است و هر روز پروژه و دسیسه ای جدید را دنبال می کنند و همان گونه که قرآن در آیات گوناگون، سرنوشت شوم استهزاء کنندگان را متذکر شده، نتیجه ای جز انفعال و استیصال و افتضاح، دامنگیرشان نمی شود.

از دیگر ریشه های استهزاء که قرآن به آنها اشاره کرده می توان به جهالت **وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا**

به یاد آر موسای پرهیزکار بقره ۶۷ به قومش چنین داد دستور کار

بریزید خون یکی گاو را که امریست از سوی یکتا خدا

بگفتند آن قوم باطل پسند تو ما را مگر می کنی ریشخند

گناه و اصرار بر آن، دشمنی و انتقام، عدم تعقل و تفکر ثمَّ كَانَ عَاقِبَةُ  
الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ سرانجام  
کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند (روم ۱۰)

گنهکار مردم همه سربه سر سرانجامشان نیز بودی بتر

چو کردند آیات حق ریشخند به آتش درافتند با غل و بند

از دیدگاه قرآن، برای مقابله با اهل استهزاء، راهکارهایی وجود دارد که از  
جمله مهمترین آنها ترک دوستی با آنان است يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا  
الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ  
الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (مائده ۵۷)

بگو مؤمنان را مگیرید یار ز اهل کتاب و ز کفار خوار

که کردند بر دینتان ریشخند به بازیچه آن را گرفتند چند

بترسید از ایزد اگر مؤمنید ز روی حقیقت اگر موقنید



پایگاه های نظامی استکبار در اطراف ایران اسلامی



## بخش هشتم : چرایی دشمنی با آمریکا و اسرائیل از منظر قرآن

شاید برای برخی ها این امر غیرمنطقی و نابخردانه باشد که انسان یا جامعه ای یا کشوری با ملتی یا نظام سیاسی دشمنی ورزد و به هیچ وجه حاضر به کنار آمدن با آن یا مذاکره و گفت و گو و معامله با آن نشود. به نظر می رسد که چنین رفتار و رویه ای به دور از عقلانیت و انسانیت باشد؛ اما به نظر می رسد که سیاست های اسلامی و اندیشه سیاسی اسلام رویه ای را در پیش گرفته است که جنگ و جهاد را در آن پایانی نیست. این دشمنی نسبت به کافران و مشرکان بلکه حتی اهل کتاب در آیات قرآن به گونه ای بیان شده است که گویی پایانی بر آن نیست. در جهان امروز همین سیاست با خاستگاه آموزه های وحیانی قرآن، بیش از ۴۰ سال است که میان ایران و آمریکا و اسرائیل دشمنی افکنده است. بگونه ای که امکان پایانی برای این جنگ سرد و گرم و نرم و سخت متصور نیست. آیا می توان میان ایران اسلامی با رهبری ولایت فقیه و آمریکا و اسرائیل صلح و سازشی را متصور شد؟

**آمریکا و اسرائیل در جهان امروز همان نمادهای اصلی اهل باطل هستند، چرا که روحیه شیطنت استکباری را می توان در آنان سراغ گرفت** آنچه موجب می شود که ایران با نام اهل حق در برابر آمریکا و اسرائیل با نام استکبار جهانی و ام الفساد بایستد، روحیه متقابل این دو ملت است.

نظامی که در ایران شکل گرفته است به نام حق، نمی تواند هرگز در برابر نظام شیطانی و استکباری کوتاه بیاید و با او از در صلح و سازش و گفت و گو وارد شود، بنابراین، جنگ دایمی میان ایران و آمریکا به عنوان دو جبهه حق و باطل مطرح است نه به عنوان دو ملت یا دو کشور، پس تا زمانی که رویه و روحیه استکباری و شیطانی بر جامعه و نظام آمریکا و اسرائیل حاکم است نمی توان از صلح و گفت و گو سخن گفت و از جنگ و تهدید دست برداشت.

اصولا هیچ یک از دو طرف متقابل در ایران و آمریکا و اسرائیل نمی توانند با هم کنار بیایند، زیرا روحیه استکباری اجازه نمی دهد تا توبه کند و از طرف دیگر روحیه حق طلبانه، خواهان از میان بردن باطل (زهق الباطل) است.

**از منظر اسلام مهمترین شرط پیروزی** در کارها صبر و استقامت و پایداری است. قرآن سربازان پیروز که حتی با نابرابری فاحش نسبت به دشمن، مشمول نصرت الهی می شوند را به همین صفت توصیف کرده

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا  
أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ انفال ۶۵

کنون ای پیمبر به جنگ و جهاد      بکن رغبت مؤمنان را زیاد  
که باشید گر بیست تن پایدار      دوصد تن توانید سازید خوار

بمانید گر صد نفر پایدار      بگردید پیروز بر یک هزار

که هستند بی دانش آن کافران      گرفتار جهلند آن منکران

کلمات قصار نهج البلاغه : **وَ عَلَيْنِكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ**  
**كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ**  
**مَعَهُ** بر شما باد که صبر و استقامت کنید! زیرا صبر و استقامت نسبت  
 به ایمان، همچون سر است نسبت به بدن، تنی که سر با او نباشد فایده  
 ای ندارد و همچنین است ایمانی که صبر و استقامت با آن نباشد!

**امروز خمینی آغوش و سینه خویش** را برای تیرهای بلا و حوادث سخت  
 و برابر همه توپها و موشک های دشمنان باز کرده است و همچون همه  
 عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ  
 عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی  
 مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم

حضرت امام(ره) مبتنی بر این نگاه با صراحت اعلام می دارد: ما باید در  
 ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت  
 از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید  
 از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری  
 اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است.

و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵)

**۵. تکلیف گرایی و شکست ناپذیری** شاخصه دیگر در دکترین استکبارستیزی حضرت امام امید به پیروزی همیشگی جبهه حق و عدم شکست در میدان مبارزه با استکبار است. مبتنی بر باور امام، ما مکلف به انجام وظیفه ایم و نتیجه فرع آن است، لذا با صلابت و مبتنی بر نگاه تکلیف گرایی اعلام می دارد :

تکلیف ما این است که در مقابل ظلم ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم ها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر، و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم. این طور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمی خوریم، خدا با ماست، و ثانیاً بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی خوریم، و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است، با ماست (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۰۶)

**۶. مبارزه بر دوش مستضعفین و توده های ملت** در نگاه حضرت امام (ره) بخش عمده اردوگاه جبهه مبارزه با استکبار جهانی را توده های

محروم و مستضعف که از رفاه و آزادی برخوردار نبوده اند، تشکیل خواهند داد. چرا که رفاه طلبی و مبارزه در این نگاه قابل جمع نبوده و مرفهان بی درد در اردوگاه جبهه حق جای ندارند و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند

حضرت امام (ره) که بعد از نصرت الهی به نصرت مومنین و مستضعفین امیدوار است خطاب به سردمداران استکبار جهانی فریاد می زند: قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد. و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷)

**۷. مبارزه با تمام قوا** امام خمینی به منظور تعیین یکی از اصول و خط مشی های اساسی برای مبارزه با استکبار جهانی اعلام می نماید: ما اگر

قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد این اصل برای مبارزه با قدرت های استکباری جهان از اصول و مبانی قرآنی و تعالیم مربوط به تقابل با جبهه کفر و شرک و نفاق در هر عصر و زمان سرچشمه می گیرد (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۹۹)

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (هرچه در توان دارید بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را جز بترسانید) (انفال ۶۰) در این نگاه دیگر قدرت داشتن و تلاش برای کسب قدرت نه تنها مفهومی مذموم نیست. بلکه حرکتی متعالی است که باید به عنوان یک امر واجب بدان توجه شود.



**۵- بَرَاءت از دشمنان قرآن و ویژگی یاران پیامبر(ص) را چنین توصیف می کند: «إِشْدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا» (فتح/ ۲۹) در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی. اینکه ما به فلسطین عراق و لبنان و سوریه کمک می کنیم بر گرفته از «رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ» است. سیاست نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی روی کره‌ی زمین منحصر به فرد است. الان آمریکا در خیلی از کشورها رئیس جمهور و نخست وزیر جابجا می کند، اما در تمام ایران یک کدخدا را نمی تواند جابجا کند یا یک نماینده را حذف یا سر کار بیاورد. یکی از مشکلاتی که غرب با نظام جمهوری اسلامی دارد همین است.**

## بخش نهم : اسرائیلی در فرهنگ قرآن کریم آیت الله جوادی آملی

**امکان برقراری روابط سالم و زندگی مسالمت آمیز، حتی با (کافران) با** کافران می توانید زندگی مسالمت آمیز داشته باشید. ظلم کردن به کافر حرام است؛ حالا اگر کسی کافر شد، مگر کسی می تواند به او ظلم بکند؟! (سوره ممتحنه) کافری که کاری با شما ندارد، شما با او کنار بیائید. اما مستکبر را فرمود تا می توانید طرد کنید. این مستکبر نه برای اینکه کافر است، دینی که اجازه ظلم به سگ نمی دهد، به کافر نمی دهد؛ می شود عدل محض. این دین، پرچمدار عدل است. ضرورت طرد (مستکبران) به دلیل خوی عدم پایداری آنان به تفاهمات. اما در باره مستکبر؛ در بحث های قرآنی دارد **فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ**، نه با کافران! بلکه به پرچمداران کفر رحم نکنید، چرا؟ آیا چون کافرند؟ نه **فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ** توبه ۱۲، نه **لَا أَيْمَانَ لَهُمْ**! نه چون مؤمن نیستند و کافرند بجنگید، بلکه چون (ایمان) ندارند. عهد را، پیمان را، قطعنامه را، سوگند را، قرارداد را، امانت را، هیچ چیز را رعایت نمی کنند!!

کسی که هر جا پیمان است، آن را می شکند؛ هر جا قطعنامه است، آن را **وتو** می کند. بسیاری از احکام فرعی را دین به سنت واگذار کرده، اما خطوط محوری سیاست را خودش تشریح کرده. فرمود: با مستکبر چه جور می خواهی زندگی کنی؟! قرارداد کنی؛ هنوز مرکب خشک نشده،

نقض می کند؛ پیمان ببندی، هنوز حرف تمام نشده نقض می کند! خوی استکبار، خوی وتو کردن است، آیا با این می شود مذاکره کرد؟! با او می شود عهد بست؟! با او می شود رابطه داشت؟! کسی که اصلاً خود را برتر می داند، و این حقیقت لَصُورَه صوره انسان و القلب قلب حیوان (نهج البلاغه خ ۸۷) برای او ملکه شد. او درنده است. ۸ سال این کشور زیر سلطه بود، مگر گذاشتند قطعنامه عمل بشود؟! این فلسطین محروم، مگر می گذارند قطعنامه عمل بشود؟! این خوی، خوی لا ایمان است. آیا با او می شود مذاکره کرد؟ با او می شود رابطه داشت؟ با او می شود حرف زد؟! در کنار میز مذاکره با او نشست!

**تبیین خوی نقض عهد اسرائیلی ها** در بیان امیر مؤمنان (علیه السلام) اما از نظر روایت؛ شما ببینید اسرائیل کیست و چیست. در نهج البلاغه هست که مروان حکم بعد از جریان حکومت حضرت امیر (علیه السلام) اوّل بیعت کرد، بعد نقض عهد کرد و در جنگ جمل شرکت کرد و اسیر شد و حسنین (علیه السلام) را شفیع قرار داد که او را آزاد کنند. وجود مبارک حضرت امیر فرمود **انّها کفأ یهودیاً لو بایعنی بکفّه لغدر بسبته او سبته** (نهج البلاغه خ ۷۳) فرمود: این خوی اسرائیلی دارد! این اگر جلوی رویم با من بیعت کند، پشت سر نقض می کند. همین که برگشت، نقض می کند. اصلاً خوی اسرائیلی این است! فرمود: مروان الآن اسرائیلی فکر می کند. مروانی حرف می زند، عربی حرف می زند، ولی عبری و اسرائیلی فکر می کند.



## ابطال تفکر ناسالم اسرائیلی در بیان امام رضا (علیه السلام)

زمانی یک متکلمی در مرو پیدا شد و با وجود مبارک امام رضا (علیه السلام) به مناظره نشست، و تفکر تفویضی در او ظهور و حضور پیدا کرد. حضرت فرمود ائی احس بک أنك ضاهیت الیهود (عیون اخبار الرّضاء ۱ / ۱۸۲) فرمود: ای متکلم، من خیال می کنم تفکر اسرائیلی داری! این چه فکری است که داری؟!

پس اگر عمل است، دست مروان دست اسرائیل است که علی کوتاه کرد. اگر فکر و اندیشه، قدر و تفویض است، وجود مبارک علی الرّضاء (علیه السلام) کوتاه کرد. اصلاً «اسرائیل» یعنی این

## خیانت در امانت، خوی مستکبران اسرائیلی

در فرهنگ قرآن کریم شما می بینید حرف اسرائیلی ها را که قرآن کریم نقل می کند، چیست! می فرماید اینها، و منهم یعنی همین اهل کتاب که منظور بخش مهمّش همین اسرائیلی ها هستند. فرمود: این اسرائیل نه تنها به مال تو تجاوز می کند، نه تنها سارق مسلّح است، نه تنها به تعبیر آقایان، تروریست دولتی است، بلکه اگر یک درهم به او امانت بدهی؛ تا نایستی، نمی گیری و مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ

قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ  
يَعْلَمُونَ (آل عمران ۷۵)

گروهی شناسیم ز اهل کتاب      که هرگز نیچند روی از صواب  
چو مالی سپاری، دهندت درست      گروهی دگر آن چنان نادرست  
که دیناری ار خود گذاری گرو      دگر پس نیارند آن را به تو  
مگر آنکه باشی تو بس سختگیر      که آن مال گردد ترا دستگیر  
ازاین رو که گویند قوم یهود      کسی کوز تورات پیرو نبود  
اگر مال او را خوری عیب نیست      که نادان خبردار ازغیب نیست  
بدانند، لیکن به یکتا خدا      بدین حرفها می زنند افترا

چرا؟ چون منطقشان این است که لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ ؛ ما  
برتریم. ما اهل کتابیم، اینها امی اند، درس نخوانده اند، نژاد پست ترند.  
این خوی نژاد پرستی را قرآن ذکر کرد، تعلیم کرد، بعد گفت : بجنگ. بی  
خود که نگفت بجنگ! بعد گفت : بایست؛ بی خود که نگفت ایستادگی  
کن! به بند کشیدن قداست «قدس شریف» توسط مستکبران اسرائیلی  
و هم پیمانان آنها؛ همگی شاهدیم که تقریباً بیش از نیم قرن است که بر  
فلسطین مظلوم چه می گذرد. الآن این استکبار جهانی به دست همین  
اسرائیلی ها قدس را در بند کشیده! تنها سخن از مردم فلسطین نیست.

این، قداست قدس را به بند کشیده؛ چون قدس در بند است. و اگر چنانچه تل آویو است، همین تفکر را دارد؛ واشنگتن است، همین تفکر را دارد.

اول اینها قدس را به بند کشیدند، بعد قدسیان را! این بیان نورانی حضرت امیر را دیدید در آن عهد نامه مالک فرمود: مالک! این دین قبل از من اسیر بود؛ **فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيَدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَ يُطَلَبُ بِهِ الدُّنْيَا** (نهج البلاغه نامه ۵۳) تنها خاک مردم نبود، خون مردم نبود؛ قبل از من قرآن و سنت خاندان پیامبر و کعبه، اسیر بود الآن استکبار به دست داعیه داران اسرائیلی، قدس را در بند کشیده است

**(آوارگی) و (بردگی) ملت های مستضعف، خواسته نامشروع مستکبران**

وجود مبارک سیدالشهداء فرمود **كُونُوا أحرارًا فِي دُنْيَاكُمْ** (بحارالأنوار ۴۵/ ۵۱) یک عده کفارند که در دنیا آزادمنش اند. اما استکبار می گوید: یا (آواره)، یا (برده). مگر مردم مسلمان فلسطین را تکه تکه نکرده؟ عده ای را آواره، عده ای را برده.

آنجور کشتار را همین داعیان حقوق بشر تصویب می کنند؛ آنجور زجرکش کردن و سربریدن را مدعیان حقوق بشر تنظیم می کنند از سوئی پرچم حقوق بشر، از سوئی هم با شمشیر سر بریدن.

## مطرح بودن قطب اسلام در مقابل قطب استکبار

این دولتهایی که تسلیم امریکا هستند، بتدریج این فکر برایشان به وجود می‌آید که دولتی به نام جمهوری اسلامی ایران هست که به امریکا هیچ اعتنایی نمی‌کند؛ امریکا هم نسبت به آن دولت نمی‌تواند هیچ آسیبی جدی بزند. پس، علت این که ما از امریکا این قدر می‌ترسیم، چیست؟ یک نکته دیگر هم هست که در صحنه‌ی سیاسی عالم، قطب استکبار از یک طرف، و قطب اسلام از طرف دیگر؛ قطب استکبار به رهبری امریکا، و قطب اسلام به محوریت نظام جمهوری اسلامی که تا به حال هم گسترش و پیشرفت، متعلق به قطب اسلام بوده است

## ایران؛ الگوی زنده ایستادگی

**ملت‌ها با مقاومت در برابر سلطه‌گران سرنوشت خویش را رقم بزنند**  
 رویکرد پرتراوت ملت‌های مسلمان به دین محمدی (صلی الله علیه و آله) نشان می‌دهد ملت‌ها در سایه تجربه‌های متمدنی دریافته‌اند که مکتب‌های مادی غربی، در برآوردن نیازهای حقیقی بشر، ناتوان و عقیمند و فقط تعالیم بعثت می‌تواند بشر را به سعادت و پیشرفت واقعی برساند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای: ریشه مشکلات جامعه بشری را دوری از دو مسئله اساسی بعثت یعنی: «فکر و اندیشه» و «تزکیه نفس» است

و نجات انسان از گرفتاریها و ضعفهای اخلاقی، هدف بزرگ بعثت است که تحقق آن، زمینه ساز حل مشکلات اساسی ملتهاست. احیای نیروی خرد و تفکر را از دیگر اهداف اساسی و مهم بعثت پیامبران است جامعه بشری، امروز بشدت نیازمند اندیشیدن، خردورزی، تفکر و ریشه یابی مشکلاتی است که از هر سو ملتها را احاطه کرده است.

در نگاه سیاه ستمگران جهانی، «بشر» اصولاً جایی و جایگاهی ندارد همچنانکه در قضیه مشکلات اقتصادی کشورهای غربی نیز دنیا شاهد است که قدرتهای مسلط در پی حل مشکلات صاحبان بانکها و کمپانی های سرمایه داری هستند نه حل مشکلات مردم. منشأ همه این مشکلات، تسلط نظام سلطه بر جهان و وجود دو قطب سلطه گر و سلطه پذیر است که راه حل آن نیز، خروج ملتها از موضع سلطه پذیری و بی تحرکی است.

ملتها با تکیه بر گنجینه خدادادی تفکر و خرد، و حسن ظن به وعده های نصرت پروردگار، روی پای خود بایستند و با مقاومت در برابر سلطه گران، سرنوشت خویش را رقم بزنند. عزت و اقتدار ملت بزرگ ایران نمونه روشنی از نتایج ایستادگی و مجاهدت است :

در ۴۰ سال گذشته ملت فهیم و کشور عزیز ما، بی وقفه در معرض توطئه همه قدرتهای جهانی بوده است تا شاید این نمونه زنده ایستادگی و

پیشرفت، در چشم دیگر ملتها، الگو نشود اما به فضل الهی، تلاش همه سلطه گران برای خارج کردن ملت ایران از صحنه، این بار نیز قطعاً و یقیناً ناکام خواهد ماند. تحقق وعده های یاری پروردگار را نیاز مجاهدت، حرکت و خطرپذیری است صرف مؤمن بودن برای تحقق وعده پیروزی، کافی نیست بلکه مجاهدت و صبر می خواهد.

دشمنان بایستی از تجربه های ناکام مقابله با ملت مجاهد و صبور ایران درس بگیرند و بدانند که تکبر، خود بزرگتر بینی و توقعات بیجا، در مقابل ملتی که ایستادگی و وحدت را از قرآن آموخته و خود را شناخته است راه به جایی نمی برد. کسانی که اصلاً اسلام را قبول ندارند و تشیع و تسنن را اصولاً نمی شناسند براساس خواست سرویسهای جاسوسی سلطه گران، از توسعه تشیع ابراز نگرانی می کنند و آتش تفرقه می افروزند.

### **هر حرکت اختلافی در میان مسلمانان بازی در زمین دشمن است**

دنیای استکبار از همان ابتدای حرکت بیداری اسلامی تلاش کرده تا در مقابل آن مشکل و سد ایجاد کند، سد دشمنان، قطعاً مانع حرکت دنیای اسلام نخواهد شد و آنان گام به گام به پیروزیهای بیشتری خواهند رسید. ایجاد اختلاف و مشغول کردن مسلمانان به یکدیگر را اصلی ترین تلاش دشمنان برای مقابله با بیداری اسلامی است در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز از همان ابتدا سیاست ایجاد اختلاف دنبال شد.

اما جمهوری اسلامی با قاطعیت در مقابل این توطئه ایستاد و پرچم اتحاد اسلامی را برافراشت. تنها راه مقابله با توطئه ایجاد اختلاف، احساس اتحاد میان مسلمانان و همچنین در میان گروهها، مذاهب و جناحهای مختلف داخل هر یک از کشورهای اسلامی است (تشکیل گروه های داعش تکفیری سلفی وهابی القائده طالبان با منظور اختلاف افکنی و مشغول کردن به جنگ بوده)

**اختلافات و مشغول بودن مسلمانان به یکدیگر** نتیجه اختلاف میان مسلمانان را به حاشیه رفتن مسئله فلسطین و لزوم ایستادگی در مقابل زیاده خواهی امریکا و غرب است حرکت جدیدی که امروز غریبها در افریقا برای تسلط بر ملتهای آفریقایی آغاز کرده اند. از جمله فجایع پاکستان، جنگ و کشتار در سوریه، بایکوت شدن صدای مردم در بحرین، و در مقابل هم قرار گرفتن مردم در مصر، است.

هر حرکت اختلافی در میان ملتهای مسلمان و یا در داخل هر کشور اسلامی، بطور قطع و یقین، بازی کردن در زمینی است که دشمن طراحی کرده است. اکنون هم بعد از فروپاشی داعش در عراق و سوریه، متاسفانه نیروهای بعثی و ته مانده های داعش در شهرهای مرز سوریه و ترکیه و زیاده خواهی های ترکیه مشغول فعالیت و جنگ و درگیری و اختلاف اندازی هستند و این دقیقا به ضرر خاورمیانه می باشد.

## بخش دهم : اقدامات استکبار بر علیه اسلام و مسلمانان

از دیرباز کارشناسان غربی همیشه بر این باور بودند که پیروی از تفکر اسلام ناب برای دنیای غرب خطر دارد اگر در یکصد سال اخیر تاریخ دنیا را ورق بزنیم جنگهای صلیبی اوج کشمکش دول غربی با مسلمانان بوده که البته در نهایت به ضرر مسلمانان تمام شد و از همان زمان اذهان عمومی بسوی بدنام کردن مسلمانان و در نهایت دین اسلام معطوف شد

**راه های هتک حرمت در جهان کنونی** در جهان کنونی طرق هتک حرمت با قدیم متفاوت است. در حال حاضر به زبان بسیار ساده و در مدتی بسیار کوتاه و با توجه به زمان محدود مردم برای مطالعه و با توجه به مشغله های انقلاب صنعتی راههایی را در پیش می گیرند که در کمترین زمان و هزینه، بیشترین تأثیر را داشته باشد. برخی از این راهها عبارتند از:

**الف : تدوین کتاب آیات شیطانی** توسط سلمان رشدی نویسنده هندی تبار مقیم انگلیس در سال ۱۹۸۸ نمونه بارز این نوع از اهانت است. این کتاب دین اسلام را دینی آمیخته با سحر، جادو مارگیری، قتل، غارت، ترور، جنگ و خشونتهای جنسی نشان می دهد و بر روح و جان خواننده تأثیری شگرف می گذارد و....

**ب. نمایشنامه ج. فیلم د. کاریکاتور**

**ه. زیر سؤال بردن اسلام توسط بزرگان ادیان الهی و. تبلیغات**

**ز. هتک حرمت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)**



## بخش یازدهم : جوانان غرب ، اسلام را بی‌واسطه بشناسید

رهبر معظم انقلاب در پی حوادث جهان اسلام و فریب کاری غرب و آمریکا، در پیامی به جوانان اروپا و آمریکای شمالی فرمودند: در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام به دست آورید.

### بسم الله الرحمن الرحيم

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم.

همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند. سخن من با شما درباره اسلام است و به‌طور خاص، درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو (یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)

تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزورانه دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره استعمار سرافکنده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان خجل است؛ محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیّت و قومیت در جنگ‌های اوّل و دوّم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می‌کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟

چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟ شما به خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است.

اکنون من می‌خواهم از خود پرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد.

من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود.

اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچکس به صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن

پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نوپیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن. مسئولیت پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

### **پیام به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا**

رهبر معظم انقلاب همچنین در پیامی به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا از آنان خواستند به طور ویژه به این بیندیشند که چرا سیاست‌های غربی به اسلام‌هراسی دامن می‌زنند؟

**بسم الله الرحمن الرحيم** جوانان! عزیزان! حضور شما در مراکز دانشگاهی کشورها، فرصت نگاه ژرف و حکمت‌آمیز به رویدادها و پدیده‌های جهان را به شما و فرصت بهره‌مندی از دانشمندی جهان‌نگر و جهان‌شناس را به ایران آینده می‌بخشد. اینها را باید قدر شناخت. فریفتگی به همان اندازه زیان‌بخش است که بی‌خبری. امروزه به‌طور ویژه به این بیندیشید که چرا سیاست‌های غربی به اسلام‌هراسی دامن می‌زنند؟ و کدام عنصر پر قدرت در اسلام سیاسی به شیوه ایران است که قدرتمداران آزمند و متعدي و مستکبر را به همه‌گونه رویارویی با آن بر می‌انگیزد؟ دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ای برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد. خدا یار و مددکارتان باد.

**سیدعلی خامنه‌ای ۳ بهمن ۱۳۹۳**

## زورگویان جهان از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در هراسند

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دنیای امروز را تشنه پیام آزادبخش اسلام ناب دانستند: بدخواهان و زورگویان جهانی، تلاش می‌کنند تا با استفاده از هنر، سیاست، نظامی‌گری و همه ابزارها، مانع شنیده شدن ندای اسلام ناب شوند اما این ندا شنیده شده است و نشانه آن هم، هراس روزافزون قدرت‌های استکباری است. لزوم برخورد عمیق و غیرسطحی با موضوع اقتدار در نیروهای مسلح، تعداد زیاد نیروی انسانی و آموزش و تجهیزات نظامی پیشرفته، به تنهایی موجب اقتدار نیروهای مسلح یک کشور نمی‌شوند بلکه باید انگیزه و معنویت و عزم و درک حقیقت مسئولیت بر رفتارها و جهت‌گیری‌ها حاکم باشد. دنیا بر روی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران حساب باز می‌کند و آن را جدی می‌گیرد، زیرا می‌داند که هر جا عرصه مسئولیت و رزم‌آوری باشد، نیروهای مسلح سنگ تمام خواهند گذاشت. خود را در این مجموعه پر برکت علمی و نظامی، برای اعتلای روزافزون نیروهای مسلح به عنوان یکی از ارکان اقتدار کشور، آماده کنید و همچون محققان و دانشمندان جوان که با علم و ابتکار، پدیده‌های علمی را عرضه می‌کنند، با بهره‌گیری از اندوخته‌های علمی و ابتکار و ارائه پدیده‌های نظامی و نوین، سازمان نظامی کشور را به اوج اعتلا برسانید. بشریت بیش از هر زمان دیگر نیازمند است، افزون‌طلبان و زورگویان جهانی که از جاذبه پیام

رهایی بخش اسلام ناب و تهدید شدن منافع خود به شدت نگرانند، از همه ابزارها به ویژه ابزارهای هنری بهره گرفته اند تا مردم دنیا را از اسلام بترسانند. ساختن گروه های مسلح به نام اسلام و حکومت اسلامی، و قتل عام انسان های بی گناه به وسیله این گروه ها نمونه دیگری از روش های دشمنان برای اسلام هراسی است. پیام اسلام ناب برای انسانیت، پیام آسایش، عزت، سریلندی و زندگی همراه با امن و امان است و بدخواهان نمی خواهند ملت ها با این پیام آشنا شوند.

### **هراس غرب از انتقال پیام جمهوری اسلامی**

۱۹ شبکه رادیو و تلویزیون برون مرزی جمهوری اسلامی ایران از روز ۲۴ مهرماه سال ۹۱ از روی ماهواره ها تبرد و به دستور یوتلست که مالک هاتبرد است قطع شد اما واقعیت های پشت پرده این موضوع آن است که اتحادیه اروپا چنین تحریمی را در دستور کار خود قرار نداده است بلکه تحت فشار لابی آمریکا و صهیونیست این کار انجام شده است. آیا این اقدام آنان با شعارهای دموکراسی و آزادی بیان که سال های سال است سر می دهند مغایرت ندارد؟ کشورهای اروپایی که تا چندی پیش حاضر نبودند فیلم موهن علیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را از روی یوتیوب و برخی رسانه های مجازی خود حذف کنند و مدعی بودند که این کار آزادی بیان را زیر سوال میبرد؟

## بخش دوازدهم : برنامه های اجرایی صهیونیزم زدایی

### راهکار برای مقابله با یک غده سرطانی در قلمرو اسلام

صهیونیسم گرچه پدیده ای مستقل و متفاوت از استعمار است ولی آسیب ها و خطرات آن کمتر از استعمارهای متعارف نیست و می تواند و باید همچون استعمار و دیگر آسیب ها و انحرافات بین المللی مورد کندوکاو قرار گرفته و برای آن چاره جویی گردد.

واژه «صهیون» نام تازی شده و عربی شده واژه Zion است که نام کوهی در سرزمین های اشغالی فلسطین بوده و بسیار مورد علاقه و ستایش و تقدیس گروهی از یهودیان است و آن گروه از یهودیان که چنین باورهایی داشته و کوه زیون یا صهیون را محل و مکان تجلی خداوند متعال بر حضرت موسی می دانند خود را بدان کوه منتسب نموده و خود را Zionist می نامند که در زبان تازی صهیونی و در زبان فارسی صهیونیست (که بهتر بود زیون گرا و یا زیون پرست گفته می شد) خوانده شده اند.

اینکه هزاران سال پیش خداوند متعال در چنان مکانی بر کلیم الله تجلی و با وی تکلیم نموده باشد و یا خیر به هیچ روی بدیهی نبوده و نیز به هیچ روی نمی تواند دستاویز یک جنبش سیاسی و جریان جهانی



ضدانسانی و ضدبشری قرار گرفته و توجیه گر اقداماتی گردد که همه پیامبران خداوند از آنها تبری و برائت جسته و خواهند جست.

می توان گفت صهیونیزم یهودیت را به بازی گرفته و از یهودیت استفاده ابزاری نموده و می نماید چنانکه برخی دولت های موسوم به اسلامی از اسلام استفاده ابزاری نموده و دین آسمانی اسلام را در راستای اهداف زمینی خویش به بازی گرفته اند و یا اکثریت دولت های استعماری و استکباری دین آسمانی مسیحیت را جهت استقرار و تثبیت خواسته های استعماری و امپریالیستی خویش به بازی گرفته و از آن استفاده ابزاری کرده و می کنند

یک جنبش و تحرک جهانی بر ضد صهیونیزم نیازمند سازمانی جهانی با عنوانی همچون سازمان جهانی صهیونیزم زدایی و یا سازمان جهانی مدیریت برنامه های ضدصهیونیستی و مانند آنست که باید هسته نخستین آن با فراخوان جهانی و مشارکت همه دولت ها و ملت ها و سازمان های منطقه ای و جهانی علاقمند پایه گذاری شده و سپس تحکیم و توسعه یابد. آنچه در این گفتار آمده است تنها شماری از برنامه های اجرایی و عملیاتی مقابله با افراط گرایی ها و تندروی های صهیونیزم جهانی بوده و بجای قصد فراخوان جامع همه برنامه های ممکن و معقول صهیونیزم زدایی، است.

## ۱۰۰ برنامه های اجرایی صهیونیسم زدایی

- ۱- برنامه تشکیل رسمی و فراگیر سازمان جهانی صهیونیسم زدایی جهت مدیریت برنامه های جهانی پادزیونی
- ۲- برنامه جداسازی دین آسمانی یهودیت از پدیده زمینی و یا آسمانی و ضدبشری صهیونیسم
- ۳- برنامه آشتی دهی بیشتر ادیان توحیدی و آسمانی با یکدیگر بویژه تقریب بیشتر یهودیت با اسلام
- ۴- برنامه تفرقه افکنی و جدایی افکنی و جداسازی نظری و عملی گروه های صهیونیست از یکدیگر
- ۵- برنامه پیشگیری از مهاجرت یهودیان و غیریهودیان سرزمین های دیگر به اسرائیل
- ۶- برنامه تشویق مهاجرت معکوس یهودیان و غیربومیان مهاجر از اسرائیل به سرزمین های مادری
- ۷- برنامه تسهیل بازگشت فلسطینیان مهاجر و آواره پراکنده در سرزمین های عربی و غیرعربی به میهن
- ۸- برنامه متوقف سازی شهرک سازی یهودی و صهیونیستی در سرزمین های اشغالی
- ۹- برنامه جلوگیری از تغییر اجباری و مداوم و بلندمدت ساختار جمعیتی فلسطین توسط دولت اسرائیل

- ۱۰- برنامه جلوگیری از تغییر اجباری پراکندگی جمعیتی فلسطین و جابجایی اجباری درون سرزمینی
- ۱۱- برنامه آگاهی رسانی جهانی و تولید و پخش مستمر و مداوم برنامه های آگاهگر درباره پیشینه صهیونیزم
- ۱۲- برنامه نظارت جهانی بر اماکن دینی فلسطین جهت جلوگیری از تصاحب و مصادره آنها توسط اسرائیل
- ۱۳- برنامه افشای رخنه های جهانی صهیونیزم در دولت ها و سازمان های بین المللی و ارکان کشورها
- ۱۴- برنامه برگزاری رفراندوم جامع در فلسطین با حضور همه ساکنان اصلی و اولیه فلسطین با نظارت جهانی
- ۱۵- برنامه پیشگیری از تکرار جغرافیایی صهیونیزم و دیگر انواع افراط گرایی در دیگر مناطق و نواحی جهان
- ۱۶- برنامه محکوم سازی جهانی افراط های صهیونیزم در قالب انواع مستندات همچون قطعنامه ها و بیانیه ها
- ۱۷- برنامه متوقف سازی جهانی افراط های جاری و کنونی صهیونیزم در قالب برنامه های جهانی مداخله و مراقبت
- ۱۸- برنامه جلوگیری از عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای دیگر و جلوگیری از ترفندهای کسب مشروعیت
- ۱۹- برنامه متوقف سازی پیشتیبانی های برخی دولت ها و سازمان های

منطقه ای و جهانی از صهیونیزم

۲۰- برنامه شناسایی و پوشش دهی و تقویت و پشتیبانی از جنبش های

ضد صهیونیستی منطقه ای و جهانی

۲۱- برنامه افشای دسیسه ها و توطئه های صهیونیزم جهانی برای

دخالت در امور داخلی دولت ها و ملت ها

۲۲- برنامه افشای تعدیات و تجاوزهای صهیونیست ها به سرزمین ها و

حقوق انسانی و قانونی دولت ها و ملت ها

۲۳- برنامه افشای آرمان های پنهانی صهیونیزم از طریق افشای مفاد

گفتمان ها و پروتکل های زیون گرایان

۲۴- برنامه الزام اسرائیل به پرتابه زدایی هسته ای و اعمال نظارت جهانی

بر جنگ افزارهای کثیف اسرائیل

۲۵- برنامه مجازات جهانی همکاری با صهیونیزم و پیگرد و تعقیب

قضایی و قانونی همدستان صهیونیزم

۲۶- برنامه کنارگذاری نوکران داخلی صهیونیزم از مقامات و مناصب

دولت های منطقه بویژه دولت های اسلامی

۲۷- برنامه تبیین جهانی ضدیت های صهیونیزم با مسیحیت و آسیب

هایی صهیونیزم به دین مسیحیت

۲۸- برنامه تبیین جهانی ضدیت های صهیونیزم با یهودیت

غیرصهیونیستی و بهره گیری ابزاری از یهودیت

- ۲۹- برنامه افشای جهانی جنایات تاریخی صهیونیزم در سرزمین های اشغالی فلسطین و سرزمین های دیگر.
- ۳۰- برنامه پیگرد جهانی جنایات تاریخی صهیونیزم از طریق احیای مدارک و مستندات جنایات و پیگرد قانونی
۳۱. برنامه پشتیبانی جهانی از یهودیت ضد صهیونیزم و تقویت جریانات یهودی ضد صهیونیستی
۳۲. برنامه جلوگیری از عقد سازشنامه های زبونگرا و سازش دولت های ضعیف با اسرائیل
- ۳۳- برنامه پیگیری اجرای قطعنامه های ضد صهیونیستی مجمع عمومی و شورای امنیت و دیگر نهادهای جهانی
- ۳۴- برنامه پیگیری تصویب قطعنامه های ضد صهیونیستی جدید در ارگان ها و ارکان گوناگون جامعه جهانی
- ۳۵- برنامه بیدارسازی جهانی درباره ماهیت صهیونیزم از طریق توسعه و تقویت رسانه ها و برنامه های پادزیونی
- ۳۶- برنامه افشای فریب های رسانه های صهیونیستی وابسته و فرنگی در دفاع فریبکارانه از صهیونیزم
- ۳۷- برنامه افشای جهانی لابی های برونمرزی صهیونیستی در دولت های منطقه ای و بویژه دولت های عربی
- ۳۸- برنامه سترون سازی دسیسه های جهانی صهیونیزم و برنامه ها و

نقشه های آینده توسعه و تعمیق صهیونیزم

- ۳۹- برنامه عقد پیمان جمعی نظامی ضد صهیونیستی جهت مقابله با تهدیدها و تجاوزهای بالقوه و بالفعل اسرائیل
- ۴۰- برنامه ناامن سازی فضای کار و زندگی در اسرائیل بویژه برای مقامات افراطی و تندرو زیون پرست
- ۴۱- برنامه ناامن سازی مسیرهای مهاجرت از سرزمینهای دیگر همچون اروپای شرقی و آسیای میانه به اسرائیل
- ۴۲- برنامه اعمال تحریم های بلندمدت گسترده و همه سویه ضد صهیونیستی بویژه توسط کشورهای اسلامی و عربی
- ۴۳- برنامه پیگیری دریافت غرامات و خسارات عملیات نظامی و غیرنظامی صهیونیستی در دهه های گذشته
- ۴۴- برنامه بسیج جهان مسیحیت بر ضد صهیونیزم به عنوان پدیده ای ضد مسیحی بر پایه مدارک و مستندات
- ۴۵- برنامه راهنمایی و راهبری کارآمد جنبشهای ضد صهیونیستی منطقه ای و جهانی در اجرای برنامه های پادزیونی
- ۴۶- برنامه تشکیل و راه اندازی ارتش جهانی و بسیج جهانی ضد صهیونیست با مشارکت همه نیروهای آزاد پادزیون
- ۴۷- برنامه شناسایی و سترون سازی برنامه های آینده صهیونیزم و پیشگیری از تحقق پروتکل های جهانی زیون گراها

- ۴۸- برنامه تجمیع آوارگان تهدیدگر فلسطینی پشت مرزهای اسرائیل جهت تقویت عملیات مقاومت و پایداری
- ۴۹- برنامه تقویت دولت ملی فلسطین بویژه با مرزهای مستقل و درهای باز به جهان آزاد به عنوان راهکاری میان مدت
- ۵۰- برنامه ایجاد گذرگاه های بین المللی برای دولت مردمی فلسطین به منظور تسهیل مبادلات بین المللی فلسطین
- ۵۱- برنامه تعقیب کیفری جهانی عاملان و پشتیبانان جنایات صهیونیستی در دادگاه های کیفری منطقه ای و جهانی
- ۵۲- برنامه کمک به آزادسازی سرزمین های اشغالی همسایگان اسرائیل و جلوگیری از تثبیت نظامی و عمرانی اشغال
- ۵۳- برنامه کمک به آزادی فوری و مطلق اسیران و زندانیان فلسطینی دربند در زندان های اسرائیل و همپالگان اسرائیل
- ۵۴- برنامه اعمال فشار برای تعدیل قوانین ضد مردمی درونی دولت اسرائیل و رعایت الزامات جهانی در قوانین داخلی
- ۵۵- برنامه اعزام مستمر ناظران و گروه های حقوق بشر به اسرائیل جهت نظارت بر رعایت قوانین جهانی در اسرائیل
- ۵۶- برنامه کمک به شکست محاصره دولت ملی و ملت فلسطین و جلوگیری از تعمیق و تثبیت حصار و محاصره.
- ۵۷- برنامه کمک به بازسازی ویرانه های تجاوزگری و اشغالگری در

سرزمین فلسطین و سرزمین های همسایه

- ۵۸- برنامه کمک به ایجاد پناهگاه ها و سامانه های هشدارگر در فلسطین جهت کاهش پیامدهای تجاوزهای اسرائیلی
- ۵۹- برنامه تلاش برای پوشش خبری زنده و فراگیر رخدادهای فلسطین و شکست سکوت خبری رسانه های صهیونیستی.
- ۶۰- برنامه پیشگیری از اقدامات گروهک های تروریستی صهیونیستی در سرزمین های اشغالی و سرزمین های دیگر
- ۶۱- برنامه استقرار نیروهای پاسدار صلح درون سرزمین های اشغالی جهت جلوگیری از تجاوز اسرائیل به ملت فلسطین
- ۶۲- برنامه تلاش جهانی برای شناسایی- رسواسازی و فروپاشانی سازمان های صهیونیستی منطقه ای و جهانی
- ۶۳- برنامه الزام دولت اسرائیل به التزام عملی به قوانین جهانی بویژه منشور ملل متحد و بیانیه جهانی حقوق بشر.
- ۶۴- برنامه تحریف زدایی از دین آسمانی یهودیت از آغاز تاکنون برپایه پژوهش ها و سنجش های دینی و تاریخی
- ۶۵- برنامه شناسایی و افشای گونه های پنهان و ناشناخته صهیونیزم و افشای عقائد و تمایلات فرقه ها و نحله های زیونی
- ۶۶- برنامه مراقبت از ارتباطات برونمرزی اقلیت های بومی عربی- اسلامی زیون گرا در سرزمین های عربی- اسلامی



- ۶۷- برنامه مراقبت از فعالیت های برونمرزی سفارتخانه های اسرائیل در سرزمینهای دیگر بویژه کشورهای عربی- اسلامی
- ۶۸- برنامه فشار جهانی برای نظارت بر تأسیسات هسته ای اسرائیل و مراقبت و کنترل برنامه های نظامی اسرائیل
- ۶۹- برنامه تلاش برای برچیدن نمایندگی های اسرائیل از کشورهای اسلامی و جلوگیری از ایجاد نمایندگی های جدید.
- ۷۰- برنامه تلاش برای برچیدن نمایندگی های کشورهای اسلامی از اسرائیل و جلوگیری از ایجاد نمایندگی های جدید
- ۷۱- برنامه متحدسازی گروه ها و جنبش های گوناگون فلسطینی در قالب جنبش واحد و دولت واحد با منشور ملی واحد
- ۷۲- برنامه ایجاد رهبری و دولت واحد دمکراتیک برای فلسطین در قالب منشور ملی واحد و قانون اساسی فلسطین
- ۷۳- برنامه تدوین قانون اساسی و منشور ملی فلسطین با مشارکت همه فلسطینیان و نظارت سازمان کنفرانس اسلامی
- ۷۴- برنامه جلوگیری جهانی و بین المللی از نظامی گری فزاینده و بازدارندگی بودجه سالانه ۱۶ میلیارد دلاری نظامی اسرائیل
- ۷۵- برنامه تلاش برای جلوگیری از رشد اقتصادی ۶/۵ درصدی سالانه اسرائیل مبتنی بر اقتصاد کثیف و تجارت کثیف.
- ۷۶- برنامه تلاش برای جلوگیری از صادرات ۶۰ میلیارد دلاری سالانه

- اسرائیل مبتنی بر صادرات کثیف تولیدات کثیف
- ۷۷- برنامه تلاش برای کاهش ۲۰۰ GNP میلیارد دلاری سالانه اسرائیل مبتنی بر فرایندهای آلاینده و فرآورده های آلوده
- ۷۸- برنامه جذب ۴/۵ درصد جمعیت غیریهودی اسرائیل به برنامه ها و آرمان های غیرصهیونیستی و یا پادزیونی
- ۷۹- برنامه کنترل درآمد سرانه ۳۰۰۰۰۰ دلاری اسرائیل مبتنی بر توزیع نژادپرستانه GNP و مبتنی بر درآمدهای کثیف
- ۸۰- برنامه پراکنش جمعیت ۶ میلیون یهودی اسرائیل و ایجاد دافعه های درونی و جاذبه های برونی و جهانی برای برگشت
- ۸۱- برنامه جلوگیری از کمک های آشکار و پنهان مستقیم و غیرمستقیم ده ها میلیارد دلاری سالانه غرب به اسرائیل
- ۸۲- برنامه مستندسازی و انتشار اسناد جنایات ۶۱ سال تجاوز و اشغالگری اسرائیل در سرزمین های اشغالی و همسایه
- ۸۳- برنامه جلوگیری از مهاجرت ۱۲ میلیون یهودی باقیمانده جهان به ویژه از آمریکا و روسیه و آفریقا به اسرائیل
- ۸۴- برنامه افشای نقش ۷ میلیون یهودی مقیم آمریکا در پیشبرد اهداف اسرائیل در سرزمین آمریکا و سرزمین اشغالی
- ۸۵- برنامه بازپس گیری و مقابله با تداوم مصادره زمین ها و منابع طبیعی فلسطین توسط دولت فزونخواه اسرائیل

- ۸۶- برنامه طراحی و آزمایش جنگ های کارآمد به ویژه جنگ همه سویه و سنگین زمینی بر ضد کشور کوچک اسرائیل
- ۸۷- برنامه پیگیری پیشنهاد جهانی سال ۱۹۳۷ مبنی بر تشکیل دو دولت در یک سرزمین به عنوان یک گزینه میان مدت
- ۸۸- برنامه تشکیل دولت میان مدت فلسطین در سرزمین مستقل با تمامیت ارضی و مرزهای ۱۹۶۷ و پایتختی بیت المقدس
- ۸۹- برنامه پیشگیری از تداوم ساخت و تکمیل دیوار حائل و تلاش برای زدودن بیش از ۵۰۰ کیلومتر دیوار حائل کنونی
- ۹۰- برنامه بازنگری و بهینه سازی روش ها و راهبردهای مقاومت پایدار و بلندمدت با فرض نیاز به ده ها سال مقاومت آینده
- ۹۱- برنامه شکستن راهبرد اسرائیل در زمان کشی و فرصت سوزی به عنوان یک برگ برنده جهت تکمیل برنامه ها و راهبردها
- ۹۲- برنامه تلاش برای رهاسازی رسانه های جهانی از سلطه صهیونیسم جهانی و افشای جهانی ماهیت رسانه های زیونی
- ۹۳- برنامه بهبود اوضاع اردوگاه ها و ساکنان اردوگاه های برون مرزی فلسطینی و اسکان آوارگان فاقد مسکن در اردوگاه ها
- ۹۴- برنامه پایش فراگیر و پایدار بر آشتی و آتش بس به عنوان یک تاکتیک جهت پیشگیری از تجاوز بیشتر اسرائیل
- ۹۵- برنامه راه اندازی و راهبری بلندمدت و سازمان یافته تظاهرات و

- اعتصابات درون مرزی و برون مرزی ضداسرائیلی
- ۹۶- برنامه گردآوری و مدیریت کمک ها و اعانات جهانی برای مردم فلسطین در قالب فرایندهای نهادینه و سازمان یافته
- ۹۷- برنامه ایجاد وحدت رویه در جهان عرب و جهان اسلام در قبال مسئله فلسطین در قالب همایش ها و گفتگوهای فراگیر
- ۹۸- برنامه پیگیری اجرای تعهدات و توافقات مفید دو و چندجانبه اعراب با اسرائیل و اجرای ضمانت های موجود توافقات
- ۹۹- برنامه جلوگیری از تداوم حفاری های ویرانگر اسرائیل در آثار باستانی و دینی یهودی- مسیحی- اسلامی فلسطین.
- ۱۰۰- برنامه هماهنگ سازی دیدگاه ها و اقدامات ضداسرائیلی ۱۱میلیون فلسطینی آواره جهان در کشورهای دیگر.



## جنایت مشهور رژیم صهیونیستی

انتشارات الزيتونه در بیروت با انتشار کتابی ۱۱۳ صفحه ای علاوه بر پوشش تمامی جنایات اسرائیل علیه ملت فلسطین از زمان اشغال این کشور در سال ۱۹۴۸ میلادی به تشریح کامل مشهورترین این جنایت ها حتی از زمان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ پرداخته و ۲۷ جنایت را در فهرست مشهورترین جنایات اسرائیل از حیث ابعاد فاجعه برشمرده است.

**۱- انهدام هتل ملک داوود:** هتل ملک داوود در قدس که در سال ۱۳۳۰ ساخته شده بود و در دوره جنگ جهانی دوم مرکز فرماندهی ارتش انگلیس و آرشيو بسیاری از اقدامات آژانس یهود در اشغال تدریجی فلسطین محسوب می شد در ژوئیه ۱۹۴۶ به دست گروه های تروریستی صهیونیستی هاگانا، ایرگون و اشترن با ۳۵۰ کیلوگرم مواد منفجره، به طور کلی ویران شد.

**۲- دیرياسین:** دیرياسین نام روستایی کوچک نزدیک قدس است تعداد ساکنان این روستا در سال ۱۹۴۸ نزدیک به ۷۰۰ نفر بودند. در سال ۱۹۴۸ این روستا شاهد هجوم ۳ گروه مسلح به نام ارگون به سرکردگی مناخیم بگین، گروه اشترن به سرکردگی اسحاق شامیر و گروه هاگانا به سرکردگی دیوید بن گوریون بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان روستا همراه بود ۲۵۰ نفر که بیشتر آنها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل می داد

کشته شدند. همچنین در این حمله فجایع دیگری از جمله تجاوز جنسی، مثله کردن، پاره کردن شکم زنان باردار و منفجر کردن منازل نیز رخ داد.

**۳- اللد و الرمله** ژوئن ۱۳۴۸ شبه نظامیان صهیونیست با حمله به این دو روستا جز ۲۵ خانواده فلسطینی دیگر هیچ فلسطینی را زنده نگذاشتند. ۱۷۶ فلسطینی در این جنایت به شهادت رسیدند.

**۴- الطنطوره:** این روستا در جنوب شهر اشغالی حيفا واقع است و در ۲۳ ماه مه ۱۹۴۸ شاهد بزرگترین جنایت صهیونیست ها علیه اهالی روستا بود. وقایع فاجعه بار این روستا از سال ۱۹۴۸ تا سال ۲۰۰۰ میلادی سری باقی ماند تا اینکه یک اسرائیلی به نام «تدکاتس» در پایان نامه دوره کارشناسی ارشدش با استفاده از آرشیو ارتش صهیونیستی فاش کرد که در این روستا ۲۰۰ فلسطینی قتل عام شدند.

**۵- الدوایمه:** این روستا در استان الخلیل واقع است و در اکتبر سال ۱۹۴۸ شاهد هجوم وحشیانه شبه نظامیان صهیونیست بود که در پی آن ۵۰۰ نفر به قتل رسیدند که از این بین ۲۰۰ نفر متعلق به روستاهای دیگری بودند که در این روستا پناه گرفته بودند.

**۶- قبیه:** روستای قبیه در ۲۲ کیلومتری شمال شرقی قدس و ۴۴ کیلومتری غرب رام الله واقع است و ساعت ۷ بعدازظهر ۱۴ اکتبر سال ۱۹۵۳ مورد حمله و اشغال نظامیان صهیونیست درآمد. این هجوم که نظامیان

صهیونیست با لباس مبدل صورت دادند به رهبری آریل شارون انجام گرفت که طی آن ۶۹ زن و مرد و کودک فلسطینی به قتل رسیدند.

**۷- کشتار حولا:** روز سی و یکم اکتبر سال ۱۹۴۸ بامداد نیروهای اسرائیلی به سرکردگی مناخیم بگین به حولا شهر کوچکی در لبنان حمله بردند. در این حمله نیروهای اسرائیلی مردان شهر را اعدام و منازل مسکونی را منهدم کردند. همچنین ده ها نفر از کشته شده ها را در گورهای دسته جمعی دفن کردند. این فاجعه باعث مهاجرت اکثر اهالی این منطقه به بیروت شد. در این کشتار ۹۰ لبنانی کشته شدند.

**۸- کفر قاسم:** در روز بیست و نهم اکتبر سال ۱۹۵۶ کفر قاسم روستایی نزدیکی شهر قلقیلیه در فلسطین هدف حمله نیروهای صهیونیستی قرار گرفت. در این حمله که در ساعت ۵ عصر و هنگام بازگشت اهالی روستا از مزارع صورت گرفت ۴۹ نفر کشته شدند. این کشتار با شعار «بدون عاطفه باش تا خدا رحمتت کند» به وقوع پیوست.

**۹- کشتار حانین:** نیروهای اسرائیلی در ۲۶ نوامبر سال ۱۹۶۷ بعد از حدود ۳ ماه از محاصره روستای حانین در لبنان وارد این روستا شدند و اقدام به قتل ساکنان با تبر کردند. همچنین منازل را آتش زده و آنها را با خاک یکسان کردند.

**۱۰- کشتار عیترون:** عیترون نام شهری کوچک در جنوب لبنان است. این

شهر در سال ۱۹۷۵ بر اثر انفجار یک بمب که توسط نیروهای اسرائیلی کار گذاشته شده بود ۹ کودک کشته شدند.

**۱۱- کشتار بنت جبیل:** در سال ۱۹۷۶ نیروهای اسرائیلی پنجشنبه بازار شهر کوچک بنت جبیل در لبنان را بمباران کردند. این بمباران به کشته شدن ۲۳ و زخمی شدن ۳۰ نفر منجر شد.

**۱۲- کشتار اوزاعی:** در سال ۱۹۷۸ نیروهای هوایی اسرائیل واحدهای مسکونی و مؤسسات تجاری منطقه اوزاعی در نزدیکی بیروت را هدف قرار دادند. در این حادثه ۲۶ نفر به قتل رسیدند و ۳۰ واحد مسکونی کاملاً ویران شد.

**۱۳- کشتار راشیا:** در سال ۱۹۷۸ توپخانه اسرائیل ۱۵ لبنانی را که به سمت کلیسای شهر کوچک راشیا روانه بودند به قتل رساند.

**۱۴- کشتار کونین:** نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۷۸ روستای «کونین» در لبنان را مورد هدف قرار دادند. در این حمله ۲۹ نفر که اکثراً کودک بودند، کشته شدند.

**۱۵- کشتار عدلون:** در سال ۱۹۷۸ کماندوهای اسرائیلی مستقر در ساحل عدلون در لبنان ۲۰ نفر از افرادی را که در ۲ ماشین در حال حرکت بودند هدف قرار داده و به قتل رساندند.

**۱۶- کشتار عباسیه:** در سال ۱۹۷۸ نیروی هوایی اسرائیل مسجدی را در شهر کوچک عباسیه در لبنان که تعدادی از خانواده ها در آنجا پناه



گرفته بودند را هدف قرار داد. در این بمباران هوایی ۱۱۲ نفر که بیشتر آنها زن و کودک بودند کشته شدند.

**۱۷- خان یونس:** خان یونس در نوار غزه واقع است. این روستا در دو نوبت به فاصله ۹ روز هدف حملات اشغالگران صهیونیست قرار گرفت. یکی در ۳ نوامبر ۱۹۵۶ که ۵۰۰ فلسطینی و دیگری ۱۲ نوامبر که ۲۷۰ فلسطینی به شهادت رسیدند.

**۱۸- صبرا و شتیلا:** در سال ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی با همکاری برخی از نیروهای نظامی لبنانی دست نشانده با نقشه وزیر جنگ آن زمان آرئیل شارون به اردوگاه های صبرا و شتیلا در نزدیکی بیروت که برخی از پناهندگان فلسطینی را در خود جای داده بودند حمله کردند و حدود ۸۰۰ نفر فلسطینی به اضافه تعدادی لبنانی را به قتل رساندند.

**۱۹- جنایت اردوگاه البرج الشمالي** این اردوگاه در لبنان واقع است. هواپیماهای صهیونیستی در هفتم ژوئن سال ۱۹۸۲ با حمله به این اردوگاه با استفاده از بمب های فسفری ۹۴ فلسطینی را در این اردوگاه به خاک و خون کشیدند. این حمله در واکنش مقابله جوانان اردوگاه در برابر حمله نظامیان پیاده صهیونیستی به اردوگاه صورت گرفت.

**۲۰- عیون قاره:** صبح روز بیستم ماه مه ۱۹۹۰ یک نظامی صهیونیستی به روی کاروان کارگران فلسطینی در منطقه صهیونیست نشین لیتسیون

(عیون قاره) آتش گشود که در نتیجه آن هشت کارگر فلسطینی شهید و ۱۶ نفر دیگر زخمی شدند.

**۲۱- کشتار نمازگزاران الاقصی:** براثر درگیری نمازگزاران فلسطینی با گروه یهودی متعصب امنای کوه هیکل در تاریخ هشتم اکتبر سال ۱۹۹۰، سربازان اسرائیلی وارد ماجرا شدند و نمازگزاران را به گلوله بستند. در نتیجه این گلوله باران ۲۱ نفر کشته، ۱۵۰ نفر مجروح و ۲۷۰ نفر بازداشت شدند. همچنین از حرکت آمبولانس ها جلوگیری شد و برخی از پزشکان و پرستارها نیز در هنگام امداد رسانی مورد هدف قرار گرفتند. کشته شدگان و مجروحان تا ۶ ساعت پس از پایان درگیری روی زمین بودند.

**۲۲- کشتار قانا:** در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ (میلادی) در جریان جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان روستای قانا مورد حمله و بمباران نظامیان رژیم اشغالگر قدس قرار گرفت.

برخورد دو بمب به یک ساختمان مسکونی چهارطبقه در مرکز روستای قانا به کشته شدن ۵۴ شهروند غیرنظامی از جمله بیش از ۳۷ کودک و زخمی شدن بسیاری انجامید. بسیاری از فقیران و کودکان معلول که قادر به فرار از منطقه نبودند در این ساختمان می خوابیدند. خاخام های صهیونیست گفتند براساس حکم تورات، کشتار مردم در قانا در جنوب لبنان مباح است.

در زمان وقوع جنگ ۳۳ روزه، خاخام ها ضمن اعتراض به انتقادهای و محکومیت های جهانی علیه جنایت قانا، مدعی شدند بنا به قوانین کتاب مقدس یهودیان، در زمان جنگ هیچ بی گناهی در صف دشمن وجود ندارد. آنها افزودند: هرگونه حرف درباره اخلاق در شرایط کنونی باعث تضعیف روحیه نظامیان و مردم! اسرائیل می شود.

خاخام های صهیونیست همچنین در جنگ موسوم به ۲۲ روزه غزه نیز حکمی درباره کشتار غیرنظامیان لبنانی و فلسطینی در غزه صادر کرده و مدعی شدند بنا به احکام تورات، کشتار زنان و کودکان در زمان جنگ مباح است.

**۲۳- حرم ابراهیمی در الخلیل:** باروخ گلدشتاین و گروهی از شهرک نشینان شهرک صهیونیست نشین کریات اربع در بیست و پنجم فوریه سال ۱۹۹۴ هنگام نماز صبح وارد مسجد الاقصی می شوند. گلدشتاین، پشت یکی از ستون های مسجد می ایستد و منتظر می شود تا نمازگزاران سجده کنند. پس از آن به سوی ایشان تیراندازی می کند. گلوله ها و ترکش های نارنجک، باعث زخمی شدن بیش از ۳۵۰ نفر می شود

نظامیان ارتش اسرائیل، هنگام این کشتار، درهای مسجد را می بندند و از فرار نمازگزاران جلوگیری می کنند. همچنین به هیچ کس اجازه نمی دهند تا برای نجات مجروحان به داخل حرم برود.

در همین زمان، گروهی نیز در خارج از مسجد کشته می شوند. عده ای نیز در حین تشییع جنازه شهدا به خیل شهدا می پیوندند و در این کشتار ۵۰ نفر به شهادت می رسند که ۲۹ نفر از آنها از نمازگزاران حرم بودند.

**۲۴- انتفاضه الاقصی:** در تاریخ بیست و هشتم سپتامبر سال ۲۰۰۰ آریل شارون از مسجد الاقصی بازدید کرد. این بازدید به علت اعتراض جوانان فلسطینی کامل نشد. روز بعد از این حادثه که مصادف با روز جمعه بود نیروهای اسرائیلی اقدام به گشودن آتش روی نمازگزاران کردند که بر اثر آن ۷ نفر کشته و ۲۵ نفر زخمی شدند. این درگیری به انتفاضه دوم مردم فلسطین منجر شد.

**۲۵- اردوگاه جنین:** ارتش خونریز اسرائیل در ۲۹ مارس ۲۰۰۲ حمله گسترده ای را به اردوگاه جنین واقع در کرانه باختری آغاز کرد. آنان با تهاجم گسترده به این اردوگاه پس از اتمام مهمات نیروهای مقاومت آنجا را تسخیر می کنند. سپس آنها وارد اردوگاه می شوند و بسیاری از جوانان اردوگاه را اعدام می کنند. سپس تانک های اسرائیل وارد شده، برخی خانه ها را تخریب می کنند. تعداد شهدای این واقعه، حدود ۲۰۰ نفر است. هنوز تعداد شهدای دفن شده در گورهای جمعی، مشخص نیست.

**۲۶- غزه:** رژیم صهیونیستی پس از پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین در ژانویه سال ۲۰۰۶ در اقدامی نژادپرستانه با هدف تنبیه مردم

فلسطین به ویژه مردم نوارغزه که بیشترین آرای حماس از این منطقه بود اقدام به محاصره کامل زمینی و هوایی این منطقه کرد.

در پی این محاصره کشنده اسرائیلی ها حتی از خروج بیماران فلسطینی برای مداوا به خارج جلوگیری کردند که طی آن تا اواسط سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۳۸۰ فلسطینی جان خود را از دست دادند.

در خلال این سال ها به ویژه در اواخر سال ۲۰۰۸ تا اواسط ژانویه سال ۲۰۱۰ اسرائیل جنگی خانمان سوز را علیه غزه راه انداخت که به تجاوز ۲۲ روزه شهرت یافت. در این جنگ ۱۴۵۰ شهروند فلسطینی به شهادت رسیدند و ساختار زیربنایی نوارغزه آسیب جدی دید.

**۲۷- حمله به ناوگان آزادی:** در بامداد روز دوشنبه ۳۱ مه سال ۲۰۱۰ در برابر چشمان افکار عمومی جهان نیروی دریایی ارتش صهیونیستی در اقدامی که دزدی دریایی لقب گرفت در آب های بین المللی به کشتی بین المللی حامل کمک های انسان دوستانه به نوارغزه حمله کرد و ۹ شهروند ترکیه را به قتل رساند و ده ها نفر را زخمی کرد. تمامی ۷۵۰ سرنشین این کشتی ها بازداشت و به بندر اشدود منتقل شدند.

## بخش سیزدهم : قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران

امام خمینی(ره) : قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران؛ اسلام، ابرقدرت ها را به خاک مذلت می نشاند و «سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» او به دعوای کهنه «عقل و عشق» و «سیاست و دیانت» و «معنویت و حکومت» پایان داد. می گفت اختیار مردم به دست من است و اختیار خودم به دست خودم نیست، به دست خداست. از سیاست آمریکا و شوروی سخن می گفت، اما ناگهان نگاهش را به دریایی از «عرفان ناب محمدی» می دوخت که «زمزم» از آن جوشیده است. صبور و مصّبر، همه را به سوی آن دریا دعوت می کرد، نه به سوی خود. «گلستان ملت ها» رخ نموده است... همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست «آمریکا» و «شوروی» بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند، به درآییم؛ و به سوی دریایی که «زمزم» از آن جوشیده است، روانه شویم.

**برخی رژیم های عربی همگام با آمریکا و غرب در تلاش برای متوقف کردن انقلاب های منطقه اند** برخی رژیم های وابسته و محافظه کار عرب نیز در کنار آمریکا و ناتو برای حفظ خودشان هم که شده با تمام قوا می کوشند عقربه های زمان را متوقف کرده و انقلاب های منطقه را به عقب برگردانده و یا به ناکجا آباده بکشانند. و تنها سرمایه شان برای این

برگزاری دلارهای نفتی است. و هدف اصلی آنها شکست مردم مصر، تونس، یمن، لیبی و بحرین و ... است و حفظ ثبات و تضمین بقای رژیم صهیونیستی و ضربه به جبهه مقاومت در منطقه است (که متأسفانه در مصر با کمک دلارهای عربستان موفق بودند). اما گروه دوم و اصلی ملت‌ها هستند ملت‌ها چه می‌خواهند نظر سنجی مکرر آمریکا در مصر و اکثر کشورهای اسلامی و واقعیت‌ها را به آنها گفته است.

**ملت‌های اسلامی و عربی از آمریکا نفرت دارند** از سال ۲۰۰۰ تا اکنون میزان گرایش به مسجد و شعائر اسلامی از جمله حجاب و پوشش زنان، ۴۰ تا ۷۵ درصد در بین ملت‌ها از مصر، اردن تا ترکیه و مالیزی و غیره افزایش یافته است. و میزان نفرت از آمریکا با میانگین ۸۵ درصد در کشورهای اسلامی و عربی بالا رفته و به ویژه پس از دیدن پیروزی جوانان حزب الله و حماس در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و شکست و خروج آمریکا بدون هیچ دستاوردی در عراق امیدی به پیروزی آینده در میان جوانان عرب مضاعف شده است. شخصیت‌های محبوب میان جوانان مصر، مجاهدان ضد صهیونیستی مسلمانان بود و نام آنان را روی فرزندان‌شان می‌گذارند. نفرت از صهیونیسم توجه به قضیه فلسطین و عزت طلبی اسلامی از شاخص‌های اصلی ملت‌ها است.

**به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید** آنان هرگز به مصالح شما و منافع ملت شما نمی‌اندیشیند. همچنین از آنان نترسید آنان پوشالی‌اند. و به سرعت ضعیف تر و ضعیف‌تر شدند. حاکمیت آنان بر جهان اسلام صرفاً محصول ترس ما در ۱۵۰ سال گذشته بوده است به آنان امید نبندید و از آنان حساب نبرید و تنها به خدای متعالی امیدوار باشید و فقط خود را باور کنید. آنان در عراق شکست خوردند و به اهداف اصلی خود نرسیدند. در افغانستان چیزی به دست نیاوردند در لبنان از حزب الله و در غزه از حماس شکست خوردند و اینکه در خیلی کشورها توسط مردم به پایین کشیده خواهند شد.

**بت غرب نیز همچون بت کمونیست شکسته شد** هیچ چیز طبق برنامه آنان پیش نرفته است و ترس ملت‌ها ریخت مراقب آینده باشید که شما را نترسانند. به طمع کمک‌های مالی آنان و یا تئوری‌های فاسد نظام سازی و وعده‌های شوم و یا از خوف قدرت لایزال آنان وارد بازی‌های سیاسی و امتیاز دهی نشوید و از خدا و مردم فاصله نگیرد هرگز وارد معامله با دشمنان اسلام و مردم نشوید. همچنین وارد بازی دلارهای نفتی وابستگان و متحدان غرب در منطقه در میان اعراب نشوید چرا که در آینده از این بازی‌ها سالم بیرون نخواهید آمد. اسرائیل رفتنی است و نباید بماند و نخواهد ماند شروع انحراف در نهضت‌های کنونی تن دادن به بقای رژیم صهیونیستی است.



و ادامه مذاکرات سازش و تسلیم که رژیم‌های ساقط شده آن را پایه گذاری کرده‌اند. انتقامی که بعد از ترور ناجوانمردانه تروریست بین الملل آمریکا، ایران گرفت و به پایگاه بزرگ آمریکا در چند هزار کیلومتری در مرز سوریه و نزدیک به سرزمین اشغالی گرفت سیلی محکمی بود که ابهت پوشالی و بت بزرگی که استکبار از خود ساخته بود توسط ایران از بین رفت. و شهید قاسم سلیمانی ( نفر اول مقابل داعش و نوکران استکبار ) را جهانی کرد و تمام ملل دنیا نسبت به ایشان ارادت خالصانه ابراز نمودند.

### زمان نابودی اسرائیل

کتاب «۱۴۰۱ سال سقوط اسرائیل» عنوان کتابی است که در طول مدتی که در مورد پیش‌بینی زوال اسرائیل بر اساس محاسبات ریاضی قرآن از جنبه‌های مختلف به سال ۱۴۴۴ هجری قمری اشاره دارد، البته پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب اسلامی زودتر از اینهاست.

رهبر انقلاب افزود: شما جنگ بزرگی در پیش دارید، نیروهایتان را سه برابر کنید. درباره فرمایش رهبر انقلاب مبنی بر تبدیل شدن ایران به یک قدرت در منطقه در دوران جنگ ۳۳ روزه، گفت: مورد سوم، درباره جنگ ۳۳ روزه بود. سید حسن نصرالله فرمود: همان روزهای اولیه حمله اسرائیل پیامی از مرحوم آیت الله بهجت به دستم رسید که در آن فرموده

بودند: «نگران نباشید، شما پیروز خواهید شد» و دیگر توضیحی نداده بودند. اما چند روز بعد سردار سلیمانی آمد و پیامی مفصل و کتبی از رهبر معظم انقلاب آورد. رهبر معظم انقلاب در یک صفحه نه تنها بشارت داده بودند ما پیروز می‌شویم که حتی فرموده بودند ما به یک قدرت نظامی منطقه‌ای تبدیل خواهیم شد. طولی نکشید که دیدیم محور مقاومت پیروز شد و حزب الله پیروزی خودش را جشن گرفت و امروز به عنوان یک قدرت غیر قابل حذف در منطقه حضور داریم.

**برای زوال اسرائیل ۱۸ سال هم زیاد است** سید حسن نصرالله فرمود: ما بعد از جنگ ۳۳ روزه پروژه نابودی اسرائیل را آغاز و در این رابطه حدود ۲۰ طرح آماده کردیم. مبنای کار ما این بود که اسرائیل ۱۸ سال کشید که از لبنان اخراج شود، بنابراین اخراج اسرائیل از فلسطین اشغالی خیلی بیشتر زمان خواهد برد، لذا طرح‌هایی را برای زوال اسرائیل در ۳۰ سال آینده آماده کردیم و با این طرح‌ها به ایران آمدیم.

دوباره همان ملاقات‌های روتین انجام شد و تقریباً همه اتفاق نظر داشتند که پروژه زوال اسرائیل زمان بیشتری نیاز دارد تا اینکه خدمت رهبر معظم انقلاب مشرف شدیم. در این ملاقات من با آب و تاب در مورد این ۲۰ طرح و تصمیمات اتخاذ شده صحبت کردم. رهبر معظم انقلاب بعد از عرایض بنده فرمودند: خب این طرح‌ها خیلی خوب است،

و آمادگی لازم را برای هر کاری داشته باشیم، اما برای زوال اسرائیل ۱۸ سال هم زیاد است و با قاطعیت فرمودند اسرائیل زودتر از اینها نابود خواهد شد. تمام این مطالب را گفتم که شما بدانید پیش‌بینی‌های رهبر معظم انقلاب که قبل از این همگی درست بودند، قبل از تاریخی که شما بدست آورده‌اید از زوال اسرائیل حکایت دارد.

بنده عرض کردم اتفاقاً خود رهبر معظم انقلاب نیز در ملاقاتی که با ایشان داشتم وقتی کتابم را به ایشان تقدیم کردم پرسیدند: خب بالاخره اسرائیل در چه سالی ساقط خواهد شد؟ عرض کردم بر اساس این محاسبات ان‌شاءالله در سال ۱۴۴۴ هجری قمری مصادف با ۲۰۲۲ میلادی. فرمودند چه دیر! ما امیدواریم زودتر از اینها اتفاق بیافتد.

بر اساس نص قرآن کریم یهودیان به شدت از نابودی و مرگ می‌هراسند تا آنجا که قرآن از همین خاصیت آنان استفاده و برای اثبات حقانیت، آنان را به مرگ خواهی فرا می‌خواند **فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ**

بنابراین اگر این کتاب در سطح گسترده‌ای در جهان در اختیار یهودیان قرار بگیرد می‌تواند موج مهاجرت منفی از اسرائیل را کلید بزند. ایشان فرمود: در اینکه اسرائیل نابود شدنی است شکی نیست، اسرائیل همان خانه عنکبوت است که من نامگذاری کرده‌ام و تنها کافی است حیات اسرائیل بدون حمایت آمریکا اتفاق بیافتد..

**به اسلام آمریکایی و انگلیسی بدبین باشید** به اسلام که رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند ولی با مذاهب اسلامی دیگر بی‌رحمانه مواجه می‌کند دست آشتی به سوی آمریکا و و ناتو دراز می‌کند ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند، اعتماد نکنید. اسلام آمریکایی و انگلیسی شما را به دام سرمایه داری غرب و مصرف زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشاند

مردم عرب صد سال است نادیده گرفته شده‌اند. کرامت و عزت‌شان و هم‌رای و حقوق آنان علنا پایمال شده است. برای نخستین بار اکنون مردم صحنه را به دست گرفته‌اند. مسلمانی برخی حکومت‌های مسلمان تشریفاتی و نمایشی و دروغین است مصنوعی و موقتی است. انقلاب ما پیروزی‌ها و البته ضعف‌هایی در مجاهدات چهار دهه خود داشته است اما در هیچ جنبش اسلامی در جهان پس از تسلط غرب و شرق بر مسلمین در قرن گذشته تا این حد جلو نیامده. و این همه موانع از سر نگذرانده.

**به رسمیت نشناختن اسرائیل و متهم به حمایت از تروریست** ایران به دلیل حمایت از فلسطین و لبنان و عراق و بحرین متهم به تروریسم می‌شود تنها به آن علت که حاضر نشد برادران عرب خود را تنها بگذارد و اشغالگران را به رسمیت بشناسد حال آنکه ما خود بزرگترین قربانی تروریسم در جهان هستیم و ترورها همچنان ادامه دارد.

اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برادران مظلوم افغانی و بوسنیایی و لبنانی و عراقی و فلسطینی خود را همچون سایر حکومت‌های به ظاهر مسلمان تنها می‌گذاشت و اگر همچون بیشتر رژیم‌های عربی که به فلسطین خیانت می‌کردند و ما هم ساکت می‌ماندیم و از پشت خنجر می‌زدیم و هرگز ما را پشتیبان تروریسم معرفی نمی‌کردند. دنیای عجیبی است عربستان کودک کش در سازمان ملل رئیس کمیته حقوق بشر و اسرائیل رئیس کمیته ضد تروریست هستند

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ملت ایران اهانت هر مسلمان به مقدسات سایر مذاهب را حرام می‌داند و معتقدیم مسلمانان از شافعی، جعفری، مالکی و حنبلی و زیدی همه فرقه‌های اسلامی باید با برادری و گفت‌وگوی سالم در فقه، کلام و تصویر و تاریخ دست در دست یکدیگر به ساختن تمدن اسلامی معاصر و امت اسلامی مقتدر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هم قرار دهند. ایران اسلامی را به پیگیری بمب اتم معرفی و سپس تحریم و تهدید و ترور می‌کنند. ملت ایران همچون ملت مصر، تونس، لیبی و بحرین و یمن مفتخر به شعائر وحدت و تقرب مذاهب و آزادی عزت برادران مسلمان از شرق آسیا تا عمق آفریقا و اروپا بوده است. آنان می‌خواهند رابطه ما و شما را قطع کنند. ما به آزادی قدس شریف و تمامی سرزمین‌های فلسطین می‌اندیشیم

## ایران به دنبال ایرانی کردن عرب ها یا شیعی کردن سایر مسلمانان

**نیست** ایران به دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و احیای امت اسلامی است و برای انقلاب اسلامی کمک به مجاهدان اهل سنت سازمان‌های حماس و جهاد مجاهدان شیعی حزب‌الله به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف می‌کنیم. ملت و حکومت ایران با صدای بلند و قاطع اعلام می‌کند به قیام ملت‌ها و نه به ترور و به وحدت اسلامی نه غلبه و تضاد مذاهب اسلامی به برادری مسلمین نه به برتری قومی و نژادی به جهاد اسلامی نه خشونت علیه بیگانگان معتقد و ملتزم است. برای سعادت همه ملت‌های مسلمان دعا می‌کنیم و در کنار آن وظیفه سنگین خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم.

## تابلوی پیچ بزرگ تاریخ را امام (ره) و خامنه ای نصب کرده اند

آمریکا و متحدانش از یکسو با فروپاشی رژیم های دیکتاتور و دست نشانده خود در منطقه روبرو هستند که عقبه استراتژیک آنها بود و از سوی دیگر در بحران شدید مالی و اقتصادی گرفتارند و در همان حال جنبش وال استریت که یک حرکت مردمی فراگیر و ضد سرمایه داری است مقبولیت و مشروعیت آنان را به چالش جدی کشیده است. تا آنجا که کسینجر در اجلاس راهبردی آتلانتیک با عصبانیت می پرسد؛ باید دید

چه حماقتی کرده ایم که آمریکای ابرقدرت ۲۰۰۱ را به شرایط شکننده امروز کشانده ایم؟! آیا انقلاب های اسلامی در منطقه که نشانه تکثیر ایران اسلامی است و تحولات اخیر جهانی که به قول حضرت آقا ویتربینی از شکست ها و ناکامی های آمریکاست و خیزش مردم آمریکا و اروپا علیه نظام سرمایه داری، از تغییر ساختار سیاسی و فکری دنیا حکایت نمی کند؟! این دقیقاً همان پیچ بزرگ تاریخی است که چند سال قبل رهبر معظم انقلاب از آن خبر داد **امروزه استراتژیست های بلندآوازه غربی با همان واژه «پیچ بزرگ تاریخ»** از آن یاد می کنند امروزه در حالی تاریخ به پیچ بزرگ خود رسیده است که دو قدرت اصلی در عرصه جهانی حضور مؤثر دارند قطب اسلام به رهبری حضرت آقا و قطب استکبار به رهبری آمریکا

آیا کمترین تردیدی باقی می گذارد که بر سر این پیچ بزرگ، خمینی و خامنه ای ایستاده و تابلوهای راهنمای آن را نصب می کنند؟ دشمن اگرچه مقابله با کانون اصلی اقتدار نظام یعنی حاکمیت اسلام ناب و ظلم ستیز را به عنوان اصلی ترین هدف استراتژیک در دستور کار خود داشته و دارد. امروزه الگوی انقلاب اسلامی در تحولات منطقه حرف اول را می زند و نقش اصلی را بازی می کند، بنابراین می توان نتیجه گرفت که مخدوش کردن این الگو برای دشمنان بیرونی در اولویت است.

## بخش چهاردهم : چرا مرگ بر آمریکا ؟ ؟ ؟ ؟

سرکوب قیام ها در صد سال اخیر در ایران . کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و بازگرداندن شاه نوکر خود به ایران . تبدیل ایران به ژاندارم خلیج فارس و تسلط بر کشورهای منطقه و غارت نفت و ثروت آنان . آموزش افسران ایرانی توسط مستشاران خود و ایجاد پایگاه آمریکائی جهت تسلط بر....

شکنجه و به شهادت رساندن انقلابیون و مبارزین و استقلال طلبان ایرانی. سرکوب و آزار و شکنجه ی تظاهرکنندگان انقلاب اسلامی ایران و به شهادت رساندن صدها هزار نفر

ترتیب دادن چند کودتا بر علیه مردم ایران و حملات نظامی (طبس . نوژه . و .....). رهبری و آموزش تروریست های چون طالبان ، برادران ریگی ، القاعده و.... و کشتن هزاران نفر بی گناه

نگهداری میلیون ها دلار از اموال ایران در کشور خود . اختلاف افکنی و سازمان دهی در اطراف میهن اسلامی و قومیت گرائی ، کرد . لر . بلوچ . عرب و ..... دخالت در امور داخلی و انحراف مسئولین رده ی بالای دولتی خواسته و ناخواسته . سازمان دهی ساواکی، خواننده، رقاصه و ... در خارج از کشور و شکستن قداست اسلام و انقلاب و امام . به آتش کشیدن محصولات کشاورزان بعد از پیروزی انقلاب برای نیازمند کردن



مردم به خارج. تحریک صدام به حمله به ایران برای شکست انقلاب و تحمیل ۸ سال جنگ و شهادت صدها هزار نفر. حمله به کشور افغانستان به بهانه مبارزه با تروریست و کشتن افراد غیر نظامی. حمله به کشور عراق به بهانه از بین بردن سلاح های کشتار جمعی. حمایت از اسرائیل و کشتار مسلمانان در حدود ۶۰ سال. تحریک و حمایت به کشتار هزاران شیعه در کشورهای ایران. عربستان. عراق. یمن. و

کارشکنی در پیشرفت هسته ای ایران، با توجه بر تائید آژانس بین المللی، از صلح آمیز بودن آن. جاسوس پروری و حمایت انسانی و مالی از افراد شرور و مغرض در ارتباط با سیاست های ایران اسلامی راه اندازی شبکه های گوناگون رادیوئی و تلویزیونی و تعیین بودجه برای آنان همه ساله.

ترور ناجوانمردانه نفر اول مبارزه علیه تروریستی داعش، سردار دل ها قاسم سلیمانی. خلاصه سیاست جهان خواری و قیم مآبانه، در برخورد با ملت ها و.....

کلیه موارد فوق در اسناد لانه جاسوسی موجود و چگونگی سازمان دهی و انجام آن پیش بینی شده

**پیش از پیروزی انقلاب اسلامی** نقش امریکا در تشکیل و تقویت ساواک . حمایت از اقدامات رژیم شاه در سرکوب مردم . حضور و مداخله مستقیم در همه شئون و امور ایران

### **سابقه دخالت ها و دشمنی های آمریکا با ایران**

**پس از پیروزی انقلاب اسلامی** حمایت از تجزیه طلبی و تروریسم . جاسوسی و مداخلات سفارت امریکا . ترور ناجوانمردانه نفر اول مبارزه علیه تروریستی داعش، سردار دل ها قاسم سلیمانی.

بعد از ناتوانی و ناکامی از حمایت ها و سرمایه گذاری ها در پروژه انتخابات و تلاشهای گوناگون در مقابله با انرژی هسته ای، تهدید ایران به حمله اتمی بر خلاف اصول و عرف بین الملل . مشارکت نظامی مستقیم آمریکا در مخاصمه علیه ایران . تحریک عراق به حمله نظامی به ایران و اقدامات جانبدارانه امریکا به نفع عراق در طول جنگ کمک های مستقیم آمریکا به عراق . تجاوز به حریم هوایی ایران . انهدام هواپیمای ایرباس . فشارها و تحریم های اقتصادی . تلاش برای جلوگیری از دستیابی ایران به دانش و فناوری هسته ای . راه اندازی جنگ ژئوپلیتیک ( محروم ساختن ایران از مزایای ناشی از موقعیت) بر ضد ایران . اختصاص بودجه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران . دخالت امریکا در انتخابات ایران

**نتیجه گیری** تاریخ روابط ایران و امریکا چه پیش و به ویژه چه پس از انقلاب از مداخلات گسترده، مخرب و در بسیاری مواقع سرنوشت ساز امریکا در امور داخلی کشورمان حکایت دارد. در دوره قبل از انقلاب، روند کلی مداخله براساس تقویت و تثبیت نظام حاکم و تلاش برای سرکوب مخالفان آن دنبال می شود و در دوره پس از انقلاب، این مداخله روندی معکوس در جهت تضعیف نظام حاکم و تقویت مخالفان آن پیدا می کند. در مجموع، این مداخلات از عوامل اصلی وجود یک حس بدبینی و بی اعتمادی نسبت به سیاست های امریکا نزد مردم و مقامات ایران است. در واقع سابقه سیاست ها و فعالیت های امریکا در ایران تصویر یک دولت مداخله گر را از امریکا در ذهن مردم ایجاد کرده است. دولتی که احترامی برای حاکمیت، استقلال و منافع ایران قایل نیست. بر همین اساس تغییر چنین ذهنیتی یکی از مهمترین پیش شرط های اساسی برای هرگونه تحول مثبت در روابط ایران و امریکا در جهت بهبود این روابط است. و نمی توان چشم انداز روشنی از بهبود روابط دو کشور در آینده ترسیم کرد.

**منابع : صحیفه امام خمینی و سخنان رهبری**

**مقالات در رسانه های ارزشی**

**قرآن منظوم امید مجد**